



وزارت معارف

زبان و ادبیات دری

صنف دهم



دری صنف دهم



سرود ملی

دا عزت د هر افغان دی	دا وطن افغانستان دی
هر بچی یې قهرمان دی	کور د سولې کور د توري
د بلوڅو د ازبکو	دا وطن د ټولوکور دی
د ترکمنو د تاجکو	د پښتون او هزاره وو
پامیریان، نورستانیان	ورسره عرب، گوجردی
هم ايماق، هم پشه پان	براهوي دي، قزلباش دي
لکه لمر پرشنه آسمان	دا هېواد به تل حليري
لکه زره وي جاويдан	په سينه کې د آسيا به
وايو الله اکبر وايو الله اکبر	نوم د حق مودي رهبر



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



زبان و ادبیات دری

صنف دهم

سال چاپ: ۱۳۹۹ ه. ش.



مشخصات کتاب

مضمون: دری

مؤلفان: گروه مؤلفان کتاب‌های درسی بخش دری نصاب تعلیمی

ویراستاران: اعضای دیپارتمن特 ویراستاری و ایدیت زبان دری

صنف: دهم

زبان متن: دری

انکشاف دهنده: ریاست عمومی انکشاف نصاب تعلیمی و تألیف کتب درسی

ناشر: ریاست ارتباط و آگاهی عامه وزارت معارف

سال چاپ: ۱۳۹۹ هجری شمسی

ایمیل آدرس: curriculum@moe.gov.af

حق طبع، توزیع و فروش کتاب‌های درسی برای وزارت معارف جمهوری اسلامی افغانستان محفوظ است. خرید و فروش آن در بازار ممنوع بوده و با متخلفان برخورد قانونی صورت می‌گیرد.

پیام وزیر معارف

اقرأ باسم ربک

سپاس و حمد بیکران آفریدگار یکنایی را که بر ما هستی بخشدید و ما را از نعمت بزرگ خواندن و نوشتمن برخوردار ساخت، و درود بی پایان بر رسول خاتم- حضرت محمد مصطفی ﷺ که نخستین پیام الهی بر ایشان «خواندن» است.

چنانچه بر همه گان هویداست، سال ۱۳۹۷ خورشیدی، به نام سال معارف مسمی گردید. بدین ملحوظ نظام تعلیم و تربیت در کشور عزیز ما شاهد تحولات و تغییرات بنیادینی در عرصه‌های مختلف خواهد بود؛ معلم، متعلم، کتاب، مکتب، اداره و شوراهای والدین، از عناصر شش گانه و اساسی نظام معارف افغانستان به شمار می‌روند که در توسعه و انکشاف آموزش و پرورش کشور نقش مهمی را ایفا می‌نمایند. در چنین برهه سرنوشت‌ساز، رهبری و خانواده بزرگ معارف افغانستان، متعهد به ایجاد تحول بنیادی در روند رشد و توسعه نظام معاصر تعلیم و تربیت کشور می‌باشد.

از همین رو، اصلاح و انکشاف نصاب تعلیمی از اولویت‌های مهم وزارت معارف پنداشته می‌شود. در همین راستا، توجه به کیفیت، محتوا و فرایند توزیع کتاب‌های درسی در مکاتب، مدارس و سایر نهادهای تعلیمی دولتی و خصوصی در صدر برنامه‌های وزارت معارف قرار دارد. ما باور داریم، بدون داشتن کتاب درسی باکیفیت، به اهداف پایدار تعلیمی در کشور دست نخواهیم یافت.

برای دستیابی به اهداف ذکر شده و نیل به یک نظام آموزشی کارآمد، از آموزگاران و مدرسان دلسوز و مدیران فرهیخته به عنوان تربیت کننده گان نسل آینده، در سراسر کشور احترامانه تقاضا می‌گردد تا در روند آموزش این کتاب درسی و انتقال محتوای آن به فرزندان عزیز ما، از هیچ نوع تلاشی دریغ نورزیده و در تربیت و پرورش نسل فعال و آگاه با ارزش‌های دینی، ملی و تفکر انتقادی بکوشند. هر روز علاوه بر تجدید تعهد و حس مسؤولیت‌پذیری، با این نیت تدریس را آغاز کنند، که در آینده نزدیک شاگردان عزیز، شهر و ندان مؤثر، متمدن و معماران افغانستان توسعه یافته و شکوفا خواهند شد.

همچنین از دانش آموزان خوب و دوست داشتنی به مثابه ارزشمندترین سرمایه‌های فردای کشور می‌خواهم تا از فرصت‌ها غافل نبوده و در کمال ادب، احترام و البته کنجکاوی علمی از درس معلمان گرامی استفاده بهتر کنند و خوش‌چین دانش و علم استادان گرامی خود باشند.

در پایان، از تمام کارشناسان آموزشی، دانشمندان تعلیم و تربیت و همکاران فنی بخش نصاب تعلیمی کشور که در تهیه و تدوین این کتاب درسی مجданه شبانه روز تلاش نمودند، ابراز قدردانی کرده و از بارگاه الهی برای آن‌ها در این راه مقدس و انسان‌ساز موقیت استدعا دارم.

با آرزوی دستیابی به یک نظام معارف معیاری و توسعه یافته، و نیل به یک افغانستان آباد و مترقی دارای شهر و ندان آزاد، آگاه و مرفه.

دکتور محمد میرویس بلخی
وزیر معارف

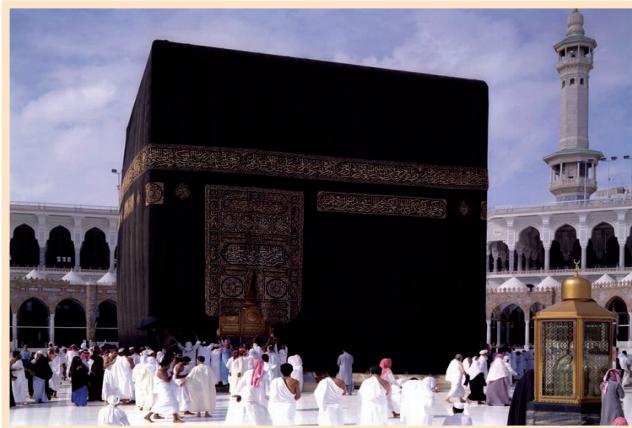
فهرست

صفحه	عنوان	شماره درس
۱	ستایش خداوند ﷺ	درس اول
۵	خاتم پیغمبران	درس دوم
۹	فرهنگ مطالعه	درس سوم
۱۳	علم بدیع	درس چهارم
۱۹	دقیقی بلخی	درس پنجم
۲۳	عدالت اجتماعی	درس ششم
۲۷	پایگاه انسان	درس هفتم
۳۱	ادبیات در قرن‌های نهم و دهم هجری	درس هشتم
۳۷	بهارستان	درس نهم
۴۱	حقوق زن در جامعه	درس دهم

صفحة	عناوين	شماره درس
٤٩	کوشش و کامیابی	درس بایزدهم
٥٣	ابوالفضل بیهقی	درس دوازدهم
٥٧	موزیم ملی	درس سیزدهم
٦٣	من هم مانند شما استم	درس چهاردهم
٦٩	حفظ محیط زیست	درس پانزدهم
٧٥	پروین اعتضامی	درس شانزدهم
٨١	تفاهم و همدیگرپذیری	درس هفدهم
٨٧	بلغ باستان	درس هزدهم
٩٣	شاه عبدالله یمگی بدخشی	درس نزدهم
٩٩	عوامل اعتیاد به مواد مخدر	درس بیستم
١٠٧	خانواده زبان‌ها	درس بیست و یکم
١١٣	غلام محی الدین انیس	درس بیست و دوم
١١٧	خدادانی	درس بیست و سوم
١٢١	ویکتور هوگو	درس بیست و چهارم
١٢٧	هنرهای هفتگانه	درس بیست و پنجم
١٣٥	رباعی	درس بیست و ششم
١٣٩	بایرانمه	درس بیست و هفتم
١٤٣	در صورت مواجه شدن با ماین چه باید کرد؟	درس بیست و هشتم
١٤٨	واژه نامه	

شاگردان عنزین!

شاعران و نویسنده‌گان از دیر باز سرودها و نوشتهدان خود را با نام پروردگار جهان
 آغاز کرده و بزرگی و بخشنده‌گی او را ستوده اند. آنان با این تمہید درهای رحمت و
 مغفرت الهی را به روی خویش و خواننده‌گان می‌گشایند. بر پایه این شیوه پسندیده، بهترین
 سرآغاز هر نوشه فصلی است در ستایش خداوند جلاله جان و خرد، در هیچ گنجی گشوده
 نمی‌شود؛ مگر آن که وصف یگانه‌گی آفریدگار هستی کلید آن باشد. آفریده‌گاری که جهان
 را آفرید و جهانیان را بی شک سزاوار ستایش و عبادت است.



ستایش خداوند جلاله

آن که جان بخشید و ایمان خاک را
 خاکیان را عمر بر باد او نهاد
 خاک را در غایت پستی بداشت
 وین دگر را دایمًا آرام داد
 بی ستون کرد و زمینش جای کرد
 کوه را افسرده کرد از بیم خویش
 سنگ را یاقوت و خون را مشک کرد
 گاه پل بر آب دریا بسته کرد
 آفرین، جان آفرین پاک را
 عرش را بر آب بنیاد او نهاد
 آسمان را در زبردستی بداشت
 آن یکی را جنبش مادام داد
 آسمان چون خیمه یی بربای کرد
 بحر را بگداخت در تسليم خویش
 بر را از تشنگی لبخشک کرد
 گاه گل بر روی آتش دسته کرد

در سر او چار صد سالش بداشت
 صدر عالم را از او آرام داد
 کرد او را با سلیمان همکمر
 بخیه بی بر رو فکندش لا جرم
 گنبد نیلوفری از دود کرد
 تا عقیق و لعل از او بیرون گرفت
 سوده پیشانی خود بر خاک راه
 کی بود بی سجده سیما را وجود
 هدهدی را پیک رهبر ساخته
 وزکف و دودی همه عالم کند
 لاله را از خون کله بر سر نهد
 گه کند در تاجش از شبنم گهر
 جمله‌یی ذرات بر ذاتش گواه
 دو گواهش بس بود هر یک به یک
 بعد از آن جان را در او آرام داد
 عقل دادش تا بدو بیننده شد
 علم دادش تا شناسایی گرفت
 غرق حیرت گشت و تن در کار کرد

عطار نیشاپوری

نیم پشه بر سر دشمن گماشت
 عنکبوتی را به حکمت دام داد
 بست موری را کمر چون موى سر
 سوزنی چون دید با عیسی به هم
 تیغ کوه از لاله خون آلود کرد
 پاره پاره خاک را در خون گرفت
 در سجودش روز و شب خورشید و ماه
 هست آن سیما ایشان از سجود
 طوطی را طوق از زر ساخته
 چون دمی در گل دمد آدم کند
 یاسمین را چار ترکی بر نهد
 گه نهد بر فرق نرگس تاج زر
 هرچه هست از پشت ماهی تا به ماه
 پستی خاک و بلندی فلک
 خاک را گل کرد در چل بامداد
 جان چو در تن رفت تن زو زنده شد
 عقل را چون دید بینایی گرفت
 چون شناسا شد به عجز اقرار کرد



* شیخ فریدالدین محمد عطار در نیشاپور در سال ۵۱۳ هـ. ق. تولد یافت، وی داروفروش بود؛ بنابراین مسأله او را عطار گویند. عطار اشعار عرفانی و تصوفی میسرود؛ اما مدح نگفته است. اشعارش را در حدود صد هزار بیت دانسته‌اند. معروفترین آثارش دیوان قصاید و غزلیات عرفانی می‌باشد. سایر آثار او مصیبیت‌نامه، الهی‌نامه، خسرونامه، پندنامه، اسرارنامه، جواهرنامه... اند.

عطار در نثرنویسی هم ماهر بود، مشهورترین اثر منثور او تذکرۀ الولیاست که در شرح احوال عارفان و مکارم اخلاق شان نوشته شده است.

* هدهد مرغی است، که در دریار حضرت سلیمان بود. داستان این مرغ و پیام آوری او از سلیمان به بلقیس ملکه سبا در سوره نمل آمده است.

بیاموزیم

۱. سپاس خدایی را که انسان را از مشت خاک آفرید و ایمان داد.
۲. تمام ذرات از قعر دریا تا به مهتاب به ذات یکتای خداوند الله گواه اند.
۳. خداوند الله با قدرتی که دارد، از گل آدم را آفرید، از کف و دود تمام عالم را پیدا کرد.
۴. خداوند الله پیکر آدم علیہ السلام را ساخت، بعداً در آن روح دمید و آن را زنده گردانید.
۵. انسان را خداوند الله عقل داد و او را دانا ساخت، و برایش علم داد تا به وسیله آن خود و پروردگار خود را بشناسد.
۶. وقتیکه انسان خدای خود را شناخت به عجز خود اقرار کرد و به عبادت او مشغول شد.



شاگردان عزیز! در صنوف پایین‌تر در هر درس بخشی جداگانه تحت عنوان قواعد دستوری را فرا گرفتید. در این صنف برای این که از عهده نگارش یک مطلب به آسانی بدر آیید، بخشی را تحت عنوان آینه انشا و نگارش می‌آموزید.

هر چند بحث نگارش بسیار وسیع و گسترده است، نیاز به وقت و زمان زیاد دارد و هم از این نقطه نظر که برای شما شاگردان عزیز رهنمایی ساده شده باشد، دروس انشا به گونه مختصر ترتیب گردیده است.

هدف از آموزش انشا آن است تا شما بتوانید آنچه را که در ذهن دارید، بنویسید به تعبیر دیگر، همان طوری که می‌توانید سخن بگویید، مطالب را بنویسید.

بحث نگارش بخشی کاملاً جدیدی نیست؛ بلکه شما از صنوف ابتدایی تا حال دهها مقاله در موضوعات گوناگونی نوشته اید. تعدادی از شاگردان با وجودی که در ذهن خود ذخیره لغات و معلومات زیاد دارند؛ اما جرأت نوشتن یک مطلب را ندارند. برای این که بتوانید بدون دلهره و نگرانی بنویسید، درس‌های انشا را تعقیب نمایید.

آینه یعنی اسلوب، شیوه و روش، انشا به معنای آغازکردن، آفریدن، پدیدآوردن و نگارش به معنای تحریر، نوشتمن و شیوه انشا است.

انشا و نگارش عامل اصلی خلاقیت هاست و زیر بنای خلاقیت اعتماد به نفس است. در درس انشا و نگارش، از ساده ترین تجربه‌های تلخ و شیرین تا عمیق ترین اندیشه‌های فلسفی فرصت بیان پیدا می‌نماید. انشا با ارزش‌ترین درس است، که بیان علوم را سهل نموده و از طرف دیگر انسان را متفکر و صاحب اندیشه می‌سازد.

کار گروهی و سخنرانی

۱. شاگردان در مورد درس خوانده شده در گروه‌ها با هم مباحثه نمایند و نماینده هر گروه نتیجه را پیش روی صنف بیان کند.
۲. چند شاگرد به نوبت مفهوم اساسی درس را به زبان ساده بیان کنند.
۳. چند شاگرد به نوبت روی فواید نگارش در زنده‌گی سخنرانی نمایند.

املا و نگارش



۱. شعری را که خواندید از کی و محتوای شعر در بر گیرنده چه موضوعی است؟
۲. شیخ فریدالدین عطار کی بود؟
۳. هدف از آموزش انشا و نگارش چیست و نگارش در زنده‌گی انسان چه اهمیت دارد؟
۴. بیت زیر اشاره به کدام قصه است توضیح دهید:
صدر عالم را از او آرام داد
عنکبوتی را به حکمت دام داد



۱. بیت زیر را اساس قرار داده، متنی بنویسید که از هفت سطر کم نباشد:
هر چه هست از پشت ماہی تا به ما
جمله‌یی ذرات بر ذاتش گواه
۲. بیت‌های زیر را حفظ کنید:
 فعل من درخور رضای تو نیست
 تو مرا شادکن که شاه منی
 خلیل الله خلیلی
 لب من لا یق ثنای تو نیست
 پرده پوش من و پناه منی
۳. متن کامل درس بعدی را خوانده و برای معرفی آن در روز آینده آماده‌گی بگیرید.

- درس امروز توسط یک تن از شاگردان طوری معرفی شود، که تشریحاتش جوابگوی پرسش‌های زیر باشد:
- ۱. شعر این درس از کیست و در مورد کی سروده شده است؟
- ۲. پیام اصلی درس را به طور مختص بیان کنید.
- ۳. نظامی کی بود؟
- در پایان معرفی همین پرسش‌ها از چند شاگرد دیگر پرسیده شود.



خاتم پیغمبران

ختم رسول خاتم پیغمبران
هردو جهان بسته فتراک اوست
خاصه ترین گوهر دریای راز
گوهر تو لعل گر آفتاب
روح تو پرورده روحی فداک
خانه بر نقطه زحمت تویی
آتش سودای تو آب حیات
سلسله شیفته گان مسوی تو
پیکر آن بوم شده مشک بار
تحت زمین آمد و تاج آسمان
چشم غریبان شده روشن به تو

شمسه نه مسنند هفت اختران
احمد مرسل که خرد خاک اوست
تازه ترین سنبل صحرای ناز
سنبل تو سنبله روز تاب
ای تن تو پاکتر از جان پاک
نقطه گه خانه رحمت تویی
ای شب گیسوی تو روز نجات
عقل شده شیفتہ روی تو
از اثر خاک تو مشکین غبار
تاج تو و تخت تو دارد جهان
خاک ذلیلان شده گلشن به تو

بر سر گردون شده دامن کشان
 غالیه بسوی تو ساید صبا
 لشکر عنبر علم انداخته
 گر بدو عالم دهی ارزان دهی
 عرش در ایوان تو کرسی نهیست
 ذره بود عرش در آن آفتاب
 نور تو بر خاک زمین چون فتاد
 گنج نه ای خاک نشین از چه ای
 شرط بود گنج سپردن به خاک
 شمع ترا ظل تو پروانه بس
 ماه سفر ساز و غریبیش تو ای
 طبع نظامی طرب افروز کن

نظامی گنجه‌یی

تا قدمت در شب گیسو فشان
 در صدف صبح بدست صفا
 لاجرم آن جا که صبا تاخته
 بسوی کز آن عنبر لرزان دهی
 سدره ز آرایش صدرت زهیست
 روزن جانت چو بود صبح تاب
 گر نه زصبح آینه بیرون فتاد
 ای دو جهان زیر زمین از چه ای
 تا تو بخاک اندری ای گنج پاک
 گنج ترا فقر تو ویرانه بس
 عقل شفاجوی و طبییش تو ای
 خیز و شب منتظران روز کن



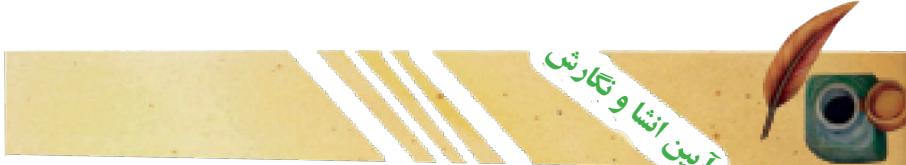
* حکیم جمال الدین بن یوسف نظامی گنجه‌یی یکی از نامآوران ادبیات و شعر زبان دری در قرن ششم هجری قمری است. زادگاه وی شهر گنجه یکی از شهرهای آباد آن دوره بود که در کشور آذربایجان موقعیت دارد.

نظامی از آغاز جوانی به آموزش و تحصیل علوم مختلف پرداخت و در تمام رشته‌های علوم متداول؛ مانند: علوم طبیعی، طب و نجوم مهارت یافت، همچنین در علوم ادب و شعر مقام بزرگی به دست آورد. گذشته از این نظامی هنر معماری، موسیقی و رسمی را فرا گرفت و با زبان‌های عربی و پهلوی نیز آشنا شد. بزرگترین اثر نظامی خمسه بوده که در قالب مثنوی سروده شده و حاوی بیست و هشت هزار بیت می‌باشد. خمسه شامل پنج کتاب است: مخزن الاسرار، لیلی و مجnoon، خسرو و شیرین، هفت پیکر یا بهرام نامه و اسکندر نامه.

نظامی در شیوه داستان‌سرایی استاد و پیشو و دیگران بود. وی در ضمن داستان‌پردازی از مطالب اخلاقی و حکمی، پند و اندرز غفلت نکرده و همواره در اشعارش انسان را به آزاده‌گی و بریدن از طمع و آز دعوت کرده و به آموختن دانش فرا می‌خواند.

بیاموزیم

۱. اشعاری که در وصف حضرت محمد ﷺ سروده شده است؛ نعت نامیده می‌شود.
۲. حضرت محمد ﷺ آنفاب نه فلک و آخرین پیامبران است.
۳. سرور و سردار مسلمانان حضرت محمد ﷺ است.
۴. حقاً که سرور مؤمنان رسول اکرم برگزیده خداست، که معراج را خداوند ﷺ بروی ارزانی داشت.



۱- نگارش و علوم انسانی: در نگارش، آشنایی با علوم صرف، نحو، فصاحت و بلاغت بسیار مهم پنداشته می‌شود. از آنجا که لفظ وسیله بیان معنا است و برای ارائه یک معنا شاید از چند جمله یا چند کلمه مترادف که یکی دو تای آن مناسب باشد انتخاب گردد؛ بنابراین لازم است که نویسنده به صورت کافی ذخیره لغات داشته باشد تا در بیان موضوعات گوناگون توانایی خود را به کار اندازد.

نقش کلمه‌ها در نگارش بسیار مهم است؛ زیرا سر و کار ما در نگارش با کلمه‌ها می‌باشد. پس ما باید صرف و نحو را بدانیم، با قواعد آن آشنا باشیم، تا در نوشتن یک مطلب به مشکل دچار نشویم و از عهده نگارش یک موضوع برایم.

نکته مهم در نگارش انتخاب کلمه‌ها می‌باشد. در انتخاب کلمه بیشتر به علم صرف توجه صورت می‌گیرد. شخصی که می‌نویسد، بعضی اوقات تأکید بیشتر روی کلمه‌ها می‌کند. کلمه‌های متعدد را انتخاب نموده با پیوند آن‌ها جمله‌های مناسب ترتیب می‌نماید. بعضی هم بیشتر به نحو توجه داشته جمله‌های ساده و مرکب متعدد را می‌سازند. برعلاوه این موضوعات باید توجه روی ترتیب کلمه‌ها و ترکیب واژه‌ها صورت گیرد، این موضوع هم به دستور زبان (صرف و نحو) ارتباط دارد. هرگاه کلمات به طور درست و منطقی آن ترتیب گردد، پیام ما را خواننده بهتر درک می‌کند. بعضی اشخاص در نگارش عادت دارند که با ترکیب کلمه‌های متعدد جمله‌ها را مبهم و پیچیده می‌سازند، که این کار خواننده را به مشکل مواجه ساخته و حتا باعث می‌شود، که خواننده را از خواندن منصرف سازد.

کار گروهی و سخنرانی

۱. شاگردان در مورد شخصیت حضرت محمد ﷺ در گروه‌ها با هم مباحثه نمایند و نماینده هر گروه نتیجه را پیش روی صنف بیان نماید.
۲. چند شاگرد به نوبت در باره ارتباط علوم انسانی با نگارش سخنرانی نمایند.
۳. یک شاگرد خلاصه نت خوانده شده را به زبان ساده بیان نماید.
۴. بیت زیر را اساس قرار داده در رابطه بحث گروهی کنید.
تاج تو و تخت تو دارد جهان
تخت، زمین آمد و تاج آسمان



املا و نگارش

۱. متنی را که توسط معلم گرامی خوانده می‌شود، اacula بنویسید.
۲. در مورد این تصویر متنی بنویسید، که از هفت سطر کم نباشد.



۱. شعری که در صفات پیامبر ﷺ سروده می‌شود، به چه نامی یاد می‌گردد؟
۲. نظامی گنجه‌یی عطار کی بود؟ آثار او را نام بگیرید.
۳. دانستن کدام علوم در نگارش ضروری پنداشته می‌شود؟
۴. برای اینکه در نگارش مطلبی به مشکل مواجه نشویم، کدام نکات را باید در نظر بگیریم؟
۵. بیت زیر را تشریح و توضیح نمایید:
عقل شفا جوى و طبیبیش تویی
ماه سفر ساز و غربیبیش تویی



۱. در مورد اخلاق نیکوی حضرت پیامبر اسلام ﷺ چند سطر بنویسید.
۲. بیت زیر را به حافظه بسپارید:

۱. ای پادشه مسنند اقلیم تجلاء
قصر تو فلک تکیه گهت عرش معلا
۲. متن کامل درس بعدی را خوانده و برای معرفی آن در روز آینده، آماده گی بگیرید.

- درس امروز توسط یک تن از شاگردان طوری معرفی شود، که تشریحاتش جوابگوی پرسش‌های زیر باشد:
۱. چرا ضرور است، که افراد عادت به مطالعه و تحقیق داشته باشند؟
 ۲. در کشورهای پیشرفته، مردم چگونه عادت به مطالعه دارند؟
 ۳. کدام طرقهای آموزش وجود دارد؟
 ۴. برای بهره‌گیری از مطالعه نخست باید چه را فراگیریم؟
 ۵. مطالعه چند نوع است و مطالعه جدی کدام مطالعه را گویند؟
- در پایان معرفی، پرسش‌ها از چند شاگرد دیگر پرسیده شود.

فرهنگ مطالعه



آموزش از دو طریق صورت می‌گیرد، یکی به شیوه رسمی در مکاتب و سایر مؤسسات تحصیلی و دوم به شیوه غیررسمی، که شاگردان و سایر اشخاص در خانه و اجتماع از طریق فعالیت‌های روزمره، ارتباطات اجتماعی، تجارت عملی و مطالعه می‌آموزند. اشخاصی که بیشتر مطالعه می‌کنند، سطح آگاهی‌شان بلند رفته، مشکل‌های خود و خانواده خود را مرفوع می‌سازند و در اجتماع مفید واقع می‌گردند.

عادت به مطالعه مصروفیت سالم است، که همیشه برای شخص فعالیت متنوع ایجاد نموده، از مصروفیت‌های نا سالم و بیکاری جلوگیری می‌کند و مطالعه باعث انکشاف، رفاه و سعادت اجتماعی می‌گردد؛ همچنان برای دنبال کردن وقایع و حصول آگاهی از جریانات اجتماعی، اقتصادی، علمی و هنری در جهان لازم و ضروری است، که فرهنگ مطالعه در جامعه انکشاف داده شود. انکشاف فرهنگ مطالعه، یکی از نیازهای اجتماعی و انکشاف فرهنگی دانسته می‌شود. شاگردان باید توسط معلمان در مکتبها و والدین‌شان در خانه و از طریق فعالیت‌های مراکز فرهنگی به مطالعه و مراجعته به منابع اطلاعاتی، علمی و آموزشی تشویق شوند. عادت

به مطالعه باید تقویت گردد تا شاگردان، خود بتوانند، به انکشاف دانش و معلومات شان بپردازند و به آسانی از منابع مختلف استفاده نموده تحقیق نمایند.

در زنده‌گی امروز، به خصوص در جوامع پیشرفته افراد، صبح وقتی از خواب بر می‌خیزند، به مطالعه می‌پردازنند با خواندن روزنامه و جراید، روز را آغاز می‌کنند و در ساعات بیکاری و تفریح در پارک‌ها نیز اخبار یا مجله یا کتاب همراه می‌داشته باشند. شب وقتی به بستر می‌روند با مطالعه خواب می‌کنند.

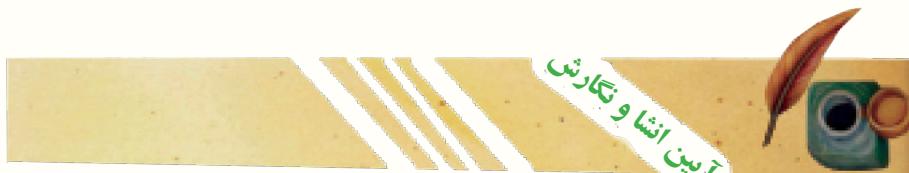
مطالعه باعث رشد شخصیت افراد گردیده به آن‌ها توان تحلیل و تعبیر از پدیده‌ها و رویدادها را داده خلاقیت و توانایی افراد را در اجتماع انکشاف می‌دهد. برای اینکه بتوانیم به مطالعه خود را عادت دهیم باید نخست فن مطالعه را فراگیریم.

فن مطالعه

بهره‌گیری شایسته از مطالعه زمانی میسر می‌گردد، که فن آن را فرا گیریم و به کار بندیم. مطالعه بر دو گونه است: یکی جدی و ناظر به مقصود هدفمند معین و معلوم و دیگر تفریحی و برای سرگرمی . وقتی کتاب درسی خود را می‌خوانید مطالعه شما جدی است و زمانی که قصه یا روزنامه‌یی را می‌خوانید مطالعه شما تفریحی است. این حکم عام است، هرچند گاهی خلاف این روی می‌دهد؛ چه بسا قصه‌یی را به قصد نقد آن بخوانید یا مطالب مورد علاقه خود را از روزنامه نقل کنید یا کتاب درسی را به تفنن ورق بزنید، مقصد اصلی ما مطالعه جدی است، برای آموختن، استخراج مواد و معانی، نقد و بررسی و نقل شواهد. در مطالعه جدی، نباید تنها به حافظه خود متکی باشیم. حین مطالعه، کتابچه یادداشت داشته باشیم تا در آن نکات مهم و دلچسپ، سخنان نغز، تعبیرات و واژه‌گان را بنویسیم. در جریان مطالعه، بسیاری اوقات به کتاب‌های مرجع؛ مانند: واژه نامه، فرهنگ‌ها و دایرة المعارف نیاز پیدا می‌کنیم. بهتر است این نوع کتاب‌ها را در دسترس داشته باشیم، تا بتوانیم معنای کلمه‌ها و اصطلاحاتی را که نمی‌دانیم دریابیم و حتا تلفظ دقیق کلمه‌ها را بدانیم. ضمن مطالعه، اندیشه‌هایی به ما الهام می‌شود، یا با تداعی، معانی تازه‌یی در ذهن ما می‌آید، یا در تأیید یا رد قول نویسنده نکته‌هایی می‌یابیم، باید فکر و احساس خود را در آن یادداشت کنیم. با این کار می‌توان بهترین بهره را برد و بیشترین ذخیره را گرد آورد. روزانه در پهلوی کارها باید چند ساعتی را به مطالعه اختصاص دهیم. اگر تمام کارهای روزمره خود را طبق تقسیم اوقات تنظیم کنیم بدون خسته‌گی به همه کارهای خود می‌رسیم و هم، سطح دانش خود را بلند می‌بریم؛ زیرا جامعه‌ ما به افراد تحصیل کرده و آگاه نیاز دارد.

یاموزیم

۱. اشخاصی که بیشتر مطالعه می‌کنند، سطح دانش شان بلند رفته و مشکلات خود و خانواده خود را مرفوع ساخته، در اجتماع مفید واقع می‌گردند.
۲. مطالعه برای دنبال کردن وقایع و آگاه شدن از جریانات اجتماعی، اقتصادی، علمی و هنری در جهان لازم و ضروری است.
۳. مطالعه باعث رشد شخصیت افراد گردیده به آن‌ها توان تحلیل و تعبیر از پدیده‌ها و رویدادها را داده خلاقیت و توانایی افراد را در اجتماع انکشاف می‌دهد.
۴. ما باید فرهنگ مطالعه را در جامعه انکشاف دهیم؛ زیرا جامعه ما به افراد تحصیل کرده و آگاه نیاز دارد.



۲. معلومات عمومی در نگارش

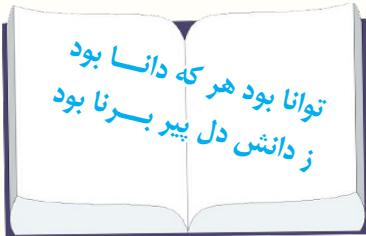
برای یک نویسنده حتمی است که در موارد مختلف مطالعات دقیق داشته باشد؛ یعنی آگاهی از اوضاع محیطی، اجتماعی و جهانی داشته، نوشت‌ها و آثار روز را همیشه بخواند و قضاوت همه جانبه نموده، جریان‌های مثبت زنده‌گی و ایجابات عصر را درک کند. برای اینکه یک نویسنده خوب باشیم، همواره با مطالعه آثار عالی، پر محتوا و مفید، که نیاز زمان باشد، بپردازیم و بدین صورت معلومات گسترده‌ای حیاتی به دست آوریم و در پرتو این گونه دست آورده‌ای عومومی به ایجاد آثار سودمند، پرارزش و مورد نیاز مردم موفق گردیم. در این راستا سعی و تلاش خسته‌گی ناپذیر و مطالعه دقیق و منظم ما را بیشتر کمک می‌نماید.

کار گروهی و سخنرانی

۱. شاگردان دو نفر در باره مطالعه و فواید آن صحبت نمایند.
۲. چند شاگرد به نوبت در مورد این که آیا عادت به مطالعه دارند و در ۲۴ ساعت چه مدتی را مطالعه می‌کنند و چه کتاب‌هایی را می‌خوانند سخنرانی کنند.
۳. شاگردان در مورد این که چگونه فرهنگ مطالعه را در جامعه گسترش بدهنند، تبادل نظر کنند.

املا و نگارش

۱. متنی را که توسط معلم محترم خوانده می‌شود، املا بنویسید.
۲. در مورد تصویر زیر، متنی بنویسید که از ده سطر کم نباشد.



۱. آموزش از کدام طریقه‌ها صورت می‌گیرد؟
۲. چرا مطالعه برای هر فرد لازم و ضروری شمرده می‌شود؟
۳. چه کسانی در تشویق شاگردان به مطالعه، نقش مهم را ایفا می‌نمایند؟
۴. فن مطالعه چیست؟
۵. مطالعه چند نوع است؟
۶. مطالعه جدی در آموزش چه نقشی می‌تواند داشته باشد؟
۷. داشتن معلومات عمومی در نگارش چرا مهم پنداشته می‌شود؟
۸. چگونه می‌توانید خود را به مطالعه عادت دهید؟



۱. در مورد اهمیت مطالعه در زندگی مقاله‌یی بنویسید؛ همچنان کوتاه‌ترین راه را برای مطالعه دقیق در آن پیشنهاد کنید.
۲. بیت‌های زیر را حفظ نمایید:

عیب گویان من مسکین اند
گه به خون ریختنم برخیزند
نیک باشی و بدت گوید خلق

۳. متن کامل درس بعدی را خوانده و برای معرفی آن در روزآینده آماده‌گی بگیرید.

درسنامه امروز توسط یک تن از شاگردان طوری معرفی شود، که تشریحاتش جوابگوی

پرسش‌های زیر باشد:

۱. بدیع در لغت و اصطلاح به معنای چیست؟

۲. نخستین کسی که در کلام عرب متوجه زیبایی‌های لفظی و معنوی آن شد چه نام

داشت و در کدام سال کتاب البديع را نوشت؟

۳. صنایع لفظی و معنوی کدام صنعت‌هارا در بر می‌گیرد؟

در پایان معرفی، همین پرسش‌ها از چند شاگرد دیگر پرسیده شود.

علم بدیع

بدیع در لغت به معنای نوآورده شده، تازه، زیبا و آراسته است و در اصطلاح عبارت از آرایش سخن فصیح و بلیغ، خواه نظم باشد یا نثر. مرادف آن را سخن آرایی، نادره گویی و نفر گفتاری می‌توان گفت.



نخستین کسی که به زیبایی‌های لفظی و معنوی در کلام عرب توجه کرد، عبدالله بن المعتز بود، که در سال ۲۷۴ هـ. ق. کتاب البديع را نوشت؛ همچنان در زبان دری نیز در بخش علوم بلاغی به ویژه

علم بدیع توجه صورت گرفت، که در این زمینه کتاب‌های «ترجمان البلاغه» محمد بن عمر رادویانی، «حدائق السحرفی دقائق الشعر» رسیدالدین محمد وطوات و «المعجم فی المعايير اشعار العجم» نوشته شمس قیس رازی بسیار شهرت دارند. باید بدانیم که علم بدیع یکی از علوم ادبی است، که از صنایع کلام و زیبایی‌های لفظی و معنوی بحث می‌کند. اموری را که موجب زیبایی و آرایش سخن ادبی می‌گردد، محسنات و صنایع بدیعی می‌گویند و آن را به دو قسم لفظی و معنوی تقسیم می‌کنند:

الف) صنایع لفظی: آن است که زینت و زیبایی سخن وابسته به الفاظ باشد، چنان که اگر الفاظ را با حفظ معنا تغییر بدھیم، زیبایی آن زایل گردد؛ مانند صنعت سجع در جمله «هنر، چشمۀ زاینده است و دولت پاینده» اگر کلمه پاینده را به جاویدان تبدیل کنیم همان معنا را میرساند؛ اما زیبایی نثر سجع را زایل می‌کند.

۱. سجع: سجع در لغت آواز فاخته و کبوتر را می‌گویند و در اصطلاح علم بدیع آوردن دو کلمۀ هماهنگ است در پایان فقره‌ها، که با هم متوافق باشند. سجع بر سه قسم است:
سجع متوازی: از نظر وزن و حرف آخر (روی) یکسان باشند. این گونه سجع را سجع متوازی می‌گویند؛ به طور مثال:

«منت خدای را عز و جل که طاعتش موجب قربت است و به شکر اندرش مزید نعمت»
«هر کس را عقل خود به كمال نماید و فرزند خود به جمال»

سعدي-گلستان

سجع مُطَرَّف: آن نوعی از سجع است که در الفاظ آن حرف‌های روی متفق است؛ ولی وزن مختلف؛ مانند: خال و خیال. در این شعر سلمان ساوجی:
ما به خدا تا خیال خال تو داریم حال پریشان‌تر از خیال تو داریم

سجع متوازن: آن است که کلمه‌ها در وزن یکی باشند نه در حرف آخر؛ مانند:
«بحرى است مواج و شخصی است نقاد» که بحری و شخصی و مواج و نقاد تنها در وزن باهم یکی اند، نه در حرف‌های روی.

۲. جناس یا تجنیس: آن است که در آن دو کلمه از نظر شکل نگارش و حرکت یک سان بوده؛ ولی از دیدگاه معنا تفاوت داشته باشند:

کار پاکان را قیاس از خود مگیر گرچه باشد در نوشتن شیر شیر
که یکی (شیر که از گاو و دیگر حیوانات به دست می‌آید) و دیگری (شیر پادشاه جنگل می‌باشد) که جناس تام است.

جناس ناقص: آن است که کلمه‌های هم‌جنس در حرکت مختلف باشند؛ مانند:
مُلک هم بر مَلک قرار گرفت روزگار آخر اعتبار گرفت

جناس زاید: آن است که یکی از متجلانسین را حرفی زیاده باشد، در اول یا در وسط یا در آخر، مانند:

از حسرت رخسار تو ای زیاروی از ناله چو نال گشتم و از مویه چو موی
جناس خطی: دو کلمه در صورت یکی؛ ولی فرق آن‌ها در نقطه است؛ مانند بیمار و تیمار

ب) صنایع معنوی: آن است که زیبایی سخن مربوط به معنا باشد نه به لفظ، چنان که اگر الفاظ را با حفظ معنا تغییر دهیم باز هم آن زیبایی باقی بماند.

تناسب: آوردن دو یا چند کلمه است، که باهم مناسبت داشته باشند.

مزرع سبز فلک دیدم و داس مه نو یادم از کشتۀ خویش آمد و هنگام درو
(حافظ)

در این بیت کلمه‌های مزرع / سبز/داس/اکشته / درو و کلمه‌های سبز/مزرع/مه نو باهم تناسب دارند.

تضاد: آوردن کلمه‌هایی است که باهم خصیت داشته باشند؛ مانند:
پیر از و گردد جوان، غمخوار از و یابد طرب زو قوی گردد ضعیف و زو غنی گردد فقیر
(رودکی)

ایهام: آن است که شاعر یک کلمه را که دارای دو معناست به کار بگیرد؛ در حالی که دیگران به معنای نزدیک کلمه التفات می‌کنند؛ منظور شاعر معنای دور کلمه باشد؛ مانند:
به مهلتی که سپهرت دهد ز راه مرو ترا که گفت که این زال ترک دستان کرد
(سعدي)

در اینجا ایهام در کلمه‌های (زال) که نام پدر رستم است و معنای پیر زن را نیز می‌دهد و (دستان) نیز از یک سو لقب زال پدر رستم است و از سوی دیگر به معنای حیله و نیرنگ نیز آمده، منظور شاعر این است که پیر فلک دست از حیله و نیرنگ بر نگرفته است.

ارسال المثل: شاعر در شعر خود از ضرب المثل استفاده می‌کند:
کارم از اشک و آه پیش نرفت که زمین سخت و آسمان دور است
یا:

ندارم اختیار گریه امشب به در می‌گوییم ای دیوار بشنو!

صنعت تلمیح: که شاعر در آن به داستان‌ها و روایات قدیمی اشاره می‌کند:
یوسف گم گشته باز آید به کتعان غم مخور کلیه احزان شود روزی گلستان غم مخور
(حافظ)

غیر از این‌ها دیگر صنایع لفظی و معنوی نیز وجود دارد، که در این‌جا آن‌ها را یاد نکردیم؛ ولی راه طلب برای شاگردان علاقه‌مند باز است.

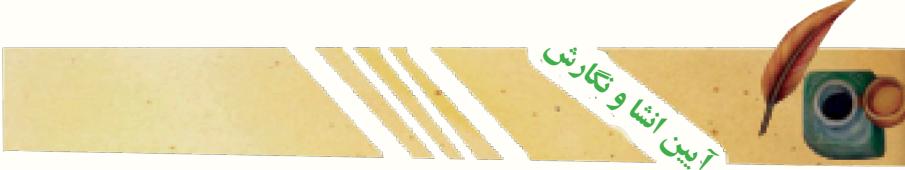
توضیحات

- * رشیدالدین وطواط از شاعران و دانشمندان معروف قرن ششم در بلخ متولد شد. وی تحصیلاتش را در مدرسه نظامیه آن جا به پایان رسانید و در زبان دری و عربی مهارت یافت. پس از آن به خوارزم رفت و در خدمت خوارزمشاهیان درآمد و صاحب دیوان رسایل دربار گردید. بر علاوه اثری که در متن از آن تذکر به عمل آمد اثری منثور دارد (سخنان حضرت علی علیه السلام را به دری) درآورده است، منظومه‌یی در عروض فارسی و همچنین چند رساله به زبان عربی در مسایل ادبی دارد.
- * شمس قیس رازی از دانشمندان قرن هفتم هجری اهل ری بود؛ ولی مدت درازی در خراسان، ماوراءالنهر و خوارزم اقامت کرد.

بیاموزیم

۱. علم بدیع یکی از علوم ادبی است که از صنایع کلام و زیبایی‌های لفظی و معنوی بحث می‌کند.
۲. نخستین کسی که به زیبایی‌های لفظی و معنوی در کلام عرب توجه کرد، عبدالله بن المعتزبود، که در سال ۲۷۴ هـ. ق. کتاب «البدیع» را نوشت.
۳. صنایع لفظی آن است که زینت و زیبایی سخن وابسته به الفاظ باشد؛ چنان‌که اگر الفاظ را با حفظ معنا تغییر بدھیم زیبایی آن زایل گردد؛ مانند: صنعت سجع، جناس و....
۴. صنایع معنوی آن است که زیبایی سخن مربوط به معنا باشد نه به لفظ؛ چنان‌که اگر الفاظ را با حفظ معنا تغییر دهیم باز هم آن زیبایی باقی بماند، مانند: صنعت ایهام، تناسب، تلمیح، ارسال المثل و...





۳. استعداد و ممارست در نگارش

انسان دارای طبع عالی، تعقل، صاحب مخیله و قریحه سرشار و قوی در زمینه های گوناگون می باشد؛ البته این نیرو و صفت ها برای کسب مهارت در نگارش نیکوترين مددگار يك نويسنده است.

انسان ها همه دارای استعداد اند و اين استعداد فطری (ذاتی) و كسبی می باشد. بعضی انسان ها در زمینه های مختلف دارای استعداد فطری اند، بعضی از محیط و اجتماع خود کسب می نمایند. دانشمندان بدین نظر استند که هر دو استعداد به تمرین و ممارست ضرورت دارد. اگر همان استعداد فطری هم به کار انداخته نشود، رشد نکرده و از بین می رود؛ زیرا نگارش فنی است عملی و بدون مداومت و ممارست به جایی نخواهد رسید؛ پس برای رشد استعداد در نگارش نیازمند تمرین، ممارست و تلاش متداوم استیم.

کار گروهی و سخنرانی

۱. شاگردان در مورد صنایع معنوی و لفظی در گروهها با هم مباحثه نمایند و نماینده هر گروه نتیجه را پیش روی صنف بیان نماید.
۲. چند شاگرد به نوبت روی فواید تمرین و ممارست در نگارش سخنرانی نمایند.

املا و نگارش

۱. متنی را که توسط معلم گرامی خوانده می شود املا بنویسید.
۲. در مورد تصویر زیر متنی بنویسید که از هفت سطر کم نباشد.





۱. علم بدیع را تعریف نمایید.
۲. نخستین کسی که متوجه زیبایی‌های لفظی و معنوی در کلام عرب شد چه نام داشت و در کدام سال کتاب البديع را نوشت؟
۳. کی‌ها در زبان دری به علوم بلاغی و از جمله علم بدیع توجه کردند و کدام کتاب‌ها را نوشتند؟
۴. استعداد و ممارست در نگارش چه نقشی دارد؟
۵. صنایع لفظی و معنوی قطعه‌های نثر و شعرهای پایین را نشان بدهید و در کتابچه‌های خود بنویسید:

«توانگری به هنر است نه به مال و بزرگی به خرد است نه به سال.»

این رقص موج خون نگر، صحرا پر از مجنون نگر
وین عشرت بی چون نگر، این زمشییر اجل
مولانا جلال الدین محمد بلخی
قصه لیلی مخوان و غصه مجنون
عهد تو منسوخ کرد ذکر اوایل

سعدي



۱. شاگردان نظر به توان خود چند صنعت بدیعی خارج از درس را در کتابچه‌های شان بنویسند و روز آینده معرفی نمایند.
۲. بیت زیر را به حافظه بسپارند:

مغور مشو به مال چون بیخبران زیرا که بود مال چو ابر گذران
ابر گذران اگر چه گوهر باراد خا طر ننهد مرد خردمند بر آن
۳. متن کامل درس بعدی را خوانده و برای معرفی آن در روز آینده آماده‌گی بگیرید.

- درس امروز توسط یک تن از شاگردان طوری معرفی شود، که تشریحاتش جوابگوی پرسش‌های زیر باشد:
۱. دقیقی بلخی کی بود؟
 ۲. دقیقی در کدام عصر می‌زیست؟
 ۳. او در کجا و در کدام سال وفات یافت؟
 ۴. او چه کارهایی را انجام داد؟
 ۵. آثار او را چگونه ارزیابی می‌کنید؟
- در پایان معرفی، همین پرسش‌ها از چند شاگرد دیگر پرسیده شود.

دقیقی بلخی



ابو منصور محمد بن احمد دقیقی بلخی از بزرگترین شاعران قرن چهارم هجری به شمار می‌رود، تاریخ تولدش دقیق معلوم نیست. او در عصر فرمانروایی خانواده بلخی الاصل سامانیان می‌زیست.

دوره سامانی یکی از دوره‌های تابناک و درخشان فرهنگ سرزمین ما به شمار می‌رود. در این عصر شاعران بزرگ، نویسنده‌گان چیره‌دست، فلاسفه نامدار، طبیبان، ستاره شناسان و ریاضی دانان مشهور زنده‌گی می‌کردند. دوره سامانیان عصر خلق شهکارها و احیای فرهنگ ملی ماست و با ارزشترین اثری که در این دوره نگاشته شده است؛ شهنهنامه دقیقی بلخی می‌باشد، بخشی از آن به گشتاسپ نامه معروف است، که در مورد جنگ گشتاسپ و ارجاسپ و ظهور زردشت سروده شده است.

دقیقی اولین سراینده شهنهنامه می‌باشد، که هزار بیت آن را به نظم در آورد. وی نتوانست کارش را به پایان برساند؛ زیرا توسط غلامش در سال ۳۶۵ هجری کشته شد و کار ناتمامش را فردوسی به پایه اکمال رسانید.

از دقیقی جز گشتاسپ نامه قصاید محدود و غزل‌ها و ایيات پراکنده در تذکره‌ها و

کتاب‌های تاریخی باقی مانده است. این شاعر، بی تردید یکی از بزرگترین گوینده‌گان قرن چهارم است. ورود او در انواع مختلف شعر و قدرتی که در همه آن‌ها نشان داده دلیل بازیست بر فصاحت کلام و روانی طبع و قوت بیان او، تغزلات بدیع، غزل‌های لطیف، مدایح عالی و اوصاف رایع دقیقی با معانی باریک و مضامین تازه و دل انگیزی که در همه آن‌ها به کار برده به شعر او رونق و جلای خاص می‌بخشد. وی خصوصاً قصاید مدحی را کمال بخشیده و در شعر حماسی نیز راهبر فردوسی شده است.

دقیقی در سروden شعر حماسی بهترین وزن را برگزید و این کار او سر مشقی شد برای تمام حماسه سرایان سرزمین ما. از زمان او تا روزگار ما هر منظومه حماسی که در زبان دری پدید آمده از حماسه‌های ملی تا حماسه‌های دینی و تاریخی همه به همین وزن سروده شده اند.

نمونه سخن (۱)

زمین راخلعت اردیبهشتی
هوا بر سان نیل اندوده مشتی
به رنگ دیده آهی دشتی
درخت، آراسته حور بهشتی
پلنگ آهو نگیرد جز به کشتی
مهی گر دارد از خورشید پشتی
می بر گونه جامه کشتی
به جای نرمی و جای درشتی
مثال دوست برصحران بشتی
که پنداری گل اندر گل سرشتی

بر افگندي صنم ابر بهشتی
زمین بر سان خون آلووده دیبا
به طعم نوش گشته چشمۀ آب
بهشت عدن را ماند همی باغ
چنان گردد جهان هزمان که در دشت
بتی باید کنون خورشید چهره
جهان طاووس گونه گشت گویی
بدان ماند که گویی از می و مشک
ز گل بوی گلاب آید بدان سان

نمونه سخن (۲)

یکی پرنیانی یکی زعفرانی
دگر آهن آب داده یمانی
یکی جنبشی بایدش آسمانی
دلی همش کینه همش مهریانی
عقاب پرنده نه شیر ژیانی
یکی تیغ هندی دگر زرکانی
بدینار بستنش پای ارتوانی
نباید تن تیر و پشت کیانی
فلک مملکت کی دهد رایگانی

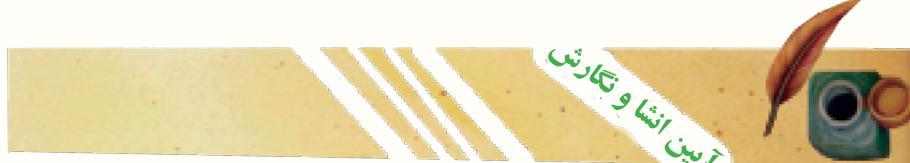
بلو چیز گیرند مر مملکت را
یکی زر نام ملک بر نبشه
کرا بويه وصلت ملک خيزد
زبانی سخنگوی و دستی گشاده
که ملکت شکاریست کاو را نگیرد
دو چیزست کاو را به بند اندر آرد
به شمشیر باید گرفتن مر او را
کرا بخت و شمشیر و دینار باشد
خرد باید آن جا وجود و شجاعت

توضیحات

- * گشتاسپ: پسر لهراسپ (شاه آریایی از خاندان اسپه) که از پدر تاج و تخت خواست پدر وی موافق نکرد به روم رفت و با کنایون دختر قیصر روم ازدواج کرد. وی دو پسر داشت به نام‌های اسفندیار و پشوتن.
- * ارجاسب: شاه توران (مناطق اوزبکستان، ترکمنستان، قرقیزستان، فراغتان امروز را در بر می‌گرفت).
- * سامانیان: منسوب به سامان خدا، خاندان خراسانی، در خراسان و مواراء النهر حکومت می‌کردند و بخشی از ایران امروزی را نیز تحت تصرف داشتند.
سامانیان در اصل از بلخ بودند. جد این خاندان در روستای «سامان» بلخ حکمرانی داشت و به سامان خدای معروف بود. مؤرخان ظهور سامانیان را در نیمة دوم قرن سوم هجری تعیین می‌کنند، این خانواده از ۲۶۱-۳۸۹ هـ ق. سر اقتدار بودند. عصر سامانیان یکی از دوره‌های پربار سرزمین ما به شمار می‌رود، که در این زمان شاعران چیره دست و دانشمندان مشهور می‌زیستند.

بیاموزیم

۱. ابو منصور محمد بن احمد دقیقی بلخی از بزرگترین شاعران قرن چهارم هجری به شمار می‌رود، که در عصر سامانیان می‌زیست.
۲. دوره سامانی یکی از دوره‌های تابناک و درخشان فرهنگ سرزمین ما به شمار می‌رود.
۳. دقیقی، اولین سراینده شهنهامه می‌باشد که هزار بیت آن را به نظم در آورد.
۴. دقیقی نتوانست کارش را به پایان برساند، توسط غلامش در سال ۳۶۵ هجری کشته شد.
۵. از دقیقی جزء گشتاسپ‌نامه، قصاید معدود و غزل‌ها و بیت‌های پراکنده در تذکره‌ها و کتاب‌های تاریخی باقی مانده است.



۶. زمان و مکان در تکاری از جمله مقتضیات و شرایط نگارش یکی هم موقع و محل مناسب است؛ زیرا بدون آن نویسنده موفق به ایجاد یک اثر عالی نخواهد شد؛ تمرکز ذهن و بیان پیراسته میسر نمی‌گردد. بهترین وقت برای نگارش بعد از استراحت است؛ چون که در آن وقت ذهن با نشاط و طبع آماده کار می‌باشد؛ همچنین محل مناسب با شرایط درست آراسته بوده از اسباب تشویش چون اصوات گوش خراش و حرکات اذیت کننده بر کنار و فارغ باشد.
- توجه به دستور زبان یعنی صرف و نحو، رعایت نشانه‌گذاری و سایر موضوعاتی که در

نگارش مهم است، ما را کمک می‌کند، تا نوشته‌ما عاری از نواقص باشد.

کار گروهی و سخنرانی

۱. شاگردان به چند گروه تقسیم شوند و در مورد به شخصیت و کارنامه‌های دقیقی بلخی یک گروه از گروه دیگر پرسش‌هایی طرح نمایند.
۲. شاگردان یک یک نفر در مورد اینکه چگونه راه بزرگان و شخصیت‌های علمی و فرهنگی کشور را تعقیب نماییم سخنرانی کنند.
۳. چند شاگرد در مورد نقش زمان و مکان در نگارش سخنرانی نمایند.

املا و نگاشت

۱. متنی را که معلم محترم به خوانش می‌گیرد شاگردان املا بنویسند.
۲. در باره تصویر زیر در کتابچه‌های تان یک متن ادبی بنویسید.



۱. اولین کسی که به سرودن شهنهامه آغاز کرد کی بود؟
۲. دقیقی بلخی کی بود و در کدام عصر می‌زیست؟
۳. دوره ساماپیان را چگونه ارزیابی می‌کنید؟
۴. بیت‌های زیرین را معنا نموده، صنایع بدیعی آن را نشان دهید:
زمین بر سان خون آلوده دیبا هوا بر سان نیل اندوده مشتی
به طعم نوش گشته چشمۀ آب به رنگ دیده آهوی دشتی
۵. زمان و مکان مناسب در نگارش چه نقشی دارد بیان کنید؟
۶. با در نظر گرفتن کدام موضوعات می‌توان اساسات نگارش را آموخت؟



۱. مفهوم شعر نخست را که از دقیقی خواندید، در چند سطر بنویسید.
۲. بیت زیر را حفظ کنید:

کی رو د فکر مضرت از مزاج اهل کین
مار نتواند جدا از زهر دیدن کام را
بیدل

۳. متن کامل درس بعدی را خوانده و برای معرفی آن روز آینده آماده‌گی بگیرید.

- درس امروز توسط یک تن از شاگردان طوری معرفی شود، که تشریحاتش جوابگوی پرسش‌های زیر باشد:
 - ۱. عدالت به معنای چیست و عدالت اجتماعی کدام عدالت را گویند؟
 - ۲. عدالت اجتماعی چه نقشی در زندگی انسان‌ها می‌تواند داشته باشد؟
 - ۳. عدالت اجتماعی در کدام شرایط می‌تواند عملی گردد؟
 - ۴. در عدم موجودیت عدالت اجتماعی، چه خطراتی جامعه را تهدید می‌کند؟
- در پایان معرفی، همین پرسش‌ها از چند شاگرد دیگر پرسیده شود.

عدالت اجتماعی

عدالت به معنای برابری و انصاف است. عدالت اجتماعی عدالتی است، که تمام افراد اجتماع از آن بر خوردار باشند. بدون موجودیت عدالت در تمام زمینه‌ها نمی‌توان از یک جامعه انسانی و اسلامی سخن زد. حقی که خداوند الله برای هر انسان داده است، بدون هیچ‌گونه تردیدی باید به افراد جامعه داده شود.

عدالت به عنوان یک فضیلت و مبدأ انسانی، یکی از اهداف عمده بعثت پیامبران را تشکیل داده است. مفهوم عدالت در تعالیم اسلام چه قرآن و چه احادیث نبوی باز تاب گسترده یافته است. حتاً واژه «عدل» در قالب‌های مختلف بیش از سی بار در قرآن مجید وارد شده است؛ مثلاً خداوند متعال در آیت ۸ سوره مائدہ به عدالت دستور داده است حتاً با دشمنان و بدینان. و در آیت ۳ سوره نساء به عدالت در میان همسران فراخوانده است.

عدالت اجتماعی تقسیم منصفانه و برابر منابع و فرصت‌ها برای افراد جامعه است.

عدالت اجتماعی، شامل تمام حقوقی است، که یک فرد در جامعه دارد. همانطور وجايبی نیز وجود دارند، که افراد مکلف اند آن‌ها را در برابر جامعه عملی نمایند. بدون حقوق، صحبت از وجايب نادرست است. این هردو(حقوق و وجایب) لازم و ملزم یکدیگر می‌باشند.

عدالت اجتماعی عبارت از رفاه اجتماعی و زندگی انسانی (دسترسی انسان، به تمام نعمات مادی و معنوی می‌باشد، که خداوند الله برای بندگان خود آفریده است). بدون عدالت اجتماعی، پیشرفت، دموکراسی و استقلال هیچکدام کامل و دوامدار نخواهد ماند، نظام جامعه برهمن خورده، جامعه را خطر بی نظمی و بی قانونی تهدید می‌کند. عدالت اجتماعی سبب می‌گردد، که جامعه گرفتار افراط و تفریط نگردد، هر انسانی حق داشته باشد؛ تا برای پیشرفت وطن و جامعه خود سهم بگیرد و بتواند در تمام عرصه‌ها از داشته‌ها و ثروت اجتماع

استفاده سالم نماید.

در جامعه‌یی که یک عده انسان‌ها همه دارای چیز هم باشند و به اسراف رو آورند و عده‌دیگر در کمال فقر و فاقه زنده‌گی را به پیش ببرند، نمی‌توان از وجود عدالت اجتماعی سخن زد. به چنین جامعه‌یی، جامعه‌ انسانی نمی‌توان گفت.

نمونه‌های درخشنان عدالت اجتماعی در صدر اسلام روشن می‌سازد، که بزرگان دین در گام اول به فکر مبارزه با افراط و تفریط بوده و به انسان‌ها کمک می‌کردند، تا زنده‌گی خود را با عدالت اجتماعی همراه سازند و از تمام موانعی که بر تأمین عدالت در بین انسان‌ها ضرر می‌رساند، بپرهیزنند.

در شرایط کنونی، زمانی می‌توان از برقراری و تأمین عدالت اجتماعية در جامعه سخن گفت که نظام مردمی و حاکمیت ملی برقرار باشد. بدون برقراری نظام دموکراسی واقعی و بدون تأمین حاکمیت ملی در کشور نمی‌توان در مسیر عدالت اجتماعية گام گذاشت.

برای اینکه افراد یک جامعه بتوانند به حقوق خود دست یابند لازم است، که هر عضو جامعه با روحیه تساند و تعاون اجتماعی، حقوق و وجایب خود را بشناسد و با توجه به تقویت نظام اجتماعی در این رابطه در چارچوب قوانین گام بگذارد. قوانینی که در یک جامعه تدوین می‌گردد باید زمینه‌یی باشد، تا این حقوق را در راه تطبیق، مساعدت نموده و به افراد جامعه کمک نماید تا فقط از راه قانون و حفظ نظام اجتماعی و عقاید و عننه‌های پستنده به این هدف دست یابند و از هر گونه آشوب و اغتشاش که جامعه را به سقوط می‌کشاند، خود داری نمایند؛ پس می‌توان گفت که حفظ نظام اجتماعی و وجود قوانین و مراجعات و اجرای آن اگر از یک طرف لازمه تأمین عدالت اجتماعی در جامعه است، از طرف دیگر عدالت اجتماعية خود ضامن قوی و نیرومندی برای حفظ نظام اجتماعی و استحکام یک جامعه مبتنی بر قانون می‌باشد. عدالت اجتماعية فقط در شرایطی ممکن است عملی و اجرا گردد، که آن جامعه دارای یک دولت با ثبات و مبتنی بر قانون باشد و از مشروعیت مردمی برخوردار بوده و برای صلح اجتماعی و منطقوی بیندیشند.

توضیحات

- * **جامعه انسانی:** جامعه انسانی، جامعه‌بی است که در آن تمام اصول و حقوق انسانی تأمین شده باشد.
- * **دموکراسی:** نظام و سیستمی که بر اساس اراده مردم و از طریق انتخابات آزاد به وجود آید و در برابر ملت مسؤول باشد.
- * **استقلال:** آزادی ملی، حقی که بر اساس آن هر کشور و ملتی سرنوشت، اختیار و آزادی خود را در همه امور داشته و از هیچ کشور و ملت دیگری فرمان نبرد.

یادداشت

۱. عدالت اجتماعی، شامل تأمین برابر تمام حقوقی است که یک فرد در جامعه دارد.
۲. حفظ نظم اجتماعی و وجود قوانین و مراجعات و اجرای آن اگر از یک طرف لازمه تأمین عدالت اجتماعی در جامعه است از طرف دیگر عدالت اجتماعی خود ضامن قوی و نیرومندی برای حفظ نظم اجتماعی و استحکام یک جامعه مبتنی بر قانون می‌باشد.



مراحل نگارش: برای نگارش، موضوعات گوناگون و متعدد وجود دارد. ما در زنده‌گی به صدھا مسأله و حادثه بر می‌خوریم و هر روز در هر قدم دهها رویداد و منظره مقابل دیده‌گان ما قرار می‌گیرد که هر کدام آن را می‌توان موضوع نگارش قرار داد؛ اما به هر کدام نظر به مؤثریت در حال و احوال اجتماعی نمی‌توان یک نوع اهمیت و ارزش قابل شد؛ زیرا هر قدر موضوع نگارش کم ارزش و سطحی باشد جالب نبوده مورد توجه خواننده قرار نمی‌گیرد؛ پس موضوعی ابتکاری و برجسته است که نگارش را عالی ساخته موجب تأثیر در اذهان می‌گردد و مورد قبول همه مردم قرار می‌گیرد؛ از همین جاست که گفته اند در نگارش آن چه مهم است ماهیت موضوع می‌باشد.

نگارش هر مطلب از آغاز تا پایان سه مرحله متمایز و باهم مرتبط را در بر می‌گیرد که عبارت اند از:

۱. مرحله ایجاد فکر
۲. مرحله تنظیم فکر

۳. مرحله بیان فکر

هر کدام این سه مرحله را به طور جداگانه در درس‌های آینده می‌خوانیم.

کارگروهی و سخنرانی

شاگردان به دو گروه تقسیم شوند؛ سپس در موارد زیر در گروه‌ها گفتگو نموده، نماینده هر گروه نتیجه بحث شان را به دیگران بیان نماید.

گروه الف: برای اینکه افراد یک جامعه به عدالت اجتماعی و استقلال دست یابند در گام اول به چه چیز نیاز دارند؟

گروه ب: در کدام جوامع نمی‌توان از وجود عدالت اجتماعی سخن به میان آورد؟

املا و نگارش



۱. چرا عدالت اجتماعی در یک جامعه ضروری است؟

۲. در عدم موجودیت عدالت اجتماعی چه خطراتی جامعه را تهدید می‌کند؟

۳. آیا ممکن است بدون عدالت اجتماعی و استقلال به پیشرفت و ترقی دست یافت؟

۴. آیا بدون روحیه تعاون و راههای قانونی می‌توان به عدالت اجتماعی دست یافت؟

۵. آشوب و اغتشاش در یک جامعه چه وقت ظهور می‌کند؟

۶. نگارش دارای کدام مراحل است، نام ببرید؟



۱. محتوای کلی درس را در چند سطر بنگارید.

۲. بیت زیر را به حافظه بسپارید:

دور دستان را به احسان یاد کردن همت است

ورنه هر نخلی به پای خود ثمر می‌افگند

صایب تبریزی

۳. متن کامل درس بعدی را خوانده و برای معرفی آن در روز آینده آماده‌گی بگیرید.

- درس امروز توسط یک تن از شاگردان طوری معرفی شود، که تشریحاتش جوابگوی پرسش‌های زیر باشد:
۱. شعر زیر در مورد چه سر و در شده است؟
 ۲. شعر از کیست؟ شاعر آن را مختصراً معرفی کنید.
 ۳. شعر «پایگاه انسان» در بر گیرنده کدام مفاهیم می‌باشد.
 ۴. در شعر زیر کدام صنایع بدیعی به کار رفته است؟
- در پایان معرفی، پرسش‌ها از چند شاگرد دیگر پرسیده شود.

پایگاه انسان

تو به یک پایه چون شوی خرسند؟
 جامه خلعتت برید ستند
 چون نگردی بدان حل طامع؟
 چون مهی شست روز بیکاری
 دد و دیوی وز آدمی دوری
 دیو و دد کی بود درنده چو تو؟
 خلق عالم ز طبع تولدتنگ
 آن نه عمر، آن فضول بود گذشت
 زین چنین عمر عقل بگریزد
 روزی از زنده‌گانی تو ببرد
 که از او سود و مزد بر بندد
 کت از او جان کم است و وام فزون
 مرغ راحت به باغ رنج پرد
 پایش از جای رفت و کار از دست
 عقل باشد که شاد خوار بود
 دست و پایی بزن، زیان نکنی
 بستر خواب راحت آمد رنج
 پاس خود دار تا تبه نشوی
 به طلب یابی از بزرگان جاه
 کز طلب خوب روی گردد ماه

سنایی غزنوی

پایه بسیار سوی بام بلند
 از پی کارت آفرید ستند
 تو به خلقان چرا شوی قانع
 ملک و مُلک از کجا به دست آری
 غافلی سال و ماه و مغروری
 آدمی کی بود گزنده چو تو؟
 سال و مه کینه جوی همچو پلنگ
 آن جوانی که گرد غفلت گشت
 مرد عاقل ز لهو پرهیزد
 هر شبی کان زمانه بر تو شمرد
 در رخ ماه نو کسی خندد
 پس تو باری چرانگری خون؟
 مرد چون رنج برد گنج برد
 هر که با جهل و کاهلی پیوست
 خُرد همت همیشه خوار بود
 اندرین راه گرچه آن نه کنی
 رنج کش را نتیجه چه بود؟ گنج
 به تمنا تو مرد ره نشوی

توضیحات

* سنایی: حکیم ابوالمجد مجدد بن آدم سنایی از شاعران بزرگ قرن ششم ابتدا به دربار غزنویان راه یافت. و شاهان غزنه را مدح می کرد؛ سپس حال او دگرگون گشت، از دربار شاهان دوری گزید و گوشه نشینی اختیار نمود. او سفری به مکه کرد بعد از آن چندی در بلخ، سرخس، مرو و نیشاپور زیست و سپس به غزنه برگشت و در سال ۵۴۵ هـ ق. وفات یافت. سنایی را بنیان گذار شعر صوفیانه می دانند. آثار او شامل حدیقة الحقيقة، سیر العباد الى المعاد، کار نامه بلخ، مثنوی هایی به نام عقل نامه، عشق نامه و غیره می باشد.

بیاموزیم

۱. انسان راه طولانی در پیش دارد، که به اثر سعی و تلاش می تواند به مقام والای انسانی برسد.
۲. هر گاه کسی تنبی نماید و غافل از ظرفیت‌ها و توانایی‌های در حور انسانی باشد، هیچگاه نمی تواند به مقام و منزلتی دست یابد.
۳. حکیم ابوالمجد مجدد بن آدم از شاعران بزرگ قرن ششم ابتدا در دربار غزنویان راه یافت و شاهان غزنه را مدح می کرد.
۴. تا انسان رنج نبرد، گنج نمی یابد، و به راحتی نمی رسد.
۵. آثار سنایی شامل حدیقة الحقيقة، سیر العباد الى المعاد، کار نامه بلخ، مثنوی هایی به نام عقل نامه، عشق نامه و... می باشد.



۱. مرحله ایجاد فکر

پیش از آغاز نگارش باید فکر کنیم؛ چه می خواهیم بنویسیم باید اندیشه و دقت خود را به کار بیندازیم؛ زیرا بدون اندیشه و دقت کافی، بیان درست و مطلب دقیق امکان پذیر نیست. دقت و اندیشه درباره موضوع، باعث می شود که طرح نوشته در ذهن پدید آید و شکل گیرد. برای نویسنده لازم است که مدت‌ها به تفکر پردازد و تعمق نماید تا موضوع دلچسپ مغاید و طرف نیاز مردم را انتخاب کند و آن را زمینه نگارش قرار دهد و در همین مرحله دقت زیاد به خرج دهد و بکوشد تا موضوع بکرا برگزیند. افکار از دو منبع کلی سرچشمه می گیرد:

- الف) مطالعه، مشاهدات و تجربه‌های شخصی و یا دیدن فلم‌ها و برنامه‌های تلویزیونی.
- ب) مشاهدات و تجربه‌های دیگران که از آن‌ها شنیده ایم.

کار گروهی و سخنرانی

۱. شاگردان به دو گروه تقسیم شده؛ سپس هر گروه در بارهٔ شعرخوانده شده باهم گفتگو نموده، نتیجه را به دیگران انتقال دهند.
۲. یک تن از شاگردان در رابطه به این که راز موفقیت انسان در چیست؟ سخنرانی نماید.
۳. چند تن از شاگردان به نوبت در رابطه به مرحلهٔ ایجاد فکر در نگارش اظهار نظر نمایند.

املا و نگارش

۱. متنی را که توسط معلم گرامی خوانده می‌شود، در کتابچه‌های تان املا بنویسید.
۲. در مورد تصویر زیر با در نظر داشت قواعدی که خواندید متنی بنویسید که از هشت سطر کم نباشد.

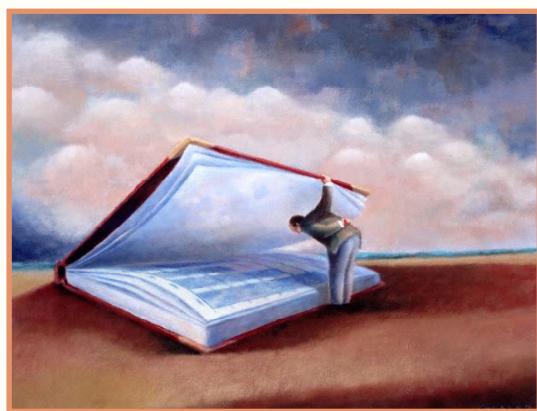




۱. مفهوم اساسی شعری را که خواندید، به زبان ساده بیان کنید.
۲. در بارهٔ شخصیت ادبی سناپی غزنوی چه می‌دانید؟
۳. پیش از نگارش یک مطلب کدام مرحله را ضروری می‌دانید؟
۴. افکار انسان از کدام منابع سرچشمه می‌گیرد؟ واضح سازید.
۵. صنعت ادبی بیت زیر را مشخص نمایید:
ملک و مُلک از کجا به دست آری
چون مهی شست روز بیکاری



۱. شعری را که خواندید، به نثر تبدیل کنید.
۲. ضربالمثل زیر را به حافظه بسپارید:
آموزش خزانه‌بی است که صاحب خود را هر کجا دنبال می‌کند.
ضربالمثل چینایی
۳. متن کامل درس بعدی را خوانده و برای معرفی آن در روز آینده آماده‌گی بگیرید.



- درس امروز توسط یک تن از شاگردان طوری معرفی شود، که تشریحاتش جوابگوی پرسش‌های زیر باشد:
- ۱. مطالعه تاریخ ادبیات یک کشور از کدام دیدگاه‌ها اهمیت دارد؟
- ۲. مطالعه تاریخ ادبیات چگونه به ما کمک می‌کند که از تغییرات و تحولات ادبیات خود آگاه شویم؟
- ۳. آیا می‌دانید که مطالعه تاریخ ادبیات در شناخت ژرفتر زبان، فرهنگ، فولکلور، اعتقادات دینی، افکار سیاسی، ادبی و هنری هر عصر با ما کمک می‌کند؟
- در پایان معرفی، پرسش‌ها از چند شاگرد دیگر پرسیده شود.

ادبیات در قرن‌های نهم و دهم هجری

مطالعه ادبیات در قرن نهم و دهم ایجاب می‌کند، که ما تاریخ صفویان ایران، تیموریان هرات و امپراتوری مغولان هندوستان، هرسه را از نظر بگذرانیم. امیرتیمور گورگان سه بار برخراسان و فارس هجوم آورد و امرای موجود محلی را به طور کامل منقرض ساخت. در نتیجه ملوک کرت هرات، سربداران سبزوار و آل مظفر فارس از صحنه بدر رفتند.

پس از مرگ امیرتیمور قلمرو وسیع او در میان فرزندانش تجزیه شد و بالآخره فرزند چهارم او شاهرخ میرزا توانست که بخش بزرگی از قلمرو پدرش را تحت تسلط خود بیاورد. پایتخت او شهر باستانی هرات بود. او که می‌خواست ویرانی‌های پدر خود را جبران کند؛ دست به اصلاحات وسیع زد، امنیت را تأمین کرد و راههای تجارتی را از شر دزدان نجات داد. در اثر اقدامات او تجارت رونق گرفت و تراکم ثروت سبب رفاه و آرامی شهربانها گردید. زوجه شاهرخ، ملکه گوهرشاد بیگم دختر غیاث الدین ترخان بود. گوهرشاد که در خانه پدر نیز با شوکت و اقتدارآشنایی داشت، پس از ازدواج با شاهرخ میرزا میدانست که چگونه از اقتدار خود در راه شکوه و رونق، عمران و آبادانی کار بگیرد. به دستور گوهرشاد بیگم بود، که مسجد جامع هرات، خانقاہ هرات، مدرسه هرات و مسجد جامع مشهد آباد گردید. پسر شاهرخ و گوهر شاد بیگم شهزاده بایسنقر میرزا کتابخانه بزرگی را بنیاد نهاد و در آن خطاطان معروف، منشیان و صحافان را فراخواند و از جمله متن جامع شاهنامه فردوسی را تهیه نمود. شهزاده بایسنقر میرزا خود خطاطی چیره دست بود.

اوج افتخار تیموریان هرات روزگار فرمانروایی سلطان حسین بایقرا و وزیر با تدبیرش امیرعلی شیرنوایی بود. سلطان حسین بایقرا و امیرعلی شیرنوایی هر دو بر زبان‌های دری و ترکی مسلط بودند و به هر دو زبان شعر می‌گفتند. امیرعلی شیرنوایی، نورالدین عبدالرحمان جامی، قاسم انوار، عارفی هروی، هلالی چغتایی، ملاحسین واعظ کاشفی و دیگران از شعرای معروف این دوره استند.

یکی از شعرای عارف این دوره، سیدعلی بن هارون بن ابوالقاسم معروف به قاسم انوار است، که در عهد شاهرخ به هرات آمد؛ سپس رهسپار بلخ گردید. بعد از آن به هرات بازگشت و در سال ۸۳۸ هـ. ق. در همانجا دیده از جهان پوشید. دیوان اشعار و مثنوی‌های انبیس العارفین و مقامات العارفین از او به یادگار مانده است. شعرهای قاسم انوار شور عارفانه دارد. نمونه کلامش چنین است:

سرم سبزست و لب خندان و عیش جاودان دارم
مکانم را چه می‌پرسی؟ مکان در لامکان دارم
نه آن مشتاق در شورم، که پنداری ازو دورم
جمالش را چو می‌بینم همه عین عیان دارم
بیا ای صوفی خود بین، به خود منگر به من درین
که من از لذت عشقش حیات جاودان دارم
بگو ای قاسم مسکین چها داری؟ چرا داری؟
که من این عشق پنهانی از آن جان جهان دارم

از شاعران قابل یادآوری این عصر، بابا فغانی شیرازی است، که در شیراز شغل چاقوسازی داشت و در آغاز سکاکی تخلص می‌کرد. او به دربار اوزون حسن تقرب جست. در اواخر عمر عزلت گزید و به عرفان پناه برد. بابا فغانی را از پیشگامان سبکی دانسته اند، که بعدها به سبک هندی معروف شد. صایب از استمداد و اقتداء خود به اوصحت کرده است:

از آتشین دمان به «فغانی» کن اقتدا «صایب» اگر تتبع دیوان کس کنی

سلطان حسین بایقرا، که در سال ۸۷۲ هـ. ق. برسریر سلطنت هرات تکیه زده بود. بعد از سی و نه سال سلطنت در سال ۹۱۱ هـ. ق. چشم از جهان پوشید. پس از او سلطنت تیموریان هرات رو به انعراض رفت و قدرت به صفویان ایران انتقال یافت. شاهان صفوی که می‌خواستند تشیع را مذهب مسلط ایران بسازند، درگیر مبارزه با خلافت عثمانی گردیدند و بدین ترتیب بازار علم و دانش، شعر و هنر در ایران کساد گردید و دانشمندان و شاعرانی

که در دربار شاهان صفوی اقبالی ندیدند روی به سوی هند نهادند و در آن جا با استقبال گرم سلاطین مغولی، که مؤسس آن سلسله، ظهیرالدین محمد با بر بود، روبرو شدند و به خصوص در دربار نورالدین محمد جهانگیر و شهاب الدین محمدشاه جهان گرد آمدند. در قرن دهم هجری شاعرانی چون فیضی دکنی، عرفی شیرازی، کلیم کاشانی، ناصرعلی سرهندي و دیگران که در دربار جهانگير، اکبر و شاه جهان شاعري كرده اند.

يکی از شاعران مشهور قرن دهم هجری عرفی شیرازی است، که در قصيدة، مثنوي و غزل شاعري توانا بود؛ او مثنويهای مخزن الاسرار و خسرو و شيرين نظامي را استقبال نموده است. عرفی در سال ۹۳۶ هـ - ق. در شيراز به دنيا آمد و در سال ۹۹۹ هـ - ق. در لاھور دیده از جهان فرو بست.

بررسی‌های ادبی در این سده‌ها

دوران سلالهٔ تیموری به خصوص در سده‌های ۹ و ۱۰ دوران اعتلای سرزمین ما است. این خانواده با آن که خود ترک زبان بودند، در پرورش و شکوهمندی ادب دری بسیار تلاش ورزیدند. زوال و قهرایی که در دوران فرمانروایی چنگیزیان، زبان، فرهنگ و ادب دری را تهدید می‌کرد، نه تنها متوقف نگردید؛ بلکه بار دیگر این زبان به مثابهٔ زبان علمی و ادبی در بسیاری از کشورها مانند: ترکیه، هند، آذربایجان، نواحی گرجستان و توابع آن‌ها به مثابهٔ زبان ادبی رونق تازه یافت.

سدۀ ۹ و ۱۰ از سده‌های احیای فرهنگ شکوهمند خراسان، زبان و ادب دری است؛ با آن هم در مقایسه با دوره‌های گذشته جنبه‌های ضعیفی در خود داشته است.

كلمه‌های مغولی و ترکی از راه کار بر اصطلاحات اداری، سیاسی و نظامی يکی از خصوصیت‌هایی است که زبان و ادب دری در این دوران به آن دچار گردیده است؛ همچنان کاربرد اصطلاحات و کلمات ناماؤوس عربی در ادبیات دری زیاد شد. اطناب و تعقید به ویژه در نثر از خصوصیت بر جسته آثار این دوره است.

شعر و نثر این دوره تقليدی از سبک‌ها و مكتب‌های گذشته است. مكتب خاصی در اين دوره پدید نیامد. شعرای اين دوره در غزل به پیروی از حافظ، سعدی و مولانا، در قصيدة به روش رودکی، فرخی، ظهیر فاريابي و انوری و در مثنوي به شيوه فردوسی، نظامي، امير خسرو دهلوی و مولانا جلال الدين بلخی طبع آزمایي كرده اند.

توضیحات

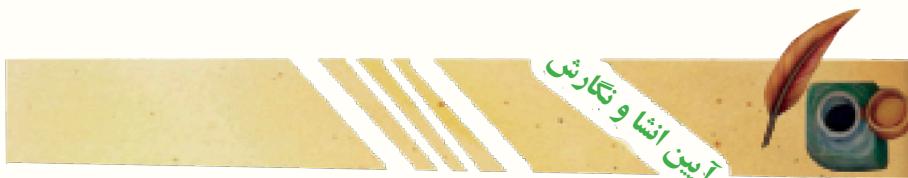
- * تیمور در سال ۱۳۲۳م (۷۰۲ هـ ش). در شهر سبز سمرقند چشم به جهان کشود؛ وی پسر توراغای یکی از اشراف قبیله برلاس از نژاد ترک بود. او از وضع آشفته سیاسی و نظامی مأواه النهر، خراسان و فارس استفاده کرد و دولت نیرومندی به وجود آورد.
- * تیمور تا سال ۱۳۸۳م (۷۶۲ هـ . ش). خوارزم، دشت قپچاق، مأواه النهر و کاشغر را به دست آورد. پس از آن به خراسان، فارس، عراق، ترکیه و مصر لشکر کشی کرد و امپراتوری گسترده‌یی بنا نهاد.
- * امیر علی شیر نوایی در شهر باستانی هرات دیده به جهان گشود؛ پدرش نظام الدین چکینه بهادر در دستگاه سلطنت تیموری رتبه و مقام خوبی داشت. نوایی یکی از وزیران بزرگ و ادب پرور سرزمین ما در زمان سلطنت سلطان حسین بایقرا بود. وی در ایجاد و پرورش فرهنگ دوره درخشنان تیموریان سهم ارزنده داشت و بیشتر از سی اثر منظوم و منتشر به زبان‌های دری، ترکی و ازبکی نوشت.
- * ترخان در دربار تیموریان کسی را می‌گفتند، که بدون اجازه قبلی می‌توانست به پیش سلطان برود و از دارایی‌های خود هیچ گونه مالیه و محصول به دولت نپردازد.
- * آل کرت یکی از سلسله‌های محلی افغانستان بوده که در عصر مغول‌ها بریک قسمت افغانستان (هرات) حکمرانی داشتند. در مورد اصل و نسبت کرت‌ها اختلاف نظر وجود دارد تعدادی آن‌ها را از وابسته‌گان غوری‌ها می‌دانند و بعضی ایشان را هم به سلجوقی‌ها و ترکمن‌ها منسوب می‌سازند. شخصیت‌های مهم این دودمان ملک رکن الدین، ملک شمس الدین، ملک حسین کرتی می‌باشند. امراه این خانواده با مغولان روابط نیک و حسنی داشتند که سرانجام در سال ۱۳۸۳م (۷۶۲ هـ ش). توسط تیمور گورگانی آل کرت به سقوط مواجه شد.

بیاموزیم

۱. امیر علی شیر نوایی، نور الدین عبدالرحمن جامی، عارفی هروی، هلالی چنگایی، ملا حسین واعظ کاشفی و دیگران از شعرای معروف این دوره (قرن نهم و دهم) بودند.
۲. اوج افتخار تیموریان هرات روزگار فرمانروایی سلطان حسین بایقرا و وزیر با تدبیرش

امیرعلی شیرنوایی بود.

۳. در قرن نهم و دهم کلمه‌های مغولی و ترکی از راه کار بردا اصطلاحات اداری، سیاسی و نظامی یکی از خصوصیاتی است که زبان و ادب دری در این دوران به آن دچار گردیده است.
۴. در قرن نهم و دهم کار بردا اصطلاحات و کلمه‌های ناماؤس عربی در ادبیات دری زیاد شد. اطناب و تعقید به ویژه در نثر از خصوصیت برجسته آثار این دوره است.
۵. شعر و نثر این دوره تقليدی از سبک‌ها و مکتب‌های گذشته است. مکتب خاصی در این دوره پدید نیامد. شعرای این دوره در غزل به پیروی از حافظ، سعدی و مولانا، در قصیده به روش رودکی، فرخی، ظهیر فاریابی و انوری و در مثنوی به شیوهٔ فردوسی، نظامی، امیر خسرو دهلوی و مولانا جلال الدین محمد بلخی طبع آزمایی کرده‌اند.



۲. مرحله تنظیم فکر

بعد از مرحله ایجاد فکر در نگارش مرحله تنظیم فکر آغاز می‌شود؛ در همین مرحله نویسنده با در نظر داشت ارکان نگارش، موضوع را به فصول تقسیم می‌کند که عبارت از مقدمه، شروع مطلب، شرح و بسط و نتیجه می‌باشد؛ هر کدام این فصول دارای عناصر اصلی و فرعی متعدد بوده، باید هر کدام آن جدا جدا در نظر گرفته شود؛ تا موضوعات باهم آمیخته نگردد؛ زیرا این کار برای نگارنده و خواننده هر دو مشکل ایجاد می‌کند؛ در حالیکه تنظیم فکر به صورت درست هم برای خواننده و هم برای نویسنده سهولت فراهم نموده مفید واقع می‌گردد.

نویسنده باید پایهٔ تفکر خود را کاملاً و به صورت یک نواخت روی چیزهای غیر محسوس قرار ندهد؛ بلکه پایهٔ تفکر او تا اندازه‌یی بر مدرکات و حسیات هم گذاشته شده باشد. در حقیقت فکر کردن از نوشتن جدا نیست؛ بلکه عامل اساسی در نگارش، فکر درست و ذوق سلیم است.

نگارش زیبا و رسا آن است که موضوع آن قبلاً با درستی و مهارت در ذهن پرورش و تنظیم شده، صورت دلپسند، منطقی و یکدست به خود گرفته باشد؛ آنگاه اقدام به بیان آن گردد.

کارگروهی و سخنرانی

۱. شاگردان به دو گروه تقسیم شوند؛ سپس هر گروه در بارهٔ درسی که خوانند باهم گفتگو نموده، نتیجه را به دیگران بگویند.
۲. یک تن از شاگردان در رابطه به وضع ادبی در قرن نهم و دهم سخنرانی نماید.
۳. چند تن از شاگردان به نوبت در رابطه به مرحلهٔ تنظیم فکر در نگارش اظهار نظر نمایند.



امیر علی شیر نوایی

املا و نگارش

۱. متنی را که توسط معلم گرامی خوانده می‌شود، در کتابچه‌های تان املا بنویسید.
۲. در مورد تصویر با در نظر داشت قواعدی که خواندید، متنی بنویسید که از هشت سطر کم نباشد.



۱. اوج افتخار تیموریان هرات دورهٔ کدام سلطان است؟
۲. بنیان گذار سبک هندی کی را می‌دانند و صایب در بارهٔ او چه گفته است؟
۳. گوهرشاد بیگم کی بود؟
۴. در بارهٔ شهزاده بایستقر چه می‌دانید؟
۵. امپراتوری مغول به وسیلهٔ چه کسی در هند تأسیس شد؟
۶. مرحلهٔ تنظیم فکر در نگارش چه اهمیت دارد؟
۷. عامل اساسی در نگارش چیست؟



۱. شرح حال یکی از شاعرانی چون صایب تبریزی، کلیم کاشانی، فیضی دکنی، ناصرعلی سرهندي، هلالی چفتايي و عرفى شيرازى را تهيه و برای همصنفان خود تقدیم نمایید.
۲. بیت زیر را حفظ کنید:
بلند و پست جهان هر چه هست در کار است
ز حکمت است که انگشتها برابر نیست
۳. متن کامل درس بعدی را خوانده و برای معرفی آن در روزآینده آماده‌گی بگیرید.

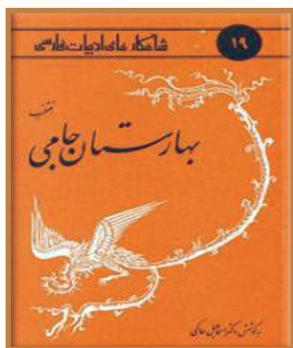
درس امروز توسط یکی از شاگردان طوری معرفی شود، که تشریحاتش جوابگوی

پرسش‌های زیر باشد:

۱. بهارستان اثر کیست؟ در کدام قرن و در کجا نوشته شده است؟

۲. این اثر در چه مورد نگاشته شده و چگونه یک اثر است؟

در پایان معرفی، همین پرسش‌ها از چند شاگردیگر پرسیده شود.



بهارستان

بهارستان اثریست از مولانا نورالدین عبدالرحمان جامی شاعر و دانشمند بزرگ عصر تیموریان. جامی در سال ۸۱۷ هجری قمری در شهر جام هرات باستان چشم به جهان گشود. جامی معاصر سلطان حسین باقر و وزیر دانشمند او امیر علی شیر نوایی بود. جامی در شعر به سعدی و حافظ توجه خاص داشت و در مثنوی‌های خود از نظامی پیروی کرده است.

بهارستان جامی که به پیروی از گلستان سعدی در سال ۸۹۲ هجری نگاشته شده است. منظور نویسنده در این کتاب بیان نکته‌های تربیتی و اخلاقی می‌باشد. این اثر شامل نثر و

نظم بوده، نثرش با صنایع لفظی آراسته است. بهارستان در هشت روضه، مقدمه و خاتمه ترتیب گردیده است. روضه نخستین حکایاتی دارد در ذکر مشایخ صوفیه و بعضی از اسرار و احوال آنان؛ روضه دوم متضمن حکم و مواعظ و مشتمل بر چند حکایت؛ روضه سوم در باره اسرار حکومت و ذکر حکایاتی از شاهان؛ روضه چهارم در باره بخشش؛ روضه پنجم در تقریر حال عشق و عاشقان؛ روضه ششم حاوی مطابیات و لطایف؛ روضه هفتم در شعر و احوال شاعران و روضه هشتم در حکایاتی چند از زبان جانواران. جامی در آغاز کتاب گفته است، که چون فرزندش ضیاء الدین یوسف به آموختن فنون ادب اشتغال داشت. این کتاب را برای وی فراهم آورد و به نام سلطان حسین باقر نمود.

عبارات کتاب بهارستان بسیار ساده و شیرین است و در میان آثار منثور در مقام شامخ دارد. همان گونه که تذکر یافته؛ این کتاب مشتمل بر مطالب اخلاقی عالی و دستورهای سودمند برای زنده‌گانی است. قطعه‌های تاریخی آن نیز مطالبی مفید دارد، که در روشن شدن احوال شura و عرفا کمک می‌کند. بهارستان سخن منظوم بیشتر دارد، نظر به گلستان سعدی. سجع و تکلف به وفور در آن دیده می‌شود. در روضه ششم آن پاره‌یی از مطابیات وجود دارد که خواننده را از سلیقه تربیتی مولانا جامی به شگفتی می‌آورد.

نحوه قصه پردازی و تمثیل در بهارستان

بهارستان برای ذهن نشین شدن مطالب و بیان درست آن، حکایات‌ها و تمثیلهای زیاد ارائه شده است. این تمثیلهای قصه پردازی‌ها با زیور منطق و حلیه عقل آراسته شده است.

موضوعات با بیان تشبیه‌ها، کنایه‌ها و استعاره‌ها ادبی به صورت دلنشیں تمثیل و صحنه آرایی گردیده است. همه این خوبی‌ها و ویژه‌گی‌های ادبی و محتوای ارزشمند، ارزش تربیتی و آموزشی این اثر گران‌بها را بالا برده و بیانگر شهکاری‌های جامی است.

حکایتی از بهارستان

طاووسی و زاغی در صحن باغی فراهم رسیدند و عیب و هنر یکدیگر را دیدند. طاووس به زاغ گفت: این موزه سرخ که به پای تست لایق اطلس زرکش و دیباي منتش منست، همانا آن وقت که از شب تاریک عدم، به روز روشن وجود می‌آمده ایم، در پوشیدن موزه غلط کرده ایم. من موزه کیمخت سیاه ترا پوشیدم و تو موزه ادیم سرخ مرا.

زاغ گفت: حال بر خلاف این است. اگر خطای رفته است، در پوشش‌های دیگر رفته است، باقی خلعت‌های تو مناسب موزه منست. غالبا در آن خواب آلووده‌گی، تو سر از گریبان من بر زده ای و من از گریبان تو. در آن نزدیکی کشفی سر به جیب مراقبت فرو برده بود و آن مجادله و مقاله را می‌شنود، سر بر آورد که ای یاران عزیز و دوستان صاحب تمیز این مجادله‌های بی حاصل را بگذارید و از این مقاوله بلا طایل دست بدارید، خدای تعالی همه چیز را به یک کس نداده و زمام همه مرادات در کف یک کس نهاده. هیچ کس نیست که وی را خاصه داده که دیگران را نداده است و در وی خاصیتی نهاده که در دیگران نهاده، هر کس را به داده خود خرسند باید بود و به یافته خشنود.

قطعه

بردن حسد از حال کسان طور خرد نیست
زنهار که از طور خرد دور نباشی
از خلق طمع، همچو حسد مایه رنج است
بگسل طمع از خلق که رنجور نباشی

حکایت دوم

گزدمی زهر مضرت در نیش و تیر خباثت در کیش، عزیمت سفر کرد؛ به لب آب پهناور رسید؛ خشک فرو ماند. نه پای گذشتند و نه یاری باز گشتن. سنگ پشتی آن معنا را از وی مشاهده کرد. بروی ترحم نمود. بر پشت خودش سوار ساخت و خود را در آب انداخت و شنا کنان رو به جانب دیگر نهاد. در آن اثنا به گوشش رسید که گزدم چیزی بر پشت وی میزند. سؤال کرد که این چه آواز است؟ جواب داد: که این آواز نیش است که بر پشت تو میزنم. هر چند میدانم که بر آن جا کارگر نمی‌آید؛ اما خاصیت خود را نمی‌توان گذاشت. سنگ پشت با خود گفت: هیچ به از آن نیست که این بد سرش را از این خوی بد برهانم و نیکوسرشتن را از آسیب وی ایمن گردانم به آب فرو رفت، وی را موج در ربود و به جایی برد که گویا هرگز نبود.

توضیحات

* جامی در نظم و نثر آثار گران‌بهایی از خود به جا گذاشته است. در اشعارش افکار صوفیانه، داستان‌ها، حکمت، اندرز و تصورات غنایی، بسیار فراوان دیده می‌شود. آثار منظومش شامل دیوان اشعار، هفت اورنگ بوده به پیروی نظامی گنجه‌یی سروده شده است، که در برگیرنده سلسله‌الذهب، سلامان و ابسال، تحفة الاحرار، سبحه‌الابرار، یوسف و زیخا، لیلی و مجنون و خردنامه سکندری می‌باشد.

آثار منتشر جامی عبارت اند از: نقدالنصوص، نفحات الانس، لواوح ولوامح، شواهدالنبوه، اشعة اللمعات و بهارستان، رساله‌یی در اخلاق صوفیان، رساله‌یی در علم قوافی، رساله موسیقی، مناسک حج، رساله تهلیلیه در علم دین، فواید الضیائیه معروف به شرح جامی می‌باشد.

بیاموزیم

۱. بهارستان اثریست از مولانا نورالدین عبدالرحمان جامی.
۲. این اثر به پیروی از گلستان سعدی در سال ۸۹۲ هـ ق. نگاشته شده است.
۳. بهارستان شامل نثر و نظم بوده، نثرش با صنایع لفظی آراسته است.
۴. بهارستان یک اثر تعلیمی بوده، جنبه‌های تربیتی و اخلاقی در آن به گونه زیبایی در نظر گرفته شده است.
۵. بهارستان در هشت روضه، مقدمه و خاتمه ترتیب گردیده و با زبان بسیار ساده و شیرین نگاشته شده است و در میان آثار منتشر فارسی مقام شامخ دارد.
۶. جامی در نظم و نثر آثار گران‌بهایی از خود به جا گذاشته است، در اشعارش افکار صوفیانه، داستان‌ها، حکمت، اندرز و تصورات غنایی بسیار فراوان دیده می‌شود.



مرحلهٔ بیان فکر

پس از تنظیم فکر نوبت می‌رسد به بیان فکر؛ یعنی نویسنده هرگاه به ایجاد و تنظیم فکر نایل آید، می‌تواند به آسانی آن را بیان دارد؛ به شرط این که به مشق و ممارست پرداخته باشد.

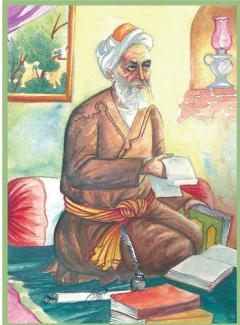
در مرحلهٔ بیان فکر دو راه وجود دارد، یکی گفتار و دیگر نگارش. نویسنده‌گان به صورت اغلب راه دومی را انتخاب می‌کنند؛ در حالیکه بعضی ادباء به خصوص مبلغان از راه نخستین استفاده کرده، فکر ایجاد و تنظیم شده را توسط گفتار ارائه می‌نمایند. گفتار میان تفکر و نگارش به منزله حلقه‌یی است در بین این دو؛ چنان که یکی اثربردار دیگر

است؛ مثلاً نویسنده وقتی معانی را به تصویر می‌آورد و آنرا ترتیب می‌کند، آنگاه در صورت نگارش نخست عبارتی برای آن در ذهن خود تهیه کرده؛ سپس آن را می‌نویسد و در این صورت هر قدر گفتار واضح و روشن باشد نگارش به همان اندازه روان و رسا می‌آید.

کارگروهی و سخنرانی

۱. شاگردان به دو دسته تقسیم شوند و در بارهٔ قطعهٔ خوانده شده تفکر نمایند، بعد از آن یک دسته از دستهٔ دیگر در آن مورد، سؤالاتی طرح نمایند.
۲. شاگردان دو نفر با هم در مورد حکایتی که خواندند، مباحثه نمایند.
۳. یک تن از شاگردان در مورد شخصیت مولانا جامی سخنرانی نماید.

املا و نگاشت



جامی

۱. متنی را که توسط معلم محترم خوانده می‌شود املا بنویسید.
۲. در مورد تصویر با استفاده از قواعد نگارش که خواندید، متنی بنویسید که از ده سطر کم نباشد.



۱. بهارستان اثر کیست؟
۲. نورالدین عبدالرحمان جامی را مختصر معرفی نمایید.
۳. بهارستان چگونه اثر است؟
۴. از حکایت چه نتیجه گرفتید؟
۵. چگونه می‌توانید که به داشته‌های خود قناعت نموده و از حسادت دوری نمایید؟
۶. چگونه می‌توانیم فکر خود را بیان کنیم؟



۱. در مورد نتایج منفی حسادت مطلبی بنویسید.
۲. بیت زیر را حفظ نمایید:

به عذر و توبه توان رستن از عذاب خدای ولیک می‌توان از زبان مردم رست

۳. متن کامل درس بعدی را خوانده و برای معرفی آن در روز آینده آماده‌گی بگیرید.

- درس امروز توسط یک تن از شاگردان طوری معرفی شود، که تشریحاتش جوابگوی پرسش‌های زیر باشد:
۱. زن کیست؟
 ۲. زن در جامعه دارای کدام حقوق می‌باشد؟
 ۳. حقوق زن را از دیدگاه اسلام چگونه ارزیابی می‌کنید؟
 ۴. دین مبین اسلام چه تأثیری در زندگی زنان داشته است؟
 ۵. زن چه نقشی را در اجتماع می‌تواند ایفا نماید؟
- در پایان معرفی، پرسش‌ها از چند شاگرد دیگر پرسیده شود.

حقوق زن در جامعه



مقام و موقعیت زن در جامعه بشری، ارج نهادن به او به عنوان رکن مهم خانواده انسانی، فرصت دادن به او برای اعمال اراده و نظر در مسائل شخصی و اجتماعی و رفع تبعیض‌های گوناگون در حقوق و امتیازات بین زن و مرد، مسأله‌یی است، که در طول تاریخ بشروی همواره مطرح بوده است. زنان همیشه این احساس را داشته اند، که برخی از مردان، حقوق آنان را محترم نشمرده به منزلت انسانی شان که همپایه مردان است، توجه نکرده به خصوص در اداره امور جامعه به آن‌ها فرصت مشارکت و ابراز نظر و اعمال اراده را نداده اند؛ از دور ترین دوره‌های تاریخ تا عصر حاضر، هر وقت زنان فرصتی به دست آورده اند به وضع موجود و رواج‌های جاری حاکم برخود اعتراض کرده، خواستار رفع تبعیض بین خود و مردان شده اند. داستان‌های پراکنده‌یی که از مراجعة برخی زنان به پیامبر اسلام ﷺ در تواریخ نقل شده، حاکی از احساس عدم رضایت زنان از این وضع و اقدام آنان برای اصلاح این وضع است. در آن دوران که روزنه‌یی به روی زنان گشوده شده و تعلیمات و روش عملی پیامبر اکرم ﷺ زمینه را برای تغییر طرز تفکر رایج و رفتار معمول با زنان ایجاد کرده بود، می‌بینیم برخی زنان به طرق مختلف در مقام اعتراض به وضع حاکم بر آن‌ها و گرفتن حقوق و اختیارات بر می‌آمدند؛ مثلاً: در حدیثی آمده است: که دختری خدمت پیامبر ﷺ آمد و گفت: پدرم برای به دست آوردن اعتبار و حیثیت برای خود می‌خواهد مرا به عقد ازدواج پسر برادرش درآورد؛ بدون اینکه نظر مرا بخواهد. وقتی

پیامبر ﷺ به او فرمود که اختیار ازدواج با خود توست و می‌توانی این ازدواج را قبول نکنی، دختر گفت: عمل پدرم را تنفیذ می‌کنم و آن را می‌پذیرم؛ ولی خواستم بدین وسیله زنان بدانند، که اختیار شان در دست پدران شان نیست.^(۱)

قرآن کریم، مرد و زن را از لحاظ خلقت از یک جنس و در اصل گوهر انسانی یکی می‌داند. در هیچ یک از آیات مربوط به خلقت انسان اشاره‌یی به کامل تر بودن مرد و نقص و کمبود در خلقت زن دیده نمی‌شود؛ چنان‌که در آیت مبارک آمده است، ترجمه: «ای مردم، پرهیزید و بترسید از خدایی که شما را از نفس واحد آفرید و همسرش را نیز از او خلق کرد و از آن دو، زنان و مردان زیادی را منتشر نمود...»^(۲)

از نظر فضیلت و کرامت و دارا شدن ارزش‌هایی والای انسانی و مقام معنوی و توانایی کسب صفات عالیه، در تعبیرات قرآن کریم تفاوتی بین زن و مرد دیده نمی‌شود. در قرآن مجید از مرد به عنوان پدر و از زن به عنوان مادر نام برده شده است و فرزند مکلف گردیده که به آن‌ها احترام بگذارد و نیکی کند.

انسان موجود اجتماعی است که هرگز نمی‌تواند در تنها‌ی مطلق زنده‌گی نماید و یک رابطه عاطفی بین انسان‌ها برقرار است. در واقع همین رابطه عاطفی انسان است که از نسلی به نسل دیگر انتقال می‌یابد و نوع انسان را با مفاهیمی از قبیل حق فرزندان بر پدر و مادر، حق پدر و مادر بر فرزندان، حق زنان بر شوهران، حق شوهران بر زنان، حق افراد بر جامعه، حق جامعه بر افراد و غیره آشنا می‌سازد و مفهوم حق و وظیفه را در ذهن انسان‌ها حک می‌کند.

نخستین حق دختران بر پدران و مادران‌شان این است، که هرگز در میان دختر و پسر طوری فرق نگذارند، که دختر احساس تبعیض و خود فروتنر بینی کند و این تصور نادرست در ذهن‌شش شکل بگیرد، که اگر پسر می‌بود از بسا امتیازها برخوردار می‌شد، که اکنون به دلیل دختر بودن خود از آن‌ها برخوردار نیست.

امام غزالی در کیمیای سعادت حدیثی از حضرت پیامبر اسلام ﷺ نقل می‌کند: «هر که از بازار نو بری خرد و به خانه برد همچون صدقه باشد و باید که ابتدا به دختر کند، آن گاه به پسر، هر که دختری را شادکند؛ همچنان بوده، که از بیم خدای بگریسته بود و هر که از بیم خدای تعالی بگرید تن وی برآتش حرام شود.»^(۳) متأسفانه برخلاف این دستور حضرت پیامبر ﷺ در

۱- به نقل از روایت منقوله در سنن ابن ماجه، کتاب النکاح، جلد ۱، ص ۶۰۲

۲- سوره نساء، آیه ۱.

۳- کیمیای سعادت ج ۱ باب سوم در آداب زنده‌گی با زنان ص ۳۰۴

برخی خانواده‌ها زنان و دختران از جهات مختلف معروض به تبعیض و تفاوت استند. هنوز تعداد کسانی هستند که می‌خواهند دروازه‌های مکاتب و مؤسسه‌های علمی را بروی زنان بینند و جامعه را از فیض استعداد زنان محروم نمایند. تجربه‌های فراوان علمی نشان می‌دهد، که زنان در هیچ رشته کمبودی و بی استعدادی نشان نداده اند و اساساً استعداد و ذکاوت ربطی به جنسیت زن و مرد ندارد. خوشبختانه قانون اساسی کشور حق تعلیم و تربیة مساوی، حق مزد مساوی را در برابر کار مساوی و بالاخره حق رأی دهی، رأی گیری و اشتراك در انتخابات ریاست جمهوری و شوراهما را برای زنان ثبت نموده است. زنان می‌توانند با استفاده از حقوق قانونی خود لیاقت، استعداد و کفایت خود را در خدمت وطن و مردم خویش بگمارند و در پرتو مبارزات قانونی راه را به سوی جامعه‌یی باز کنند که در آن هرگونه تبعیض نسبت به زنان از میان رفته باشد.

در جهان امروز حقوق زنان بخش اتفاقاً ناپذیر حقوق بشر است و اگر زنان به حقوق مشروع و قانونی خود نرسند صحبتی از تأمین حقوق بشر نیز نمی‌تواند در میان بیاید.

برخی از دستاوردهای امروز زنان محصل تلاش‌های درازمدت جنبش‌های زنان می‌تواند باشد. این جنبش‌ها مایه‌آن گردید که روز هشتم مارچ به عنوان روز بین المللی زن شناخته شود. روز هشتم مارچ روزی است، که زنان در گوش، گوشۀ جهان با حقوق خود آشنا می‌شوند و با قاطعیت برضد ازدواج‌های اجباری و دیگر عننه‌های ناپسند و غیر اسلامی دست و پاگیر مبارزه می‌نمایند. حق تعلیم و تربیة مساوی و فارغ از تبعیض، حق رقابت آزاد در کسب مشاغل اجتماعی مناسب، حقوقی است که زنان باید در راه حصول آن مبارزه نمایند.

زن به مثابه مادر در پژوهش و تربیت افراد جامعه نقش بارز و اساسی دارد و دارای حقوقی است، که دین میین اسلام و قوانین نافذ کشور برای شان داده است و تمامی افراد جامعه مکلف اند تارعایت آن را وظیفه اساسی و مهم دانسته، در پیروی از آن غفلت ننمایند. زنان نباید از تحصیل و سایر حقوق شان محروم شوند؛ زیرا همین زنان استند که با تقدیم فرزندان شایسته، چون علماء، دانشمندان، مخترعان و مکتشفان در رفاه و آبادانی جوامع، نقش سازنده‌یی را ایفا می‌کنند.

ملت افغانستان، ملت آزاده و مسلمان است باید که با پیروی از ارشادات الهی که می‌فرماید: «وَ عَا شُرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ» یعنی با زنان رفتار نیک کنید و با پیروی از پیامبر خدا که احترام و اکرام کننده‌گان زنان را کریم و بخشنده و اهانت کننده‌گان زنان را نکوهش نموده اند؛ زنان را

احترام کنند و حقوق شان را در عرصه‌های مختلف مراعات نمایند؛ همچنین افغانستان که عضو جامعه جهانی و سازمان ملل متحد بوده و کنوانسیون رفع کلیه تبعیضات علیه زنان را از طرف مجمع عمومی سازمان ملل متحد به تاریخ ۱۸ دسامبر ۱۹۷۹ میلادی به تصویب رسیده است امضاء نموده؛ بنابراین دولت افغانستان با در نظر داشت ملحوظات فوق حقوق زن را باید در کشور تأمین کند.

آیا می‌دانید پیوستن و ایمان آوردن به دین مبین اسلام که امروز بیش از هزار ملیون در جهان هوا خواه دارد، آغازش از کدام فرد بود؟

پذیرفتن دین مبین اسلام از یک زن شروع شد. مادر مؤمنان «بی بی خدیجه ؑ» نخستین کسی است که قبل از هر کس شایسته‌گی دریافت تبلیغ پیامبر بزرگ اسلام را داشت و از این رو نخستین فرد مسلمان در جهان به شمار می‌رود و آیا می‌دانید که نخستین شهید در اسلام کی بود؟ باز هم او یک زن بود. یعنی «سمیه» مادر عمار بن یاسر ؓ.

اسلام به زنان خدمات شایانی کرده است. اسلام در آغاز طلوع خود، یکی از برنامه‌های اساسی اش را بر مبنای بازستاندن حقوق از دست رفته زنان قرار داد. پیامبر ؐ به یاران خود پیوسته در مورد زنان سفارش می‌کرد، زنان را امانت خدا می‌خواند و می‌فرمود: زنان در نزد شما امانت خدایند، احترام آنان را نگه دارید. آری! زنان تحت حمایت پیامبر خدا، این چنین پرربال گشوده بودند، آن هم در روزگاری که غالباً می‌دانیم تا چه اندازه زن در جزیره العرب خوار و بی‌مقدار انگاشته می‌شد، دختران را زنده به گور می‌کردند و شبانه به این کار دست می‌زدند تا مبادا، همسایه از وجود دختری در خانه همسایه دیگر آگاه شود. آخر وجود دختر در آن محیط، ننگی بزرگ به شمار می‌آمد. در چنین شرایطی بود، که ناگهان زن از جای برخاست و پیشتاب و پیشگام در تحول سرنوشت ملتی عظیم شد. آیا این امر، جز نتیجه برکات تعالیم اسلام در خدا پرستی و ایمان و توکل به خدا بود؟ پس بر دولت افغانستان و در مجموع ملت مسلمان افغانستان است تا به پیروی از دین مبین اسلام و ارشادات الهی و نبوی، حقوق زنان را مراعات نمایند و فرصت آن را مساعد سازند تا زنان در عرصه‌های مختلف نقش سازنده شان را ایفا نمایند و جامعه را به سوی رفاه و ترقی رهنمون شوند.

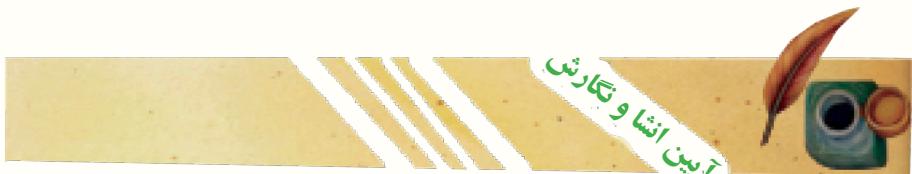


* کنوانسیون رفع هر نوع تبعیض علیه زنان در ۱۸ دسامبر ۱۹۷۹ طی قطعنامه مجمع عمومی سازمان ملل متحد به تصویب رسید و در سوم سپتامبر ۱۹۸۱ لازم الاجرا شد. مسئلهٔ تساوی زن و مرد از جهات مختلف و رفع هرگونه تبعیض بین آنان در برخورداری از مواهب زنده‌گی و حقوق اجتماعی و سیاسی در همه اسناد حقوق بشر سازمان ملل متحد، منشور ملل متحد، اعلامیه جهانی حقوق بشر، میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی، میثاق بین المللی اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و... مطرح شده و مورد تأکید قرار گرفته است.
بر اساس آخرین آمار منتشره از سوی سازمان ملل تا سال ۱۹۹۵ در حدود ۱۳۹ دولت به این کنوانسیون پیوستند و تعداد ۷ دولت آن را امضاء کرده اند، که شامل امریکا، افریقای جنوبی، سویس، لستو، افغانستان، بولیوی و ساحل عاج می‌باشند.

بیاموزیم

۱. قرآن کریم، مرد و زن را از لحاظ خلقت از یک جنس و در اصل گوهر انسانی یکی می‌داند.
۲. از نظر فضیلت و کرامت و دارا شدن ارزش‌هایی والای انسانی و مقام معنوی و توانایی کسب صفت‌های عالیه، در تعبیرات قرآن تفاوتی بین زن و مرد دیده نمی‌شود.
۳. تجربه‌های فراوان علمی نشان می‌دهد، که زنان در هیچ رشته کمبودی و کم استعدادی نشان نداده اند و اساساً استعداد و ذکاوت ربطی به جنسیت زن و مرد ندارد.
۴. قانون اساسی حق تعلیم و تربیة مساوی، حق مزد مساوی را در برابر کار مساوی و بالاخره حق رأی دهی و رأی گیری واشتراک در انتخابات ریاست جمهوری و شورا را برای زنان تثبیت نموده است.
۵. زن به مثابه یک مادر در پرورش و تربیت افراد جامعه نقش بارز و اساسی دارد و دارای حقوقی است، که برای شان محفوظ بوده و تمامی افراد جامعه مکلف اند؛ تا آن را رعایت نمایند.
۶. دین مقدس اسلام به زنان امتیازات زیادی قابل شده است و در آغاز طلوع خود، یکی از

برنامه‌های اساسی اش را بر مبنای بازستادن حقوق از دست رفته زنان قرار داد.
۷. دولت افغانستان و در مجموع مردم افغانستان باید به پیروی از دین مبین اسلام و ارشادات الهی و نبوی حقوق زنان را مراعات نمایند و فرصت آن را مساعد سازند تا زنان در عرصه‌های مختلف نقش سازنده شان را ایفا نمایند.



ارکان نگارش

فن نگارش بر ارکانی استوار است، که اگر یکی آن از نظر انداخته شود، باعث نا به سامانی در نگارش می‌گردد. همان گونه که پایه‌ها در استواری بنایی مهم شمرده می‌شود، در صورت متزلزل شدن یکی، همه آن بنا معروض به خطر انهدام و فروریختن می‌گردد، همان گونه بنای نگارش هم بر پایه‌های متن متکی است و هر رکنی از آن در جای خود حایز اهمیت بوده در استواری، رونق و روبنای کلی نگارش نقش ارزنده دارد.

ارکان نگارش در راه درک و فهم درست موضوع بسیار با ارزش است، همان گونه‌ای که هر حصه یک عمارت برای هدف خاص چهت استحکام تزیین و نمای خارجی آن مورد نظر بوده، قبلاً طرح و پیریزی می‌شود، در نگارش نیز ارکان آن پیش از آغاز نگارش به طور واضح پیریزی گردد؛ پس برای هر نویسنده لازم است که نوشته‌اش را به فصل‌های چند تقسیم نماید، همین فصل‌های که ارکان نگارش را تشکیل می‌دهند چهار است:

۱. مقدمه
۲. آغاز مطلب
۳. شرح و بسط
۴. نتیجه

کارگروهی و سخنرانی

۱. شاگردان به چند گروه تقسیم شوند و در رابطه به حقوق زن در جامعه، یک گروه از گروه دیگر پرسش‌هایی طرح نمایند.
۲. شاگردان یک یک نفر به نوبت در مورد نقش زن در خانواده سخنرانی کنند.
۳. شاگردان به دو گروه تقسیم شوند و در باره ارکان نگارش با هم بحث و گفتگو نمایند؛ سپس از هر گروه یک نفر نتیجه را به دیگران بیان کند.

املا و نگارش

۱. متنی را که توسط معلم محترم خوانده می‌شود، املا بنویسید.
۲. درباره تصویر زیر در کتابچه‌های تان متنی بنویسید.





۱. زن در جامعه دارای کدام حقوق می‌باشد؟
۲. امام غزالی در کیمیای سعادت کدام حدیث حضرت محمد ﷺ را آورده است؟
۳. حقوق زن را از نظر اسلام توضیح نمایید.
۴. قانون اساسی کشور کدام حقوق را برای زنان ثبیت کرده است؟
۵. زن در تربیت افراد جامعه چه نقشی دارد؟
۶. کنوانسیون هر نوع تبعیض علیه زنان در کدام سال به تصویب رسید؟
۷. کدام کشورها به کنوانسیون هر نوع تبعیض علیه زنان پیوستند؟
۸. فن نگارش بر کدام ارکان استوار است؟
۹. در نظر گرفتن کدام نکات مهم ما را کمک می‌کند، که در نگارش دارای سبک شویم؟



۱. در مورد هشتم مارچ، روز بین المللی زن معلومات تان را بنگارید.
۲. بیت زیر را حفظ کنید:
شیرین نشد چو زحمت مادر وظیفه‌یی
فرخنده تر ندیدم از این هیچ دفتری
پروین اعتماصی
۳. متن کامل درس بعدی را خوانده و برای معرفی آن در روز آینده آماده‌گی بگیرید.

درس امروز توسط یک تن از شاگردان طوری معرفی شود که تشریحاتش جوابگوی

پرسش‌های زیر باشد:

۱. شعر کوشش و کامیابی از کیست؟

۲. این شعر در بر گیرنده کدام موضوع است؟

۳. پیام اصلی این درس چیست؟

در پایان معرفی، همین پرسش‌ها از چند شاگرد دیگر پرسیده شود.

کوشش و کامیابی

در فروبسته است و بر در قفل‌ها
هست مفتاحی برین قفل و حجاب
بی طلب نان سنت الله نیست
پر مردم همت است، ای مردمان
چونکه صیدش موش باشد، شد حقیر
او سر باز است منگر در کلاه
که طلب در راه نیکو رهبر است
بنگر اندر عشق و بر مطلوب خویش
بنگر اندر همت خود، ای شریف
هر که جدی کرد، در جدی رسید
مکسبی کن، یاری یاری بکن
یاری یاران دیگر می‌دهد
هر کسی کاری گزیند زافتقار
راه سنت کار و مکسب کرد نیست
می‌رباید بار را از دیگران
اینچین است اجتهاد کار بین
تلخها هم پیشوای نعمت است
آن جزای کارزار و محنتی است

هر که را دیدی به زر و سیم فرد
دان که اندر کسب کردن صبر کرد

مثنوی - مولانا

گفت پیغمبر که: بر رزق ای فتی
جنبیش و آمد شد ما اکتساب
بی کلید این در کشادن راه نیست
مرغ را پر می‌برد تا آشیان
باز اگر باشد سپید و بی نظیر
ور بود جندی و میل او به شاه
در طلب زن دایما تو هردو دست
منگر اندر نقش زشت و خوب خویش
منگر این را که حقیری یا ضعیف
هر که رنجی برد، گنجی شد پدید
دست داده سنت خدا، کاری بکن
هر که او در مکسبی پا می‌نهد
چون به انباییست عالم بر قرار
طلب خواری در میانه شرط نیست
میدود حمال زی بار گران
جنگ حمالان برای بار بین
چون گرانی‌ها اساس راحت است
هر که در قصری قرین دولتی است

توضیحات

* مثنوی معنوی: یکی از بزرگترین آثار ادبی جهان و متنضم بیست و هفت هزار بیت و دارای شش دفتر است. مثنوی معنوی نه تنها بزرگترین محصول اشعار و بهترین آینه افکار جلال الدین محمد بلخی می باشد؛ بلکه کاملترین دیوان تصوف زبان دری به شمار می رود؛ همچنان یکی از عالیترین شاهکارهای نبوغ و الهام بشر بوده روح عمیق، حرارت و شور، زیبایی، تعلیمات اخلاقی و آهنگ روحناز، آن را از با ارزشترین کتاب‌ها ساخته است.

مثنوی حکایت‌های مسلسل منظومی دارد که مولانا با ذکر آن‌ها نتایج دینی عرفانی را به زبان ساده و از راه تمثیل و حوادث روز بیان می‌کند و به این ترتیب بسیاری از آیات قران کریم، احادیث نبوی و اخبار را به سبک عرفانی شرح و بیان می‌نماید.

* مولانا جلال الدین محمد بلخی: فرزند سلطان العلما بهاء الدین محمد بن حسین خطیبی بکری، بزرگترین شاعر عارف زبان دری است. وی در سال ۶۰۴ هجری در بلخ تولد یافت. در سال ۶۱۷ هـ. ق. با خانواده‌اش از بلخ مهاجر شد، نخست به هرات سپس به نیشاپور و از آن جا به مکه و بالآخره به دعوت سلطان علاء الدین کیقباد دوازدهمین پادشاه سلجوقی به قونیه مرکز حکومت او رفت.

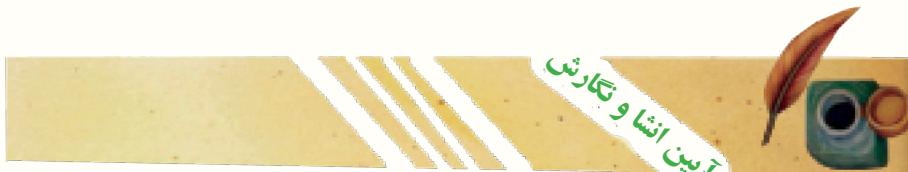
جلال الدین تحصیلات خود را نزد پدر آغاز کرد. پس از وفات پدرش از مجالس درس سید برهان الدین محقق ترمذی که از شاگردان پدرش بود کسب فیض نمود. نه سال از وی ارشاد گرفت. آنگاه به حلب و دمشق و سایر شهرهای سوریه سفر کرد و در آن جا اقامت گزید و اخذ معرفت و در ک مجلس اصحاب طریقت نمود؛ سپس به قونیه برگشت و به تدریس مشغول شد.

مولانا روزی بر حسب اتفاق با شمس الدین علی بن ملک داد تبریزی بر خورد و این ملاقات در زنده‌گی وی تأثیر بزرگی داشت. حال مولانا دگرگون شده، ترک مدرسه کرد و پس از ریاضت‌ها در عالم عرفان به مقام بلندی رسید. وی در سال ۶۷۲ هجری در قونیه وفات نمود.

* شمس تبریزی صوفی شوریده Hallی بود که سجیه متباز، جاذبه بزرگ و بیان مؤثر داشت و با اهل ریاضت و درویشان و عارفان الفت مینمود. در حدود ۶۴۲ هـ. ق. به سراغ مولانا آمد و او را شیفتۀ خود ساخت.

بیاموزیم

۱. انسان در اثر سعی و کوشش می‌تواند به قله‌های موفقیت و کامیابی برسد.
۲. همان‌گونه که پرنده توسط بالهایش به بلندی‌ها می‌رسد؛ انسان هم به وسیلهٔ همت خود می‌تواند به مقام بلند دست یابد.
۳. تا کسی رنج نبرد و زحمت نکشد به آسوده‌گی و راحت نمی‌رسد.
۴. انسان باید همواره برای رسیدن به هدف در جستجو و تلاش باشد.
۵. در حقیقت مشکلات اساس راحت بوده و همین مشکلات به ذات خود نعمت است که انسان را در مقابله با دشواری‌ها کمک می‌کند.
۶. کسی که به مقام و منزلت بالایی رسیده است؛ حتماً حاصل کار و زحمتکشی او بوده است.



۱. مقدمه: مقدمه باید مختصر و مربوط به موضوع مورد نظر بوده، با سایر مطالب نگارش پیوند داشته باشد؛ پس همین مقدمه است که خواننده را از خواندن منصرف می‌سازد، یا به خواندن وا می‌دارد که نوشه را تا آخر بخواند، پس مقدمه ما باید طوری باشد که خواننده را به درون متن بکشاند و این وابسته‌گی به چگونگی استعمال و کاربرد کلمه‌ها دارد. مقدمه رسا و جامع نوشته را وزین تر می‌سازد.

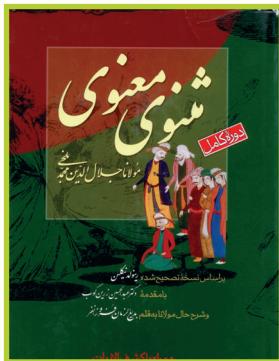
مقدمه را کوتاه بنویسیم چنان که با مطلب پیوند منطقی داشته باشد. در حقیقت فشرده مطلب را در مقدمه ذکر کنیم؛ ولی نباید مطلب کلی را در مقدمه بیاوریم، که از جزالت و زیبایی نوشتۀ ما بکاهد.

کارگروهی و سخنرانی

۱. شاگردان به سه گروه تقسیم شوند؛ سپس هر گروه در بارهٔ کوشش و کامیابی با هم گفتگو نموده و از هر گروه یک نفر نتیجه را به دیگران بیان نماید.
۲. چند شاگرد به نوبت در بارهٔ این که از کدام راه‌ها می‌توان به کامیابی دست یافت؟ در مقابل صنف سخنرانی نمایند.
۳. در دسته‌های پنج نفری در بارهٔ نوشتن مقدمه متن با هم گفتگو نموده، نماینده هر دسته خلاصه مطلب را برای دیگران بیان نماید.
۴. شاگردان نظر به شوق و علاقهٔ شان به طور داوطلبانه در بارهٔ مولانا معلومات بدھند.

املا و نگارش

۱. متنی را که توسط معلم گرامی خوانده می‌شود املا بنویسید.
۲. در مورد تصویر زیر معلوماتی بنویسید که از هفت سطر کم نباشد.



۱. انسان چگونه می‌تواند در زندگی کامیاب و موفق باشد؟
۲. در مکتب چگونه می‌توانید موفق باشید؟ نظر خود را بنویسید.
۳. سعی و تلاش پیام آور چیست؟
۴. مفهوم اساسی شعر خوانده شده را بیان نمایید.
۵. مولانا جلال الدین محمد بلخی کی بود؟
۶. مثنوی اثر کیست؟
۷. در نوشتن مقدمه یک مطلب کدام نکته‌ها را باید در نظر داشت؟
۸. این بیت را تحلیل نمایید:

هر که رنجی بُرد، گنجی شد پدید

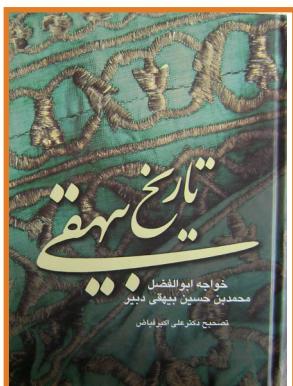
هر که جَدِی کرد، در جَدِی رسید



۱. شعر کوشش و کامیابی را که خواندید به نثر تبدیل نمایید.
۲. بیت زیر را حفظ نمایید:
چون گرانی‌ها اساس راحت است تلخ‌ها هم پیشوای نعمت است
۳. متن کامل درس بعدی را خوانده و برای معرفی آن در روز آینده آماده‌گی بگیرید.

- درس امروز توسط یک تن از شاگردان طوری معرفی شود، که تشریفاتش جوابگوی پرسش‌های زیر باشد:
۱. ابوالفضل بیهقی کی بود؟
 ۲. بیهقی در کدام عصر می‌زیست؟
 ۳. او چه کارهایی را انجام داد؟
 ۴. او در کجا و در کدام سال وفات یافت؟
 ۵. تاریخ بیهقی چگونه اثر است؟
- در پایان معرفی، همین پرسش‌ها از چند شاگرد دیگر پرسیده شود.

ابوالفضل بیهقی



ابوالفضل محمد بن حسین بیهقی از ناحیه بیهق خراسان بود. ولادتش در سال ۳۸۵ هجری در حارت آباد بیهق اتفاق افتاد. او اوایل عمر را در نیشاپور به تحصیل علم گذرانید و بعد از کسب تحصیل به دیوان رسایل سلطان محمود غزنوی راه جست و زیردست ابو نصر مشکان به کار پرداخت. بعد از مرگ استادش زیر دست «ابوسهّل زوزنی» صاحب دیوان رسایل مسعود به کار اشتغال داشت و معلوم است، که در عهد مودود و عبدالرشید جانشینان مسعود خدمت می‌کرد. گویا در عهد این پادشاه به صاحب دیوانی رسید و پس از چندی به زندان افتاد و بعد از رهایی از زندان میل به انزوا کرد و در سال ۴۷۰ هجری در غزنی وفات یافت.

اثر معروف ابوالفضل بیهقی تاریخ مشهورش در شرح سلطنت آل ناصر یا آل سبگتگین بود در سی جلد که اکنون قسمتی از آن در باره سلطنت مسعود بن محمود و تاریخ خوارزم، از زوال دولت خوارزمشاهان آل مأمون تا غلبه سلجوقی‌ها در دست است. وی کتابی دیگر به نام زينة الكتاب در آداب کتابت داشت.

تاریخ بیهقی از جمله کتب معتبر دری است، که چه از نظر اطلاعات تاریخی و چه از حیث انشای فصیح و بلیغ و استادانه خود مشهور می‌باشد و به همین سبب چندین بار چاپ گردیده است. اینک متنی از آن را به طور نمونه می‌خوانیم:

حکایتی از نصر بن احمد سامانی

چنان خواندم در اخبار سامانیان که نصر بن احمد سامانی هشت ساله بود، که از پدر بماند. احمد را به شکار گاه بکشتند، و دیگر روز آن کودک را بر تخت ملک بنشانند به جای پدر. آن شیر بچه ملک زاده‌بی سخت نیکو برآمد و بر همه آداب ملوک سوار شد و بی همتا آمد؛ اما در وی شرارتی و زعارتی و سطوتی و حشمتی به افراط بود و فرمان‌ها عظیم می‌داد از سر خشم، تا مردم از وی در رمیدند و با این همه به خرد رجوع کردی و می‌دانست که آن اخلاق سخت ناپسندیده است.

یک روز خلوتی کرد با بلعمی که بزرگتر وزیر وی بود و ابو طیب مصعبی صاحب دیوان رسالت و هر دو یگانه روز گار بودند در همه ادوات فضل و حال خویشن به تمامی ایشان براند و گفت من می‌دانم این که از من می‌رود خطای بزرگ است و لیکن با خشم خویش برنیایم، و چون آتش خشم بنشست پشیمان می‌شوم. چه سود دارد که گردن‌ها زده باشند و خانمان‌ها بکنده و چوب بی اندازه به کار برده تدبیر این کار چیست؟

ایشان گفتند مگر صواب آن است که خداوند ندیمان خردمندتر ایستادند پیش خویش، که در ایشان با خرد تمام که دارند رحمت و حلم باشد، و دستوری دهد ایشان را تا بی حشمت، چون که خداوند در خشم شود، با افراط شفاعت کنند و به تلطیف آن خشم را بنشانند و چون نیکویی فرماید آن چیز را در چشم وی بیارایند تا زیادت فرماید. نصر احمد را این اشارت سخت خوش آمد و گفت ایشان را بپسندید و گفت من چیزی دیگر برین پیوندم تا کار تمام شود و سخت سوگند خورم که هر چه من در خشم فرمان دهم تا سه روز آن را امضا نکنند تا در این مدت آتش خشم من سرد شده باشد. آنگاه فرمود و گفت باز گردید و طلب کنید در مملکت من خردمند تر مردمان را و چندان که یافته آید به درگاه آرید، تا آن چه فرمودنی است بفرمایم. هفتاد و اند تن را به بخارا آوردند، که رسمي و خاندانی و نعمتی داشتند و از میان شان سه پیر خردمندتر فاضلتر و روزگار دیده تر را پیش احمد آوردند و احمد راز خویش با ایشان بگفت سوگندان سخت گران نسخت کرد به خط خویش و بر زبان براند و ایشان را دستوری داد به شفاعت کردن در هر بابی و سخن فراختر به گفتن. یک سال برین برآمد، نصر حتف قیس دیگر شده بود به حلم، چنان که بدوم مثل زند و اخلاق نا ستوده به یکبار از وی دور شده بود.

توضیحات

- * نصر احمد سامانی سومین پادشاه سامانی از سال ۳۰۱ تا ۳۳۱ هـ. ق. پادشاهی کرد.
- * بلعمی وزیر نصر بن احمد سامانی بود نام مکمل او ابوالفضل محمد بن عبدالله بلعمی است.
- * ابوطیب مصعبی شاعر معروف دوره سامانی به شمار می‌رود.
- * مراد احنف بن قیس تمیمی است، که در میان عرب به برداری و عقل مشهور بود.

بیاموزیم

۱. ابوالفضل محمد بن حسین بیهقی در سال ۳۸۵ هـ. ق. در حارث آباد بیهق خراسان به دنیا آمد.
۲. بیهقی اوایل عمر را در نیشاپور به تحصیل علم گذرانید و بعد از کسب فضایل به دیوان رسایل سلطان محمود غزنوی راه یافت.
۳. اثر معروف ابوالفضل بیهقی تاریخ مشهورش در شرح سلطنت آل ناصر یا آل سبکتگین در سی جلد می‌باشد.



۲. چگونه متن را آغاز کنیم؟

پس از مقدمه نگارنده باید شروع به مطلب و موضوع نماید. آغاز مطلب باید چنان باشد که از مقدمه جدایی نگیرد. در قسمت موضوع هم نکاتی است که عمد و اساسی بوده اصل و ریشه موضوع را تشکیل می‌دهد و مطالبی هم وجود دارد که در فرع می‌آید. از اینرو نویسنده باید موضوعات اصلی و فرعی را دسته بندی کرده آن‌هایی که شرح مطلب اند؛ در قسمت سوم نوشته خود توضیح کرده، در صورت امکان مثال‌هایی برای بیان مقصد بیاورد.

در آغاز متن چند نکته را در نظر داشته باشید:

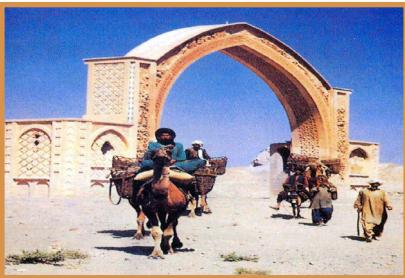
۱. عنوان جالب به موضوع انتخاب کنید؛ مثلاً: جنایت بشر، دروغ شاخدار، بزرگترین راه...
۲. جمله را با یک سؤال آغاز کنید؛ مثلاً: آیا می‌خواهید از عهدۀ نگارش مطالب براید؟
۳. در جمله اول ادعای عجیب را بیاورید؛ مثلاً: بشر به آسمان‌ها پرواز می‌کند.
۴. یک فکاهی یا حکایتی کوچک جالب و خنده‌آور را بیاورید.
۵. به یک ضربالمثل یا گفتار بزرگان یا سخن معروفی اشاره کنید.
۶. با یک بیت موضوع را آغاز کنید.

کارگروهی و سخنرانی

۱. شاگردان دو نفر در باره شخصیت ابوالفضل بیهقی با هم گفتگو نمایند.
۲. شاگردان به دو گروه تقسیم شوند؛ سپس هرگروه در باره ارزش تاریخ بیهقی باهم تبادل نظر نموده، نماینده هر گروه نتیجه بحث شان را به دیگران بیان نماید.
۳. شاگردانی که در مورد تاریخ نویسی معلومات بیشتر دارند، سخنرانی نمایند.

املا و نگارش

۱. متنی را که توسط معلم محترم خوانده می‌شود، املا بنویسید.
۲. راجع به تصویر زیر با درنظر داشت قواعد نگارش که خواندید، یک متن ادبی بنویسید.



۱. بیهقی را معرفی کنید.
۲. آثار بیهقی را نام برد، بگویید که تاریخ بیهقی دربرگیرنده کدام موضوعات می‌باشد؟
۳. مفهوم حکایتی را که از تاریخ بیهقی خواندید به زبان ساده بیان نماید.
۴. در نگارش آغاز یک متن، کدام نکات مهم را در نظر بگیریم؟



۱. دو تن از تاریخ‌نگاران معاصر کشور را در کتابچه خود معرفی نموده، روز آینده در صنف قرائت نمایید.

۲. بیت‌های زیر را حفظ کنید:

در خود آن بد را نمی‌بینی عیان
ور نه دشمن بوده ای خود را به جان
این خبر از پیمبر می‌آورند
مؤمنان آیینه همدیگر اند
مولانا جلال الدین محمد بلخی

۳. متن درس بعدی را خوانده و برای معرفی آن روز آینده، آماده‌گی بگیرید.

- درس امروز توسط یک تن از شاگردان طوری معرفی شود، که تشریحاتش جوابگوی پرسش‌های زیر باشد:
۱. موزیم ملی برای اولین بار در کدام سال، در کجا و برای چه تأسیس شد؟
 ۲. در موزیم کدام چیزها نگهداری می‌گردد؟
 ۳. در اولین قانون اساسی کشور کدام کار مهم در رابطه به حفظ آثار تاریخی صورت گرفت؟
 ۴. افغانستان چه وقت عضویت یونسکو را حاصل نمود و دیگر در کدام ولایات موزیم ایجاد گردید؟
 ۵. جایزه شهرزاده کلاوس را کی و برای چه بدست آورد؟
- در پایان معرفی، همین پرسش‌ها از چند شاگرد دیگر پرسیده شود:

موزیم ملی



موزیم ملی افغانستان برای اولین بار در سال ۱۲۹۷ هجری خورشیدی در منطقه باغ بالای کابل، برای نگهداری آثار تاریخی تأسیس شد. در سال‌های اولیه تأسیس این موزیم که در آن دوران «عجایب‌خانه» نام داشت، فقط بعضی از آثار تاریخی مثل نسخه‌های خطی قرآن کریم، صنایع دستی، آثار برجای مانده از جنگ‌های دوران حصول استقلال و بعضی کتاب‌های نایاب در آن نگهداری می‌شد.

در ۲۵ عقرب سال ۱۳۰۳ هجری خورشیدی، موزیم ملی افغانستان از باغ بالا به ارگ کابل منتقل شد و به شکل رسمی توسط امان الله خان افتتاح گردید. در اولین قانون اساسی افغانستان که در زمان امان الله خان به تصویب رسید، یک ماده مفصل بر حفريات و حفظ آثار تاریخی و تشکیل محلی برای نگهداری آثار تاریخی کشور اختصاص داده شد. بر اساس این قانون، مقرر شد که «شعبه حفريات و موزه» زیر نظر وزارت معارف فعالیت کند. از مهمترین کارهای این شعبه، کشف آثار تاریخی، حراست از این آثار و انتقال آن‌ها

به موزیم ملی بود.

محمد علی کهزاد مؤرخ و باستان شناس افغان یکی از کسانی بود، که در کنار کاوشگران خارجی به جستجوی آثار تاریخی می‌پرداخت. کشف برخی موارض و آثار تاریخی افغانستان مرهون تلاش‌های او بوده است.

عضویت در یونسکو

در دوره حکومت محمد ظاهر شاه، افغانستان به عضویت سازمان علمی، آموزشی و فرهنگی ملل متحدیونسکو پذیرفته شد. با توجه به این که سرزمین افغانستان از نظر تاریخی مهم و دست نخورده باقی مانده بود، توجه کاوشگران کشورهای مختلف به سوی این کشور جلب شد. در این دوران، بعضی از آثار تاریخی موزیم ملی در فهرست آثار تاریخی یونسکو به ثبت رسید و کاوشگرانی از فرانسه، ایتالیا، آلمان و شوروی سابق، برای کشف آثار تاریخی افغانستان به کشور مأمدند.

در زمان حکومت سردار محمد داود خان و با کشف آثار مهم تاریخی که هر روزه از دل خاک بیرون کشیده می‌شد و به موزیم ملی در کابل منتقل می‌گردید، این موزیم به یکی از گنجینه‌های مهم منطقه تبدیل شد. از ویژه‌گی‌های مهم موزیم ملی افغانستان این بود که تمام آثار به نمایش گذاشته شده در آن، از داخل کشور کشف گردیده بود.

آثار موزیم

برجسته کاری‌های مرمرین بودایی، عاج هندی، آثار سنگی متعلق به ماقبل تاریخ، برنزهای رومی، مسکوکات دوره‌های مختلف، مجسمه‌های قبل از میلاد، بخشی از آثار موزیم ملی را تشکیل می‌دهد.

آثار تاریخی از دوران صدر اسلام نیز بخش دیگری از موزیم را تشییکل می‌داد، که از مهم ترین این آثار می‌توان به قرآن کریم به خط کوفی منسوب به قلم حضرت عثمان بن عفان حَفَظَ اللَّهُ عَنْهُ خلیفه سوم اسلام، آیاتی از قرآن مجید منسوب به خط حضرت امام حسن و نیز به قرآن کریم خط کوفی که در سال‌های ۱۳۳۴ ه. ش. در شهر «غلغله» کشف شده بود اشاره کرد.

از مهمترین آثار هنری دیگر موزیم ملی افغانستان می‌توان به آثار میناتوری از استاد

کمال الدین بهزاد اشاره کرد.

با توجه به کثرت آثار کشف شده، علاوه بر کابل در شهرهای هرات، میمنه، غزنی، بلخ و قندهار نیز چند موزیم به وجود آمد، که موزیم هرات با بیش از ۴۰۰۰ اثر تاریخی، بیشترین آثار را در خود جای داده بود.

عمراخان مسعودی از مسؤولان موزیم کابل با چند تن از همکارانش توانست که با تلاش مسلکی و وطن‌دوستانه خود در دوران جنگ‌های تحملی بیش از بیست هزار اثر موزیم را به جاهای امن منتقل کرد، تا از بین نرود.

وی در سال ۱۳۸۴ خورشیدی جایزة جهانی «شاهزاده کلاوس» هالند را به خاطر نجات آثار موزیم افغانستان دریافت کرد. وی نهمین دریافت کننده جایزة شاهزاده کلاوس به شمار می‌رود.

موزیم ملی افغانستان اکنون در دارالامان قرار دارد که تا سال ۱۳۷۱ هـ ش. نزدیک به ۱۰۰ هزار اثر تاریخی را در خود جای داده و یکی از جاذبه‌های توریستی مهم افغانستان به حساب می‌آمد. در ساختمان بازسازی شده موزیم ملی افغانستان اکنون نزدیک به ۴۰ هزار اثر قرار دارد که در میان آن‌ها آثار برجای مانده از دوره‌های یونان- باختری، کوشانیان و دوره اسلامی به چشم می‌خورد.

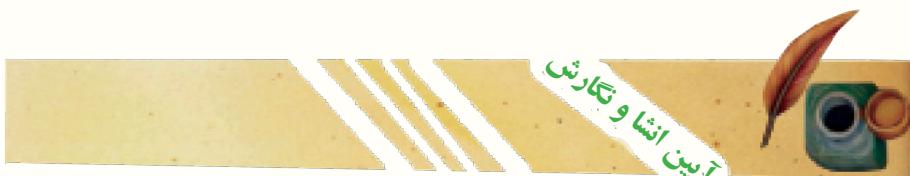
مجسمه‌های بودا و کتیبه سرخ کوتل از مهمترین آثار موجود، در موزیم ملی افغانستان است که توجه هر بیننده‌یی را به خود جلب می‌کند. کار بازسازی این موزیم با هزینه ۳۵۰ هزار دالر در سال ۲۰۰۳ میلادی آغاز شد و یک سال بعد به پایان رسید.



* موزیم از کلمه یونانی ((mousein)) موزیون گرفته شده، در ابتدا برای معابد یونانیان به کار برده می‌شد؛ اما با گذشت زمان برای مکان یا محلی که در آن آثار مقدس و گران‌بها نگهداری می‌شد به کار می‌رفت؛ ولی اکنون موزیم، محل و یا جایی را گویند که در آن آثار تاریخی و باستانی خیلی با ارزش که نمایانگر تاریخ و فرهنگ جامعه بوده و مربوط ادوار مختلف تاریخ یک کشور می‌باشد؛ جهت حفظ و نگهداری در آن جا گذاشته می‌شود تا از خطر ضایع شدن مصون باشد.

بیاموزیم

۱. موزیم ملی افغانستان برای اولین بار در سال ۱۲۹۷ ه. ش. در منطقه باع بالای کابل، برای نگهداری آثار تاریخی تأسیس شد.
۲. در دوره حکومت محمد ظاهر شاه، افغانستان عضویت سازمان علمی، آموزشی و فرهنگی یونسکو را حاصل کرد و بعضی از آثار تاریخی موزیم ملی در فهرست آثار تاریخی یونسکو به ثبت رسید.
۳. برجسته کاری‌های مرمرین بودایی، عاج هندی، آثار سنگی متعلق به ماقبل تاریخ، برنزهای رومی، مسکوکات دوره‌های مختلف، مجسمه‌های قبل از میلاد، بخشی از آثار موزیم ملی را تشکیل می‌دهد.
۴. با توجه به کثیر آثار کشف شده، علاوه بر کابل در شهرهای هرات، میمنه، غزنی، بلخ و قندهار نیز چند موزیم به وجود آمد که موزیم هرات بیش از ۴۰۰۰ اثر تاریخی را در خود جای داد.



۳. شرح و بسط موضوع

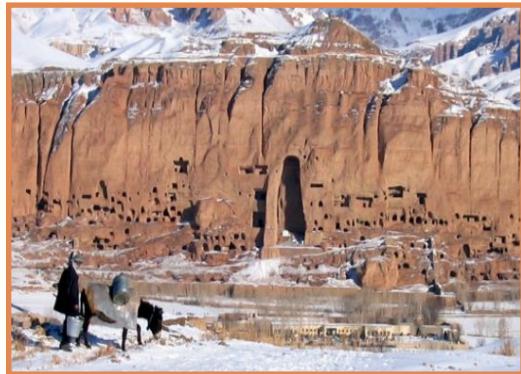
شرح و بسط مهمترین و اساسی ترین قسمت نگارش به حساب می‌آید. واضح است که مخلوط کردن این عناصر در نگارش ناپسند بوده از زیبایی مطلب می‌کاهد. در درس گذشته در بخش آرین انشا و نگارش خواندیم که نکات و مفاهیم اساسی مطلب که به شرح و بسط کافی ضرورت دارد، باید توسط نویسنده، موضوعات اصلی و فرعی دسته‌بندی گردیده موضوعاتی که قابل شرح اند؛ توضیح شوند، در صورت امکان مثال‌هایی برای بیان مقصود آورده شود. مطلبی که بیان می‌گردد، باید با ارائه دلایل منطقی به صورت روشن و آشکار توضیح داده شود تا خواننده، مقصود و پیام موضوع را به آسانی دریابد و به مشکل مواجه نگردد. شرح مطالب آنقدر هم زیاد و طولانی نباشد که باعث ملال خاطر خواننده گردد. نویسنده بعد از توضیح مطلب با مهارت خاص موضوعی را که گسترده است با یک ارتباط دقیق، موضوعات را جمع بندی نموده به یک نتیجه‌گیری کلی از بحث برسد.

کار گروهی و سخنرانی

۱. شاگردان به دو گروه تقسیم شوند و در باره اهمیت موزیم ملی کشور با هم گفتگو نمایند.
۲. چند تن از شاگردان در مورد مسؤولیت‌های دولت و مردم برای حفاظت آثار تاریخی و جلوگیری از قاچاق آن سخنرانی کنند.

املا و نگارش

۱. متنی را که توسط معلم محترم خوانده می‌شود، املا بنویسید.
۲. در مورد تصویر زیر با استفاده از قواعد نگارش که خواندید متنی بنویسید و شرح و بسط موضوع را در آن نشان دهید.





۱. موزیم از کدام کلمه گرفته شده و به کدام مفاهیم به کار رفته است؟
۲. در مورد تأسیس موزیم ملی کشور چه می‌دانید؟
۳. کدام آثار در موزیم نگهداری می‌گردد؟
۴. عمران خان مسعودی کیست و چه کار مهم را انجام داده است؟
۵. امروز چقدر از آثار تاریخی در موزیم ملی باقی مانده است و مربوط کدام دوره هاست؟
۶. در نگارش یک مطلب شرح و بسط موضوع چقدر مهم پنداشته می‌شود؟



۱. در باره اهمیت آثار تاریخی نظریات تان را بنویسید.
۲. بیت‌های زیر را حفظ نمایید:

بر سپهر او برد، روانت را	علم بال است مرغ جانت را
سر بی علم بد گمان باشد	علم دل را به جای جان باشد
مرد نادان ز مردمی دور است	دل بی علم چشم بی نور است
اوحدي مراغه يي	
۳. متن کامل درس بعدی را خوانده و برای معرفی آن در روز آینده آماده‌گی بگیرید.

درس امروز توسط یک تن از شاگردان طوری معرفی شود، که تشریحاتش جوابگوی

پرسش‌های زیر باشد:

۱. متن درس در بر گیرنده خاطره کدام شخص است؟

۲. از بین متن کدام مشکلات معلومین را در جامعه در می‌باییم؟

۳. برخورد نادرست مردم را با معلومین چگونه ارزیابی می‌کنید؟

۴. از لابلای درس کدام نکات مهم و با ارزش اخلاقی را می‌باید؟

در پایان معرفی، پرسش‌ها از چند شاگرد دیگر پرسیده شود.

من هم مانند شما هستم



من هم مانند شما یک انسان استم. هم غم را می‌شناسم و هم خوشی را می‌دانم که چیست؟ من هم مثل شما می‌دانم، که چه خوب و چه بد است. فرق افرادی مثل من و شما انسان‌هایی که از سلامت کامل برخوردارید، فقط در این است که ما به دلایل گوناگون یکی از اعضای بدن خود را از دست داده ایم و به نام معلول شناخته می‌شویم. بعضی افراد مانند من در اول انسان‌هایی سالمی بودند؛ ولی اکنون بر اثر عوامل ناخواسته درد معلول بودن را تحمل می‌کنند.

پس ای انسان‌هایی که در سلامتی قرار دارید، به خصوص آنانی که عیب معلول بودن ما را بسیار ظالمانه به رخ ما می‌کشید و ما را می‌آزارید، بدانید که ما شما را دوست داریم و می‌توانیم مثل شما در پیشرفت جامعه به نحوی سهم بگیریم.

ای انسان‌های سالم، آیا شما گاهی فکر کرده اید که چرا عده‌یی می‌کوشند معلولیت ما را به رخ بکشند؟ آیا خود شما از این جمله بوده اید؟ یا اینکه اگر خود چنین نبوده اید؛ اما در برابر این چنین عمل غیر اخلاقی بی تفاوت بوده، هرگز برای اصلاح این روحیه تلاش و اعتراض نکرده اید؟

دوستان من، اجازه دهید خاطره خود را برای تان بنویسم. این خاطره هم تلخ است و هم شیرین. هم در آن نا امیدی را راه است و هم امید را سهمی.

«روزی در خانه‌یی مهمان شدیم. تصادفاً در جمع مهمانان، ما دو نفر معلول بودیم. صاحب خانه با مهربانی از ما استقبال کرد. مهمانان پیوسته می‌آمدند؛ اما هر کسی که از راه می‌رسید، اولین نگاهش ما را نشانه می‌گرفت؛ البته نباید بی انصاف بود و هر نگاه را نشان تحقیر و اهانت دانست. بعضی از مهمانان با ترحم بما می‌دیدند؛ اما بسیاری بدون آن که چیزی بر زبان بیاورند از حضور ما دلشاد نبودند.

مهمنانی آغاز شده بود؛ اما به جز صاحب خانه که گاهی از ما خبری می‌گرفت، همه مهمانان در حلقه‌های خود نشسته بودند. فقط ما دو نفر که هر دو معلول بودیم، مجبور شدیم سر صحبت را بین خود بگشاییم. در این هنگام پیرمردی با موهای سفید وارد محفل شد. همه به احترام او برخاستند. او در حالی که با سر سلام همه را علیک می‌گفت؛ از کنار همه گذشته و مستقیم به سوی ما آمد. در چوکی خالی کنار ما نشست و با ما دست داد. چند دقیقه نگذشته بود، که دو سه مهمان دیگر وارد خانه شدند، یکی از مهمانان که می‌خواست ما صدایش را نشنویم به آن‌ها گفت: بیایید در پهلوی این‌ها منشینید.

پیرمرد وقتی این سخن را شنید، خطاب به آن مرد با صدای آرام گفت: برادر عزیز، من و تو هم اگر به حادثه‌یی گرفتار آییم امکان دارد به این مشکل مواجه شویم؛ مگر ما انسان‌ها را به خاطر دست و پای و چشم شان احترام می‌گذاریم یا به خاطر فکر و انسانیت شان؟ ما همه انسان هستیم و کرامت انسان مهمتر از همه چیز می‌باشد.

مهمنانی که آن حرف را زده بود از گفته خود خجل شده و ساكت گردید. پیرمرد با صدای بلند در حالی که تمام حاضران را مورد خطاب قرار داده بود گفت: خواهران و برادران گرامی که در این مهمانی حضور دارید، بیایید از همینجا درس بگیریم. باید انسانی که به هر دلیلی معلول شده است، چرا معلول بودنش بر جسته شده و تمام عمر از آن رنج بکشد؟ انسان‌های معلول از نظر حقوق انسانی و احترام اجتماعی نه تنها که هیچ کمی ندارند؛ بلکه اراده و کار بعضی از آن‌ها نشان می‌دهد، که نسبت به بسیاری از انسان‌های سالم به جامعه و اطرافیان خود بیشتر مقید واقع گشته اند.

کسی که معلوماتی یک شخص را به رخش می‌کشد و عوض خطاب آن انسان به نام و یا حرفة و مهارت او، با عیب جسمی طبیعی و یا عیبی که از حادثه‌یی پیدا کرده، صدایش می‌کند در حقیقت خود از نظر اخلاقی معیوب و معلول است.

مهمنان گفته‌های پیر مرد روش ضمیر را مورد تصدیق قرار می‌دادند. یکی از مهمانان که خانم جوانی بود، خطاب به پیرمرد گفت: «پدر محترم من به یاد ندارم، که در زندگی کدام انسان را به خاطر معلول بودنش مورد توهین قرار داده باشم و از این جهت خود را در کمال آرامش وجودان حس می‌کنم.»

پیر مرد در جوابش گفت: «بلی دختر عزیزم! تو انسان بسیار خوبی هستی؛ اما با وجود آن این کار تو کافی نیست. هر انسان نه تنها به معلولین توهین نکند؛ بلکه بکوشد به دیگران نیز بفهماند که اهانت به معلولین اهانت به انسانیت است. کسی که خود توهین نمی‌کند؛ اما در برابر توهین دیگران به معلولین بی تفاوت می‌ماند و بدان اعتراض نمی‌کند، خواسته یا نخواسته در آن گناه شریک می‌گردد. برای ما دین مقدس اسلام و قوانین انسانی آموخته است که همه انسان‌ها را از نظر کرامت انسانی یکسان پنداشته به کمک هر انسان نیازمند بدون چشمداشت پاداشی بستابیم.»

بلی چنین بود که صحبت‌های آن پیرمرد بر مهمانان تأثیر گذاشته در پایان مهمانی، ما خود را با دیگران یکجا یافتیم. این خاطره که با اندوه شروع شده بود. با خوشحالی برای من باقیمانده است.

فاروق فارانی

توضیحات

* متنی را که خواندید، یک متن تحلیلی و در عین حال آموزشی و تربیتی است. ضرورت پاکسازی فکری، اخلاقی و معنوی جامعه مطالبی را طلب می‌کند، که آنرا به نام تحلیل موضوعات فرهنگی، اجتماعی و اخلاقی یاد می‌کنند. این نوع بحث‌ها را فلسفه عملی نیز مینامند که همان مبحث اخلاقی را در بر می‌گیرد.

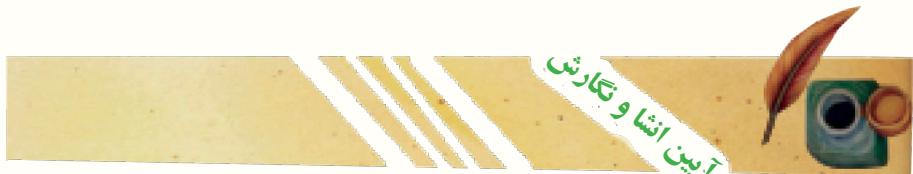
اجزای تحلیل بحث اخلاق و پرداختن به مشکل معلولین در جامعه در طی این نوشه معرفی گردید و از سوی دیگر باید بدانیم که خاطره و خاطره‌نویسی بخشی از ادبیات داستانی می‌باشد و هر داستان دارای مقدمه، طرح موضوع، حل مشکل و نتیجه‌گیری می‌باشد، که در این داستان طرح مسأله، خاطرة خاص یک معلول بود، پرورش داستانی موضوع، طرح، حل مشکل و نتیجه‌گیری از موضوع معلولین به عنوان یک مشکل سراسری انسانی صورت گرفت و دریافتیم که معلولین در جامعه مانند سایر انسان‌ها حق کامل دارند؛ نباید به آن‌ها صرف ترحم نماییم؛ چرا که انسان‌ها همه نه به خاطر اعضا وجود شان؛ بلکه بر پایه اندیشه و کرامت انسانی خود محترم اند. پس چرا یک عدد از انسان‌های ناآگاه با معلولین آن طوری که شایسته شان است بر خورد نمی‌کنند؟

ما باید توجه جدی داشته باشیم که به برخورد ناشایسته با معلولین نپرداخته و مهمتر از

آن مانع شویم که انسان‌های معلول از جانب کسان دیگری مورد توهین قرار نگیرند و بدانیم که مشکل معلولین در جامعه تنها به خود شان مربوط نبوده؛ بلکه این مشکل مربوط تمام جامعه انسانیست. ما منحیت یک انسان وظیفه داریم تا در مقابل بی توجهی به معلولین هرگز خاموش نباشیم.

بخوانیم و بدانیم

۱. انسان‌های معلول از نظر حقوق انسانی از سایر انسان‌ها کم نیستند؛ بلکه اراده و کار بعضی از آن‌ها نشان می‌دهد که نسبت به افراد سالم در جامعه بیشتر مفید واقع شده‌اند.
۲. ما انسان‌ها را به خاطر فکر و انسانیت شان احترام می‌گذاریم.
۳. ما همه انسان هستیم و کرامت انسان مهمتر از همه چیز می‌باشد.
۴. کسی که خود توهین نمی‌کند؛ اما در برابر توهین دیگران به معلولین بی‌تفاوت می‌ماند و بدان اعتراض نمی‌کند، در آن گناه شریک می‌گردد.
۵. یکی از ارزش‌هایی اخلاقی این است که در جامعه با تمام انسان‌ها برخورد نیک داشته به شخصیت آن‌ها احترام داشته باشیم.
۶. انسان‌های آگاه با معلولین چنان رویه‌بی می‌نمایند، که هرگز آن‌ها احساس کمبود نکنند.



۷. نتیجه: در هر نوع نگارش چه کوتاه باشد چه طولانی، نتیجه‌گیری از مطلب مورد نظر حتمی است. نتیجه خلاصه نگارش را باید در بر داشته باشد؛ البته حسن ختم آن است، که نویسنده سخن خود را با الفاظ نرم، ملایم و دلکش به پایان برساند؛ زیرا آخرین چیزی که از نوشته در ذهن خواننده باقی می‌ماند، همان نتیجه است. ازین رو لازم است، که نتیجه به صورت موجز در برگیرنده و مناسب همه موضوع باشد. اگر ایجاد می‌کرد با یک تبصره شاعرانه یا یک بیت آن را خاتمه بخشید.

کار گروهی و سخنرانی

۱. شاگردان به چند گروه تقسیم شوند و در رابطه به این که چگونه باید با انسان‌های معلول برخورد کرد؟ یک گروه از گروه دیگر پرسش‌هایی طرح نمایند.
۲. شاگردان یک یک نفر به نوبت نتیجه درس را بیان کنند.
۳. شاگردان به دو گروه تقسیم شوند و در باره نتیجه‌گیری در نگارش با هم بحث و گفتگو نمایند؛ سپس از هر گروه یک نفر نتیجه را به دیگران بیان کند.
۴. چند شاگرد به نوبت پیام اصلی درس را بیان نمایند.

املا و نگارش

۱. متنی را که توسط معلم محترم خوانده می‌شود، املا بنویسید.
۲. در باره تصویر پایین در کتابچه‌های تان متنی بنگارید و نتیجه کلی آن را مشخص نمایید:





۱. چرا اصلاح جامعه و مردم در چگونگی برخورد با معلولین ضرور است؟
۲. آیا بی توجهی و سکوت ما در برابر کسانی که برخورد نادرست با معلولین می کنند، صحیح است؟
۳. چگونه می توان به کرامت انسانی سایر انسان ها احترام گذاشت؟
۴. زمانی که پیرمرد، پهلوی افراد معلول نشست، می خواست چه را برای سایر مهمنان سرمشق قرار دهد؟
۵. آیا اعتراض آن پیرمرد به کسانی که حرفهای ناشایست را به کار برد بودند درست بود؟
۶. آیا دین مقدس اسلام و اصول انسانیت اجازه می دهد که ما به انسان های معلول به خاطر مشکلی که دارند توهین نماییم؟
۷. کسانی که به معلولین اهانت روا می دارند و مشکل شان را به رخ شان می کشند چگونه انسان هایی اند؟
۸. نتیجه گیری در نگارش چه سود دارد؟



۱. اگر خاطره پیرامون معلولین دارید بنویسید و یا در باره برخورد تان با معلولین معلومات دهید.
۲. بیت های زیر را به حافظه بسپارید:

که در آفرینش ز یک گوهراند	بنی آدم اعضای یکدیگر اند
دگر عضوها را نماند قرار	چو عضوی به درد آورد روزگار
نشاید که نامت نهند آدمی	تو کز محنت دیگران بی غمی
سعدي	
۳. متن کامل درس بعدی را خوانده و برای معرفی آن در روز آینده آماده گی بگیرید.

- درس امروز توسط یک تن از شاگردان طوری معرفی شود، که تشریحاتش جوابگوی پرسش‌های زیر باشد:
- ۱. از دید نفوس شهری و تراکم و سایط ترانسپورتی چه تأثیرات مثبت و منفی را در قبال دارد؟
- ۲. محیط چگونه آلوهه می‌گردد؟
- ۳. آلوهه‌گی محیط زیست چه تأثیری روی زنده‌گی موجودات زنده می‌گذارد؟
- ۴. برای جلوگیری از آلوهه‌گی محیط زیست چه باید کرد؟
- ۵. وظایف و مسؤولیت‌های ما، در حفظ محیط زیست کدام هاست؟
- در پایان معرفی، سوال‌ها از چند شاگرد دیگر پرسیده شود.

حفظ محیط زیست



از دید نفوس شهری، اکشاف صنایع، استخراج معادن، تراکم و سایط ترانسپورتی، ایجاد تأسیسات فلزکاری و غیره. از یک سو امکانات رفاه و آسایش را برای بشر فراهم آورده است؛ از سوی دیگر موجب ضرر به محیط گردیده، زنده‌گی انسان‌ها و سایر موجودات زنده را تهدید می‌نماید. اکنون معلوم گردیده است که از دید نفوس شهری، فعالیت‌های صنعتی، ترانسپورتی و بهره برداری از ذخایر طبیعی را افزایش داده و موازی به آن آلوهه‌گی آب، هوا و حتا خاک نیز افزایش یافته است. تجربه نشان می‌دهد که در شهرهای بزرگ جهان؛ مانند: لندن، توکیو و برخی از شهرهای ایالات متحدة امریکا هزاران تن از رهگذر آلوهه‌گی هوا و تعداد بیشماری از حیوانات بحری و بری از اثر آلوهه‌گی آب و هوا جان خود را از دست داده اند.

برای جلوگیری از آلوده‌گی محیط زیست و عواقب ناگوار آن در اکثر کشورهای جهان برنامه‌های وسیع روی دست بوده و در حال تطبیق است. برخی از این کشورها مسائل مربوط به محیط زیست را در نصاب تعليمی مکاتب شامل نموده، سعی می‌نمایند که هر فرد جامعه به نوبه خود از خصوصیات محیطی خود آگاه بوده در حفظ و نگهداشت آن سهیم باشد. در کشور ما افغانستان مشکلات زیادی؛ مانند: تخریب زمین‌های زراعتی، توسعه صحراء، محدود شدن منابع آبی، قطع جنگل‌ها، محو و نابودی حیات وحش و بالآخره آلوده‌گی مناطق شهری دامنگیر مردم بوده، روز تا روز به آن افزوده می‌شود.

چند دهه جنگ این وضعیت را بیشتر از پیش وخیمتر ساخته است. فرش ماین‌ها، مهاجرت‌ها تخریب خانه‌ها، دهکده‌ها، مکاتب، چشمه‌ها، کاریزها، قطع و حریق جنگل‌ها، قطع درختان کنار جاده و صدھا عوامل دیگر اند که به مشکلات محیطی این سرزمین افزوده است. اگر وضع بدین منوال ادامه یابد، ممکن است فاجعه‌یی رخ دهد، که غیر قابل جبران باشد؛ بنابرآن بهتر است که همه اعم از ارگانهای دولتی، مؤسسات غیر دولتی، سازمان‌های اجتماعی و حتا اشخاص و افراد مسلکی دست به دست هم داده یک فضای سالم محیطی را فراهم سازند. مشکلات محیط زیست در افغانستان بسیار زیاد است، که تعدادی از آن‌ها را یاد آور می‌شویم و راههای حل آن را جستجو می‌نماییم.

نبود سیستم کانالیزاسیون که منشاً اصلی آلوده‌گی آب و هوا در شهرها می‌باشد؛ سبب بروز امراض ساری گردیده، صحت و سلامت شهروندان را به مخاطره می‌اندازد. نبود شبکه‌های آبرسانی یکی از مشکلاتی است که در اغلب شهرهای کشور به مشاهده می‌رسد. شهروندان بیشتر از چاههای آب استفاده می‌نمایند. این چاهها نسبت این که به نظافت آن‌ها توجه لازم صورت نمی‌گیرد. بعضًا آلوده گردیده، مشکلات صحی را بار می‌اورد؛ هم‌چنان در بسیاری از شهرها مردم از وسایط ترانسپورتی خیلی کهنه و پر دود استفاده می‌نمایند. این نوع موترها که روز تا روز به تعداد آن‌ها افزوده می‌شود، هوای شهرها را آلوده ساخته، مزاحمت‌های زیادی را در جریان زنده‌گی مردم به بار می‌آورند.

عدم علاقه به ایجاد کمرندهای سبز محافظه و یا احداث جنگل‌ها در اراضی برهنه و عاری از فرش درخت همچنان مسئله‌یی است که کشور ما از مزایایی فرش‌های سبز نباتی بی‌بهره می‌سازد. قسمت اعظم ساحة کشور، دشت، کوه و یا صحراء است به منظور ایجاد محیط سالم، نیاز به طرح و تطبیق پلان‌های وسیع جنگل کاری می‌باشد که باید مورد توجه قرار گیرد.

راههای جلوگیری از مشکلات محیط زیست

۱. منع قطع تمام جنگل‌های طبیعی
 ۲. منع شکار حیوانات وحشی به خصوص حیواناتی که در معرض انقراض قرار دارند.
 ۳. ایجاد و توسعه شبکه‌های کانالیزاسیون و شبکه‌های آب آشامیدنی در شهرها.
 ۴. تجهیز وسایط نقلیه به و سیله فلتراهای تصفیه.
 ۵. طرح و تطبیق پلان‌های و سیع برای گسترش جنگل در اطراف شهرها و ساحتات بر هنر.
- در کشور ما که سیستم کانالیزاسیون رواج ندارد؛ از بیت الخلاهای آزاد استفاده می‌شود. گاهی این بیت الخلاهای به کوچه‌ها سرازیر گردیده، محیط کوچه را که محل عبور و مرور مردم و جای بازی اطفال است؛ آلوده می‌سازد. علاوه بر آن بسیاری از خانواده‌ها عادت دارند، که مواد زاید غذایی، خاک جاروب و صابون آب را که منع فاسفیت بوده و خیلی مضر است؛ روی کوچه‌های عمومی میندازند، که این خود به آلوده‌گی محیط خانه‌ها و کوچه‌های عمومی می‌فزاید. این آلوده‌گی در اثر باران‌های تندر، آب‌های جوی‌ها، دریاها و حتا چاه‌ها را که همه روزه مورد استفاده مردم قرار دارد آلوده می‌سازد امراض گوناگون را که صحت و سلامت انسان را به مخاطره میندازد به بار می‌آورد.

این موضوع را باید بدانیم، که خداوند علیه السلام در زمرة هزاران نعمت بزرگ خویش که برای بشر ارزانی فرموده، یکی هم ماحول و محیط زیست سالم انسان است که بشر باید به بهترین وجه از آن سود برد و شکر نعمت هایش را به جا آورد.

با پیشرفت ساینس و تکنالوژی در قرن بیستم این موضوع واضح گردید که علم و تکنالوژی اگر از یک طرف رفاه و آسایش را به ارمغان آورده از سوی دیگر چهره مداخله‌های بشر را بر طبیعت بر ملا ساخته که اثرات سوء و ناگوار آن، بقای انسان را به خطر مواجه می‌سازد. دانشمندان محیط زیست پس از تحقیقات اثرات ناگوار مداخلات انسان را بر طبیعت به دیده شک و تردید نگریسته و اعلام نمودند؛ اگر مداخلات انسان در طبیعت بدین منوال ادامه یابد، بقای بشر بر روی کره زمین به خطر مواجه می‌گردد.

و ظایف و مسؤولیت ما در برابر محیط زیست

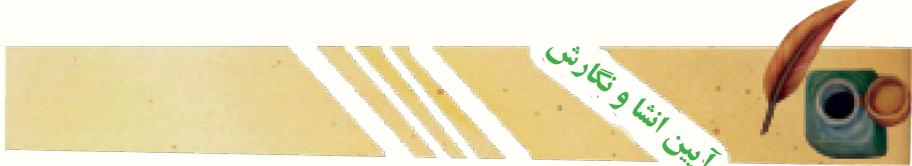
به منظور زنده‌گی با سعادت و آینده درخشان وظیفه تمام مردم است، که در حفظ محیط زیست سهم ارزنده داشته باشند، اگر بخواهیم با جهان رقابت سالم داشته باشیم، ضرور پنداشته می‌شود که موضوع محیط زیست را در نظر داشته و در حفظ آن سعی نماییم. تخریب و آلوده‌گی محیط زیست دو قسم صورت می‌گیرد؛ یکی آلوده‌گی طبیعی و دوم تخریب محیط زیست توسط انسان.

پس باید در جهت حفظ محیط زیست توجه جدی مبذول گردد. از قطع جنگلات جلوگیری به عمل آمده، مردم از اندختن کثافتات به روی سرک‌ها و کوچه‌ها خودداری نمایند و در پاک نگهداشتن محیط خانه، مکتب، کوچه و شهر تلاش همه جانبه نموده صحت و

سلامت خود و هموطنان خود را تضمین کنند. می‌باید همه شهروندان به ارزش و اهمیت محیط زیست پی برد و با در نظر داشت این موضوع که حفاظت از محیط زیست وظیفة اسلامی و وطني هر فرد می‌باشد وظایف و مسؤولیت خود را در برابر کشور ادا نمایند.

بیاموزیم

۱. با ازدیاد نفوس شهری فعالیتهای صنعتی، ترانسپورتی و بهره برداری از ذخایر طبیعی افزایش یافته و موازی با آن آلوده‌گی آب، هوا و حتا خاک نیز افزایش می‌باید.
۲. در افغانستان مشکلات زیادی؛ مانند: تخریب زمین‌های زراعتی، توسعه صحراء، محدود شدن منابع آبی، قطع جنگل‌ها، محو و نابودی حیات وحش و آلوده‌گی محیط زیست دامن‌گیر مردم این سرزمین بوده، روز تا روز به این مشکل افزوده می‌شود.
۳. به منظور زنده‌گی با سعادت و آینده درخشان وظیفه تمام مردم است، که در مسایل و موضوعات محیط زیست سهم ارزنده داشته باشند.
۴. باید در زمینه حفظ محیط زیست توجه جدی مبذول گردد. از قطع جنگل‌ها جلوگیری به عمل آمده، مردم از انداختن کثافتات بروی سرک‌ها و کوچه‌ها خودداری نمایند.
۵. باید به ارزش و اهمیت محیط زیست پی برد، با در نظر داشت این موضوع که حفاظت از محیط زیست وظیفه، اسلامی و وطني هر فرد می‌باشد وظایف و مسؤولیت خود را در برابر کشور ادا نماییم.



تنوع در نگارش فقره‌ها و جمله‌ها

در نگارش، صورت جمله‌ها و فقره‌ها باید از هر نظر متنوع باشد. در برخی صنوف ابتدایی شاگردان در اثنای حکایت یا نوشتن یک یا دو حرف ربط؛ مانند، و، باز... را پیوسته و تکرار در هر جا به کار می‌برند. این عادت تکرار، خوش‌آیند نیست؛ زیرا نوشته‌های شان را خسته‌کن می‌سازد؛ بنابراین در نوشتن باید تنوع در ترکیب کلمه‌ها، فقره‌ها و جمله‌ها در نظر گرفته شود. با آنکه فقره‌ها منظم و مرتب باشد؛ اگر از جملات طولانی پر پیچ ترکیب گردیده باشند، خسته‌کن جلوه می‌کنند؛ پس باید از جملات مختلف (جمله‌های ساده، پرسشی، امری و...) استفاده کرد. تنوع در نگارش فقره‌ها و جمله‌ها نوشته ما را زیبا ساخته، ما را به حیث یک نویسنده موفق در جامعه ثبتیت می‌کند.

کار گروهی و سخنرانی

۱. شاگردان به دو گروه تقسیم شوند و در رابطه به حفظ محیط زیست، یک گروه از گروه دیگر پرسش‌هایی طرح نمایند.
۲. شاگردان یک یک نفر به نوبت در مورد مشکلات محیطی سخنرانی نمایند.
۳. شاگردان به دو گروه تقسیم شوند و در باره تنوع در نگارش فقره‌ها و جمله‌ها با هم بحث و گفتگو نموده؛ سپس از هر گروه یک نفر نتیجه را به دیگران بیان کند.
۴. چند شاگرد به نوبت در مورد راههای حل مشکلات محیطی نظریات شان را ابراز نمایند.

املا و نگارش

۱. متنی را که توسط معلم محترم خوانده می‌شود، املا بنویسید.
۲. در باره تصویر زیر در کتابچه‌های تان یک متن ادبی بنویسید و در نگارش آن تنوع در فقره‌ها و جمله‌ها را رعایت نمایید.





۱. آلوده‌گی محیط زیست چه تأثیری بالای زنده‌گی موجودات زنده می‌گذارد؟
۲. عوامل ایجاد مشکلات محیط زیست در افغانستان کدامها اند؟
۳. کدام راههای حل را برای رفع مشکلات محیطی باید در نظر گرفت؟
۴. تخریب و آلوده‌گی محیط زیست به چند قسم صورت می‌گیرد؟
۵. چگونه می‌توانیم سهم خود را در حفاظت محیط زیست ادا نماییم؟
۶. تنوع در نگارش فقره‌ها و جمله‌ها چه تأثیری روی نوشتهٔ ما دارد؟
۷. چه باید کرد تا نوشتهٔ ما خسته‌کن جلوه نکند؟



۱. مشکلات محیط زیست در منطقهٔ تان را لست نموده راههای حل آن را پیشنهاد نمایید.
۲. بیت زیر را حفظ نمایید:

بی آزاری و راستی برگزین
چو خواهی که یابی به داد آفرین
فردوسی
۳. متن کامل درس بعدی را خوانده و برای معرفی آن در روزآینده آماده‌گی بگیرید.

درس امروز توسط یک تن از شاگردان طوری معرفی شود، که تریحت جوابگوی

سؤال‌های زیر باشد:

۱. پروین اعتصامی کی بود و از چند ساله‌گی به سروden شعر پرداخت؟
۲. اندیشه‌های او چگونه در اشعارش انعکاس یافته است؟
۳. او در شهر از کی پیروی می‌کرد؟
۴. اولین دیوانش در کدام سال توسط کی به چاپ رسید؟
۵. پروین در کجا و در کدام سال وفات یافت؟
۶. اشعار او را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

در پایان معرفی، همین پرسش‌ها از چند شاگرد دیگر پرسیده شود.

پروین اعتصامی



پروین اعتصامی شاعر نامدار معاصر از سخنوران توانای شعر فارسی دری است. وی در سال ۱۲۸۵ هـ. در خانواده‌یی که اهل علم و ادب بودند در ایران متولد شد. جدش میرزا ابراهیم خان مستوفی و پدرش یوسف اعتصام‌الملک نویسنده و مترجم چیره‌دستی بود که بر علاوه زبان مادری اش به زبان‌های ترکی، عربی و فرانسوی نیز تسلط کامل داشت.

پروین در کودکی همراه پدر به تهران رفت و به تحصیل ادامه داد. و از سن سیزده ساله‌گی به سروden شعر پرداخت از همان سن، استادان و صاحب نظران از قریحه سرشار و استعداد عالی او دچار حیرت می‌شدند. طلوع کوکب درخشان طبع پروین در آسمان ادب پارسی شگفت‌انگیز بود.

پروین در قصاید خود از حیث الفاظ پیرو شاعران قرن پنجم و ششم به خصوص ناصر خسرو بلخی است و در قطعات و مثنوی‌های پر ارزش و غزل‌ها و غیره سخن او بیشتر رنگ سخن عراقی را دارد و غالباً ساده و روان است؛ اما اندیشه‌های وی، نو و متنضم نکات مهم اجتماعی، اخلاقی و انتقادی است. تمثیلات نفر و اندرهای حکیمانه او در همه آثارش مایه اعجاب خواننده می‌شود. او در غالب آثار خویش به حیث مادری مهربان است که با فرزندان دلبند خود سخن می‌گوید و به نصیحت و اندرز آن‌ها می‌پردازد. پروین اعتصامی

در خلق مناظرها و پرسش‌ها و پاسخ‌هایی که غالباً میان اشخاص، اشیا، جانوران و گیاهان ترتیب می‌دهد و از آن طریق به نتایج اخلاقی می‌رسد دست توانایی داشته است. روح انسان دوستی، مهربانی و شفقت را می‌توان از سطر سطر اشعار او دریافت. پروین منادی اخلاق، تهذیب نفس و عزت انسانی بود. شعرش زمزمه درس محبت است. وی تقریباً در همه آثارش شاعر حقیقت جو واقع بین بوده و درک او مبدأ حیات روشن و تحت تأثیر اعتقادات دینی و اندیشه‌های عرفانی می‌باشد.

نخستین دفتر شعر پروین اعتمامی در سال ۱۳۱۴ هـ. ش. به همت برادرش انتشار یافت و بی‌درنگ نظر محافل ادبی، به خصوص زنان را که رفته رفته برای شرکت جشن در امور اجتماعی به عرصه جامعه وارد می‌شدند، به خود جلب کرد و سبب تشویق آن‌ها گردید. دیری نگذشت که پروین در شمار معروفترین سخنوران زمان خود قرار گرفت و اشعارش قبول عام شد. پروین سرانجام در سال ۱۳۲۰ هـ. ش. به بیماری حصبه (محرقه) مبتلاشده در سن ۳۵ ساله‌گی وفات یافت و در شهر قم به خاک سپرده شد.

نمونه سخن

در آن سرای که زن نیست، اُنس و شفقت نیست

در آن وجود که دل مرد، مرده است روان
به هیچ مبحث و دیباچه‌یی، قضاننوشت

برای مرد کمال و برای زن نقصان
زن از نخست بود رکن خانه هستی

که ساخت خانه بی پای بست و بی بنیان؟
زن از راه متعاب نمی‌گداخت چو شمع

نمی‌شناخت کس این راه تیره را پایان
چو مهر، گر که نمی‌تافت زن به کوه وجود

نداشت گوهری از عشق، گوهر اندر کان
فرشته بود زن، آن ساعتی که چهره نمود

فرشته بین، که برو طعنه میزند شیطان
اگر فلاتون و سocrates، بوده اند بزرگ

بزرگ بوده پرستار خردی ایشان
به گاهواره مادر، به کودکی بس خفت

سپس به مکتب حکمت، حکیم شد لقمان
چه پهلوان و چه سالک، چه زاهد و چه فقیه
شدند یکسره، شاگرد این دیبرستان

حدیث مهر، کجا خواند طفل بی‌مادر؟
نظام و امن، کجا یافت ملک بی‌سلطان؟
وظیفه زن و مرد، ای حکیم، دانی چیست؟
یکی است کشتی و آن دیگری کشتیان
چو نا خداست خرد مند و کشتی‌اش محکم
دگر چه باک ز امواج و ورطه و توفان
به روز حادثه، اندريیم حوادث دهر
امید سعی و عمل هاست هم ازین هم ازان
همیشه دختر امروز، مادر فرداست
زمادر است میسر، بزرگی پسران
اگر رفوی زنان نکو نبود، نداشت
به جز گسیخته‌گی، جامه نکو مردان
توان و توش ره مرد چیست، یاری زن
حاطم و ثروت زن چیست مهر فرزندان
زن نکوی، نه بانوی خانه تنها بود
طبیب بود و پرستار و شحنہ و دربان
به روزگار سلامت، رفیق و یار شفیق
به روز سانحه، تیمارخوار و پشتیان
ز بیش و کم، زن دانا نکرد روی ترش
به حرف زشت، نیالود نیکمرد دهان
چه زن، چه مرد، کسی شد بزرگ و کامروا
که داشت میوه‌یی از باغ علم، در دامان
زنی که گوهر تعلیم و تربیت نخرید
فروخت گوهر عمر عزیز را ارزان
کسی است زنده که از فضل، جامه‌یی پوشد
نه آن که هیچ نیرزد، اگر شود عریان
چه حلئی است گران تر زحیلت دانش؟
چه دیبه‌یی است نکوتر زدیبه عرفان؟
نه بانو است که خود را بزرگ می‌شمرد
به گوشواره و طوق و به یاره مرجان
چو آب و رنگ فضیلت به چهره نیست، چه سود
ز رنگ جامه زربفت و زیور رخشان
برای گردن و دست زن نکو، پروین
سزاست گوهر دانش، نه گوهر الوان

توضیحات

- * ناصر خسرو بلخی یکی از شاعران و نویسنده‌گان قرن پنجم هجری به شمار می‌رود، وی در سرودن اشعار تعلیمی که حاوی پند و اندرز است دست بالایی داشته است.
- * عراقی: فخرالدین ابراهیم متخلص به عراقی از غزل‌سرایان و عارفان قرن هفتم هجری بود، که مجموع اشعارش به ۵۸۰۰ بیت می‌رسد.
- * لقمان حکیم: بعضی از مؤرخان او را پسر کاکای ابراهیم علیه السلام می‌دانند. نام او در قرآن کریم صریح آمده است و به حکمت منسوب است.

بیاموزیم

۱. پروین اعتضامی شاعر نامدار معاصر ایران از سخنوران توانای شعر فارسی دری است. وی در سال ۱۲۸۵ هـ. در خانواده‌یی که اهل علم و ادب بودند پا به عرصهٔ هستی نهاد.
۲. او از سن سیزده ساله‌گی به سرودن شعر پرداخت و همواره استادان و صاحب‌نظران از قریحه سرشار و استعداد خارق العادة او دچار حیرت می‌شدند.
۳. اندیشه‌های وی نو و متضمن نکات مهم اجتماعی، اخلاقی و انتقادی است، تمثیلات نغز و اندرزهای حکیمانه او در همه آثارش مایه اعجاب خواننده می‌شود.
۴. پروین منادی اخلاق، تهذیب نفس و عزت انسانی بود.
۵. نخستین دفتر شعر پروین اعتضامی در سال ۱۳۱۴ هـ. ش. به همت برادرش انتشار یافت.

انتخاب واژه و تعبیر

هر معنایی را می‌توان در نگارش به تعبیرهای گوناگون بیان کرد. در انتخاب تعبیر مناسب، چند شرط را باید رعایت کرد: نوع نوشته، مخاطب، مقصودی که در نظر است. در نوشته‌های علمی، واژه‌ها و تعبیرات به معنای حقیقی خود به کار می‌روند؛ اما در نوشته‌های خیال انگیز، از جمله شعر و داستان، گاهی به حکم ضرورت، تعبیرهای غیر مستقیم؛ مانند: مجاز، کنایه و تمثیل را باید برتر شمرد؛ مثلاً: در نوشته‌های علمی شب همان شب است؛ ولی در شعر زلف به شب تشبیه می‌گردد و یا جهالت و نادانی به تاریکی شب مانند می‌شود.

حریق انشا و تباریع

در هر زبانی، الفاظی هست که دلالت به نمادی (سمبول) دارد؛ مانند: کبوتر (صلح)، باز (جنگ)، نرگس (خود شیفته‌گی)، شوخ چشمی)، مورچه (سخت کوشی)، یخ (سردی و سکوت) خارا (سختی)؛ همچنین گاهی، به جای نام بردن از چیزی، عنوانی به کار می‌برند که صفت شاخص آن چیز است و ردا تعبیرخوانده می‌شود؛ مثل: شاه ستاره‌گان (خورشید)، عروس آسمان (ماه) مهتر عالم (حضرت رسول اکرم ﷺ، دبیر فلک (عطارد) کاربرد این گونه واژه‌ها و تعبیرات، نوشتۀ ما را زیبا و جالب می‌سازد.

بهره‌جویی از مثل‌ها نیز هم سخن را رنگین و هم معانی را خوش گوار می‌نماید. مثل‌ها در هر زبانی بارهای فرهنگی دارند، که سوابق اساطیری، تاریخی، آداب، رسوم و باورهای مردمی را منعکس می‌سازند.

بهره‌گیری درست از گنجینه لغوی برای آراستن سخن به شرطی میسر است که با مناسبات انواع کلمات آشنا باشیم؛ مثلا: بدانیم چه صفتی را به چه موصوف می‌توان نسبت داد یا چه فعلی را در چه بافتی می‌توان به کار برد؛ همچنین باید متراffفات، متضادها، نمادها، ردا تعبیرها را شناخت و هر عنصر جمله را در جای مناسب آن به کار برد.

کار گروهی و سخنرانی

۱. شاگردان به چند گروه تقسیم شوند، در مورد شخصیت ادبی پروین اعتضامی و چند تن از شاعران زن در ادبیات دری بحث و گفتگو نمایند و از هر گروه یک نفر مقابل صنف آمده نتیجه را به دیگران انتقال دهد.

۲. چند تن از شاگردان به نوبت در مورد نقش زنان در ادبیات سخنرانی نمایند.

املا و نگارش

۱. متنی را که توسط معلم محترم خوانده می‌شود، املا بنویسید.
۲. در بارهٔ تصویر زیر با در نظر داشت قواعد نگارش که در بالاخواندید، متن ادبی بنویسید.





۱. در مورد زنده‌گی پروین اعتضامی و فعالیت‌های ادبی وی چه می‌دانید؟
۲. شعری را که از پروین اعتضامی خواندید در مورد چه بود؟
۳. مفهوم شعر پروین اعتضامی را طور خلاصه بیان کنید؟
۴. نگارش علمی و ادبی از لحاظ کاربرد واژه‌ها چه تفاوت دارد؟
۵. در انتخاب مناسب تعبیرات کدام شرایط را باید رعایت کرد؟
۶. ردالتعییر چیست با مثال واضح سازید؟
۷. چگونه می‌توان از گنجینه لغوی در آراستن سخن استفاده نمود؟



۱. شعری را که خواندید به نثر تبدیل کنید.
۲. بیت زیرین را حفظ نمایید:
در دندان دارد اکنون می‌خورد آب از قلم
نرگس از چشم تو دم زد بر دهانش زد صبا
صایب تبریزی
۳. متن درس بعدی را خوانده و برای معرفی آن روز آینده آماده‌گی بگیرید.

- درس امروز توسط یک تن از شاگردان طوری معرفی شود، که تشریحاتش جوابگوی پرسش‌های پایین باشد:
- ۱. نقش انسان در اجتماع چگونه ثابت می‌شود؟
- ۲. تبعیض در جامعه چه پیامدهایی را در قبال دارد؟
- ۳. دین مبین اسلام چه نقشی را در زندگی انسان‌ها از نظر تقاضه ایفا نموده است؟
- ۴ پیام اصلی درس چیست؟
- در پایان معرفی، پرسش‌ها از چند شاگرد دیگر پرسیده شود.

تفاهم و همدیگر پذیری



تابستان بود، خورشید گرمتر از هر وقت می‌درخشید. روزهای زیبایی بود، من و بچه‌های همن و سالم در صنف دهم درس می‌خواندیم. همه روزه با شوق و علاقه فراوان به طرف مکتب روان می‌شدیم و درس‌ها را با دقت زیاد دنبال می‌کردیم. در صنف ما بچه‌های با هوش و با استعداد زیاد بودند هر یک تلاش می‌کردند تا از دیگران پیشی بگیرند. آن‌چه فضای صنف را بر هم می‌زد جنگ و جدال بچه‌ها بود. در میان همه طارق، رجب علی، تیمور و حسن بیشتر باهم درگیر بودند. آن‌ها در مکتب و بیرون از مکتب همواره به جنگ می‌پرداختند. این حالت مرا سخت آزار می‌داد. هر چند من و احمد کوشش می‌کردیم که آن‌ها را بفهمانیم تا از جنگ و جدال دست بکشند؛ اما هیچ سودی نداشت. روزی معلم داخل صنف شد و بچه‌ها را پریشان یافت و با بسیار مهربانی پرسید: شاگردان عزیز، چرا همه تان پریشان به نظر می‌رسید؟ بچه‌ها بدون این که لب به سخن بگشایند سر

بر زیر انداخته خاموش ماندند. معلم با زیرکی موضوع را دنبال کرد تا آن که به اصل موضوع پی برد و با این پرسش درس را آغاز کرد.
شاگردان عزیز، چگونه می‌توانید باهم در فضای برابری، برابری، تفاهم و همدیگر پذیری زنده‌گی نمایید؟

شاگردان جواب‌های مختلف دادند. معلم درس را چنین آغاز نمود:
انسان موجودی است اجتماعی، هیچ انسانی را نمی‌توان دریافت که دور از اجتماع به تنها یی زنده‌گی نماید این امر ناممکن است. زمانی نقش انسان در اجتماع ثابت می‌گردد، که در برابر همنوعانش مهربان بوده، حس انسان دوستی را در نهاد خود تقویه نماید و بدون در نظر داشت زبان، مذهب، قوم، ملت و نژاد با تمام انسان‌ها برخورد نیک داشته در فضای برابری، برابری، اتفاق و اتحاد با تفاهم و همدیگر پذیری زنده‌گی کنند؛ زیرا همه انسان‌ها در جامعه دارای حقوق مساوی می‌باشند.

یکی از اساسات عمده خود ارزشی خویش را به حیث یک انسان با دیگران مساوی دانستن است. در جامعه‌یی که انسان‌ها به اساس قوم، طبقه، رنگ، نژاد و جنسیت از حقوق شان محروم ساخته می‌شوند و ارزش کرامت انسانی را نمی‌دانند؛ در حقیقت اینگونه تبعیض باعث ایجاد بدیبینی، حساسیت و تنفر شده عواقب ناگوار را در قبال دارد. در این حال صلة رحم، درک حالت و مجبوریت‌های طرف مقابل و واقعیت‌ ضعیف می‌شود، یا از بین می‌رود. در اثر ضعیف شدن درک حالت طرف مقابل است که از حقوق حقه آن چشمپوشی می‌شود.

دین مبین اسلام در سلسله ادیان سماوی یگانه دینی است که با طرح و پیریزی اساسات بشردوستانه، اجتماعات بشری را به وسیله عاطفه و ترحم با هم وصل نموده و تقویه روحیه بشر دوستی را راه مهم و اصل با اهمیت تنظیم و بهبود حیات اجتماعی می‌داند.

تاریخ به و ضاحت نشان می‌دهد که در دوره‌های قبل از اسلام انسان‌ها در دریای پرتلاطم ظلم و بیداد، اسارت و بردگی، خونزیزی و آدمکشی و دیگر مفاسد اخلاقی دست و پا می‌زدند تا آنکه آفتاب درخشان اسلام جهان را روشن گردانید و به انسان‌ها درس نوع پروری، بشردوستی، همدیگرپذیری و صلح و صفا آموخت و به پیروان خود امر نمود که برادروار با هم زنده‌گی نمایند. قبل از بعثت حضرت محمد مصطفیٰ ﷺ فرزندان عرب تشنه به خون یکدیگر بودند. قبیلهٔ دشمن قبیلهٔ دیگری بود و همچنان در خانواده‌ها سلسله جنگ‌هایی آشتبانی ناپذیر و طولانی موجود بود؛ اما وقتیکه حضرت محمد ﷺ مبعوث شدند نه تنها به خون ریزی‌های ناحق پایان داده شد؛ بلکه رشتة محکم دیگری را نیز با خود آورد که عبارت از دین بود و این رشتة محکم توانست اقوام از هم دور و متفرق را باهم وصل

نماید. بین قبایل مختلف چنان رابطه برقرار کرد که مردم عداوت‌های دیرنہ خود را کنار گذاشتند.

خداؤند صلی الله علیہ وسالم می فرماید: «ای مؤمنان، از خداوند بزرگ بترسیم چنانچه می‌باید. ممیرید مگر در حالیکه مسلمان باشید. به دین خداوند با اتفاق و اتحاد متمسک شوید و از تفرقه خود داری نمایید و نعمت پروردگار را که به شما ارزانی فرموده به یاد آرید آن وقت که با هم دشمن بودید. پس خداوند در دل‌های تان الفت و محبت انداخت و در اثر آن میان شما رشته اخوت و برادری بر قرار گردید.» [آل عمران: ۱۰۲-۱۰۳]

حضرت نبی کریم صلی الله علیہ وسالم فرموده اند: رابطه مسلمان با مسلمان مانند دیواریست که بعض آن با بعضی دیگر آن استحکام می‌باید؛ یعنی هم‌چنان که خشت‌های دیوار با هم پیوند و ارتباط دارد و به تخرب برخی از آن، عمارت با خطر انهدام مواجه می‌شود، مسلمانان هم در صورت تفرقه و عدم تعاوون با یکدیگر، نظام اجتماعی خود را از دست داده در منجلاب بدختی به سوی تباھی سقوط می‌نمایند.

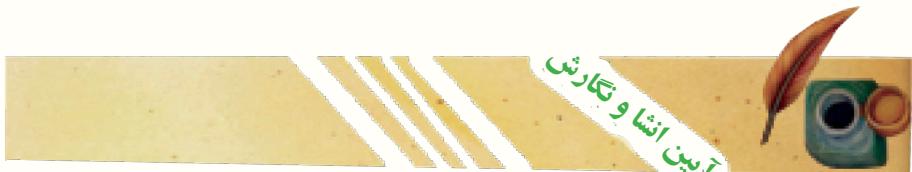
از این حدیث مبارک پیامبر اسلام، نوع دوستی، اتحاد و اتفاق اسلام هویداست، که بنیاد انسانیت به نوع دوستی و برادری استوار می‌باشد بدون در نظر داشتن این اصل کاخ حیات اجتماعی استحکام نخواهد یافت. نوع دوستی، نفع رسانی به همنوعان، زیست باهمی، معاونت با تهی دستان، احترام متقابل و سایر محسن اجتماعی از اساسات دین مقدس اسلام به شمار می‌رود.

پس باید همهٔ ما در خانواده، مکتب و بالاخره در سطح اجتماع با تفاهem و همدیگر پذیری زنده‌گی نماییم. زنده‌گی در فضای صمیمیت، دوستی، اتحاد و اتفاق سبب پیشرفت و ترقی کشور ما می‌گردد. بدین ترتیب ما رسالت خود را در برابر وطن و مردم به حیث یک فرد مسلمان ایفا می‌نماییم.

زمانی که درس به پایان رسید بچه‌ها به اشتباه خود پی بردن و هر کدام خود را ملامت نمودند. طارق، تیمور، رجب علی و حسن که بیشتر از همه خود را مقصراً می‌دانستند؛ از یک دیگر معدتر خواستند و همدیگر را در آغوش گرفتند و در مقابل همه عهد بستند که کوشش می‌کنند تا همدیگر را درک کرده با تفاهem مشکلات شان را حل نمایند. بچه‌ها همه درس معلم را مؤثر دانستند و تفاهem و همدیگر پذیری را سر مشق زنده‌گی خویش قرار دادند. من بی‌اندازه خوشحال شدم و همان روز گویا در لباس نمی‌گنجیدم و با خوشی تمام به طرف خانه روان شدم.

بیاموزیم

۱. انسان موجودیست اجتماعی، زمانی نقش انسان در اجتماع ثابت می‌گردد، که در برابر هم‌نوعانش مهربان بوده، حس انسان دوستی را در نهاد خود تقویه نماید.
۲. دین مبین اسلام یگانه دینی است که با طرح و پیریزی اساسات بشر دوستانه اجتماعات بشری را به وسیله عاطفه و ترحم با هم وصل نموده و تقویه روحیه بشر دوستی را راه مهم و اصل با اهمیت تنظیم و بهبود حیات اجتماعی می‌داند.
۳. نوع دوستی، نفع رسانی به همنوعان، زیست باهمی، معاونت با تهی دستان، احترام متقابل و سایر محاسن زنده‌گی اجتماعی از اساسات دین مقدس اسلام به شمار می‌رود.
۴. مسلمان واقعی کسی است، که بدون در نظر داشت زبان، مذهب، قوم، ملیت و نژاد با تمام انسان‌ها برخورد نیک داشته در فضای برابری، انفاق و اتحاد با تفاهم و همدیگر پذیری زنده‌گی نماید.



کار برد دقیق کلمه‌ها: در نگارش هر قدر کلمه‌ها و لغتها را بیشتر بدانیم کار ما آسانتر می‌گردد؛ باید از تفاوت کلمه‌ها آگاهی داشته باشیم.

وقتی می‌توانیم خوبتر و بهتر توجه خواننده را جلب کنیم که حاکمیت خویش را بر زبان بیشتر سازیم و نکته دیگر آن است که بر اهمیت تفاوت بین کلمه‌ها آگاهی داشته باشیم و ذوق به کار بردن کلمه‌های دقیق را در خود انکشاف دهیم. بین کلمه‌های که یک معنای مشترک دارند تشخیص و امتیاز قابل شویم. این کار در نتیجه مطالعه و تمرین حاصل می‌گردد. هر قدر کلمه‌ها را در جای معین به کار ببریم و در کاربرد کلمه‌ها در نگارش دقیق باشیم نوشته ما زیبا می‌شود.

چند نکته را باید در نظر داشت:

۱. پیشوندها و پسوندها و ریشه‌های معروف را باید آموخت. چنین معلومات در به کار بردن کلمه‌های دقیق و حصول معنای کلمه‌های غیر مأнос مرا کمک می‌کند.
۲. وقتی معنای کلمه‌بی در کتاب لغت یا فرهنگ دیده می‌شود، کلمه‌های مترادف، متضاد،

و مشابه آن نیز مطالعه گردد.

۳. لغت‌هایی را که تازه در هنگام مطالعه با آن برمی‌خوریم باید در کتابچه یادداشت بگیریم.
۴. کوشیده شود که کلمه‌ها و اصطلاحات علمی را در یک هفته و کلمه‌های فلسفی را در هفته دیگر و به همین قسم کلمه‌های مختلف را در هفته‌های ما بعد مطالعه و یادداشت بگیریم.
۵. تبدیل نمودن نظم به نثر و بر عکس آن. این روش ذخیره لغت را زیاد می‌سازد؛ زیرا گاهی شخص مجبور می‌شود فکر یک جمله نثر را در نظم به یک کلمه افاده کند و با نشر کردن شعرها کلماتی را دریابد که معانی و تفسیرهای هیجانی شاعر را به طور واضح نشان دهد.

کار گروهی و سخنرانی

۱. شاگردان به سه گروه تقسیم شوند؛ سپس هر گروه در باره تفاهم و همدیگر پذیری با هم گفتگو نموده و از هر گروه یک نفر نتیجه را به دیگران بیان نماید.
۲. دو شاگرد به نوبت در باره مزایای همدیگر پذیری در مقابل صنف سخنرانی نمایند.
۳. در گروه‌های پنج نفری راجع به کاربرد کلمات در نگارش صحبت کنید. و نماینده هر گروه خلاصه مطالب را برای دیگران بیان نماید.

املا و نگارش

۱. متنی را که توسط معلم گرامی خوانده می‌شود املا بنویسید.
۲. در مورد تصویر زیر متنی بنویسید و با در نظر داشت درس آین نگارش در کاربرد کلمات دقت نمایید.





۱. شاگردان چرا با هم جنگ و جدال می‌کردند چی باعث شد تا آن‌ها به اشتباه شان پی ببرند؟
 ۲. در ترجمۀ آیتی که خواندید خداوند ﷺ بیشتر روی کدام موضوع تأکید نموده است؟
 ۳. بنیاد انسانیت به چه استوار است؟
 ۴. کدام موضوعات اساسات دین مقدس اسلام را تشکیل می‌دهد؟
 ۵. از درس چه نتیجه گرفتید؟
- ۶ در درسی که خواندید کدام نکته بیشتر حائز اهمیت بود؟
- ۷ در کدام صورت می‌توانیم حاکمیت خود را بر زبان بیشتر سازیم؟
- ۸ تبدیل نمودن نظم به نثر، در نگارش چه تأثیر دارد؟
۹. کدام نکات را در به کارگیری کلمات در نگارش رعایت نماییم؟



۱. در مورد اینکه در بین اعضای خانواده تفاهم ایجاد شود، کدام راه‌ها را پیشنهاد می‌کنید؟
شماره وار بنویسید.
۲. بیت پایین را حفظ نمایید:

پس زبان محرومی خود دیگرست
همدلی از همزبانی بهترست
مولانا
۳. متن کامل درس بعدی را خوانده و برای معرفی آن در روزآینده آماده‌گی بگیرید.

درس امروز توسط یک تن از شاگردان طوری معرفی شود، که تشریحاتش جوابگوی سوال‌های زیر باشد:

۱. در گذشته بلخ به کدام نامها یاد می‌گردد؟
 ۲. شهر بلخ به وسیله کی‌ها ویران شد؟
 ۳. بلخ از لحاظ فرهنگی چگونه شهری بوده است؟
 ۴. بلخ مرکز کدام مدنیت بود؟
 ۵. از چهره‌های بر جسته بلخ نام بیرید.
 ۶. در باره شهر مزار شریف چه می‌دانید؟
- در پایان معرفی، سوال‌ها از چند شاگرد دیگر پرسیده شود.

بلخ باستان



بلخ یکی از ولایت‌های باستانی کشور ما است که به نام‌های ام‌البلاد (مادر شهر‌ها) قبة‌الاسلام، بلخ بامی و شهر شاهان اساطیری و پیشدادی معروف است. این شهر از لحاظ فرهنگی، سیاسی و اقتصادی در طول قرن‌ها اهمیت فراوان داشته است.

بلخ که روزگاری باخترا نامیده می‌شد، یکی از شهرهای مشهور و آبادان جهان بود. این شهر به وسیله سربازان چنگیز کاملًا ویران و مردمش قتل عام گردید و دیگر نتوانست آن عظمت پارین خود را باز یابد. خرابه‌های بلخ قدیم اکنون ناحیه وسیعی را اشغال کرده است.

بلخ منطقه حاصل‌خیز و نقطه پیوند برای بازرگانی میان شرق و غرب، و نیز برای بیش از هزار سال، محلی برای تبادلات بازرگانی و هنری بود. ده قرن قبل از میلاد در افغانستان تمدن باشکوه با روش‌های اجتماعی و اقتصادی وجود داشت و هنر در جامعه راه خود را گشوده بود.

پادشاهان قدیم بلخ عبارت بودند از: پیشدادیان، کیانیان، اسپه‌ها که در شاهنامه فردوسی و روایات مؤرخان نیز از آن‌ها یاد شده است. اگر به گذشته نظر کوتاهی بیندازیم در می‌باییم، که آریانای کهن در محور شهر باستانی بلخ مدنیت درخشان پنجهزار ساله را داشت. مدنیتی که شامل افغانستان کنونی، هند، فارس (ایران) و آسیای میانه می‌گردید. قبل از گسترش دین مقدس اسلام، مدنیت آریایی به عنوان یکی از تمدن‌های باستانی در تاریخ قدیم جهان همیشه بحث‌های علمی دارد. بلخ مرکز و آغازگر زبان اوستایی و دین زردشتی بود. زردشت خود اهل و متولد شهر بلخ بود و به قول بیشتر مستشرقین زادگاه زردشت را بلخ، که در گذشته به نام بخدی یاد می‌شد، می‌دانند.

بنا بر روایتی بنیادگذار بلخ، جمشید یما بوده است. در زمان‌های پیش از اسلام بلخ مرکز و آغازگر زبان اوستایی و دین زردشتی بود و در دوره‌های فرامانروایی خاندان موریایی هند و کوشانیان از مراکز دین بودایی و محل معبد معروف «نو بهار» بود.

اولین حمله مسلمانان به بلخ در سال ۶۵۲ م. (۳۲ ه. ق.) به سرکرده‌گی احنف بن قیس صورت گرفت. بلخ در سال ۴۳ ه. ق. دوباره به تصرف مسلمانان درآمد؛ ولی در زمان قتبیه بن مسلم (متوفی ۹۶ ه. ق.) بود که کاملاً مغلوب آنان شد. در دوره اعراب، بلخ همراه با هرات، نیشاپور و مرو یکی از چهار رکن خراسان بود. در سال ۱۱۸ ه. ق. اسد بن عبدالله قسری پایتخت خراسان را از مرو به بلخ منتقل کرد و این شهر رونق یافت.

عمرو لیث صفاری نزدیک بلخ مغلوب اسماعیل سامانی شد و به قتل رسید و بلخ تحت سلطه سامانیان درآمد. در سال ۴۵۱ ه. ق. سلجوقیان تصرفش کردند و در دوره تیموریان ۹۱۱ ه. ق. تا اندازه‌یی شکوه گذشته را باز یافت؛ ولی پس از بنای مزار شریف در بیست کیلومتری آن، بلخ رو به انحطاط گذاشت.

امروز در ولایت بلخ که یکی از ولایات شمال افغانستان و مرکز آن شهر مزار شریف است به فاصله تقریباً بیست کیلومتر به سوی شمال در کنار شاهراه بلخ - جوزجان شهر کوچک بلخ موقعیت دارد. این شهر کوچک همان شهر باستانی بلخ است که با کلمه ویدی بهاکری رابطه داشته و این کلمه بعدها در زبان یونانی باکتریا گردید، که مرکز معروف مدنیت گریک و بودیک بود. بلخ مرکز ولایت‌های باکتریا و تخارستان گردید. زبان دری با تخارستان رابطه دارد و گاهه‌واره رشد و نموی آن باکتریا و تخارستان بوده است. شهر کوچک بلخ امروز نیز بازمانده این مدنیت‌های باستانی را درسینه خود دارد. در دوره اسلامی، بلخ یکی از مراکز عمده این مدنیت شد و به قبة الاسلام بلخ شهرت یافت.

در شهر کوچک بلخ امروز نیز مزارهای بزرگان دین، عرفای عالی مقام و شعرای بزرگ دیده می‌شود. از جاهای دیدنی این شهر کوچک، ویرانه مدرسه سبحانقلی خان، مسجد و

معبد خواجه محمد پارسا، مسجد نه گنبد، مزار محمد بن حسین خطیبی پدر کلان حضرت مولانا، مزار رابعه بلخی، مزار خواجه عکاشه وغیره می باشد.

پروژه بازسازی شهرکوچک بلخ در سال ۱۳۱۲ هـ ش. مطابق ۱۹۳۴م. شروع شد. امروز مزار و مسجد خواجه محمد پارسا در مرکز این شهر واقع است. بلخ یکی از مرکزهای صنایع پنبه، پوست قره قل و قالین می باشد. بادام کاغذی و خربوزه بلخ هم در سراسر افغانستان شهرت دارد.

شعرای بزرگ و دانشمندان عالی مقام چون رابعه بلخی، دقیقی بلخی، عنصری بلخی، ابن سینای بلخی، ابوالمؤید بلخی، شهید بلخی و ستاره درخشان ادب عرفانی ما حضرت مولانا جلال الدین محمد بلخی از همین شهر برخاسته اند. خوشبختانه امروز ولايت بلخ هنوز مهد و کانون فرهنگی است، که نوید آینده درخشان فعالیتهای علمی و فرهنگی این ولايت را با خود دارد. مکتبهای نوبهار بلخ، شقيق بلخی و فریده بلخی نیز در شهرکوچک بلخ موقعیت دارد. شهر مزار شریف مرکز ولايت بلخ است و یکی از شهرهای فرهنگی کشور بوده که اعمارتی بر مقبره حضرت علی صلوات الله علیہ و آله و سلم در عصر حکومت سلطان حسین باقرها و وزیر دانشمند او امیر علی شیر نوایی بنا شده که شهر را رونق بیشتر داده است. در آغاز سال نو مردم از سراسر افغانستان و کشورهای همسایه جهت تجلیل از میله عنعنوی نوروز عازم شهر مزار شریف می شوند. در این ایام شهر مزار شریف پر از مهمان می باشد. مردم مزار شریف مهماندار بوده مانند سایر مردم کشور ما مهمان نواز استند و از مهمانان شان پذیرایی گرم می نمایند.

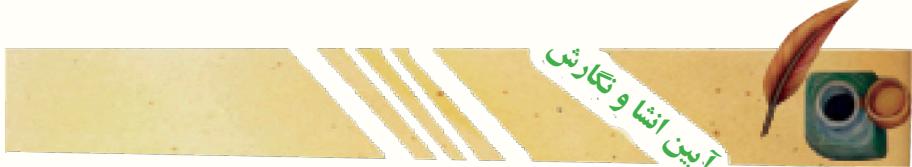


- * پیشدادی: نخستین سلسله آریایی که به روایت شهنهنامه فردوسی شاهان آن از کیومرث شروع و به گرشاسب ختم می شود.
- * اسطوره: صورت عربی شده واژه هستوریا به معنای افسانه، قصه و سخن پریشان است که جمع آن اساطیر می شود.
- * مسجد خواجه پارسا: این مسجد از دوره تیموری باقی مانده است که دارای مشخصات معماری آن دوره می باشد. این مسجد به یاد بود خواجه ابو نصر بن محمد بن محمود حافظی بخارایی در سال ۸۵۶ هـ ق. توسط حاکم بلخ میر فرید ارغون ساخته شد.
- * مسجد نه گنبد: این بنای قدیمی ترین مسجد اسلامی در افغانستان است. نظر به گفته باستان شناسان این مسجد قبل از مسجد بودایی بوده که در دوره اسلامی به مسجد تبدیل گردید.
- * مدرسه سبحانقلی خان حاکم بلخ که در قرن ۱۷ م ساخته شده است. این مدرسه مانند

مدارس بخارا بوده و ۱۵۰ اتاق داشته که افراد زیادی در آن درس می‌خوانندند. این مدرسه در جریان جنگ‌های پیغمبر تخریب گردیده است.

بیاموزیم

۱. بلخ ولایت باستانی کشور ما است که به نام‌های ام‌البلاد (مادر شهرها)، قبة‌الاسلام، بلخ، بامی یادشده است.
۲. این شهر از لحاظ فرهنگی، سیاسی و اقتصادی در طول قرن‌ها اهمیت زیادی داشته است.
۳. شعرای بزرگ و دانشمندان عالی مقام چون رابعهٔ بلخی، دقیقی بلخی، عنصری بلخی، ابن سینای بلخی، ابوالمؤید بلخی، شهید بلخی و ستارهٔ درخشان ادب عرفانی ما مولانا جلال الدین محمد بلخی از همین جا برخاسته‌اند.
۴. بلخ منطقه‌های حاصل خیز و نقطه‌یی پیوند برای بازارگانی میان شرق و غرب، و نیز برای بیش از هزار سال، محلی برای تبادلات بازارگانی و هنری بود.
۵. آریانای کهن در محور شهر باستانی بلخ مدنیت درخشان پنجهزار ساله را داشت. مدنیتی که شامل افغانستان کنونی، هند، فارس (ایران) و آسیای میانه می‌گردید.
۶. خوشبختانه امروز ولایت بلخ مهد و کانون فرهنگی است، که نوید آیندهٔ درخشان فعالیت‌های علمی و فرهنگی این ولایت را با خود دارد.
۷. بلخ یکی از مراکز صنایع پنبه، پوست قره قل و قالین می‌باشد. بدام کاغذی و خربوزهٔ بلخ هم در سراسر افغانستان شهرت دارد.
۸. شهر مزار شریف مرکز ولایت بلخ است و یکی از شهرهای فرهنگی کشور بوده که در آن عمارتی بر مقبرهٔ حضرت علی علیه السلام در عصر حکومت سلطان حسین بایقرا بنا شده و شهر را رونق بیشتر داده است.



توجه به قواعد دستوری

توجه به دستور زبان موجب جلوگیری از اشتباهات در نگارش می‌گردد و به ما کمک می‌کند، که جمله‌های بهتر، ساده، واضح و قوی ترتیب گردد. همین که قواعد دستوری را در نگارش در نظر بگیریم فاعل، فعل، قید هر کدام آن را در جایگاه مناسب به کار ببریم، نوشتهٔ ما

عاری از نوافض خواهد بود. در سراسر نوشته باید قواعد دستوری را رعایت کنیم و ارکان و اجزای جمله را در جای مناسب آن به کار ببریم.
چند نکته مهم را در نظر باید داشت:

الف- نخست جمله‌ها باید تا حد امکان کوتاه، کامل و رسا باشند؛ چنان‌که خواننده منظور نویسنده را خوب بفهمد.

ب- اگر نهاد(مبتدا) جمله جاندار باشد، لازم است که فعل جمله متناسب با آن باشد. یعنی با نهاد مفرد، فعل مفرد و با نهاد جمع، فعل به صیغه جمع به کار رود. به جمله‌های پایین دقت کنید:
انسان پاک رستگار می‌شود. (درست)

انسان‌های پاک رستگار می‌شوند. (درست)

انسان‌های پاک رستگار می‌شود. (نادرست)

ج- حذف فعل یا بخشی از آن باید به قرینه لفظی صورت گیرد، مگر در موارد خاص؛ مانند: جمله‌های تعجبی که حذف فعل، بدون قرینه لفظی هم عیبی ندارد. در هر حال، اگر تکرار فعل به زیبایی فعل لطمه نزند، فعل جمله را کامل بنویسید؛ اما یک حذف نادرست، از ارزش نوشتۀ شما می‌کاهد.

مثال:

ما وارد و به کار پرداختیم. (نادرست است-شدیم بدون قرینه حذف شده است).

ما وارد و مشغول کار شدیم. (درست است- حذف «شدیم» به قرینه لفظی است).

کار گروهی و سخنرانی

۱. شاگردان به سه گروه تقسیم شوند؛ سپس هر گروه در باره مدنیت‌های بلخ باستان با هم گفتگو نموده و از هر گروه یک نفر نتیجه را به دیگران بیان نماید.

۲. دو شاگرد به نوبت در باره یکی از چهره‌های پر افتخار بلخ باستان در مقابل صنف سخنرانی نمایند.

۳. در دسته‌های پنج نفری راجع به شهر یا منطقه زیست خود صحبت کنید. اگر در محل زیست شما هم آثار تاریخی وجود داشته باشد و یا صنایع محلی آن مشهور باشد؛ در باره آن باهم مشوره کنید و نماینده هر دسته خلاصه مطالب را برای دیگران بیان نماید.

املا و نگارش

۱. متنی را که توسط معلم گرامی خوانده می‌شود املا بنویسید.
۲. در مورد این تصویر متنی بنویسید که از هفت سطر کم نباشد.



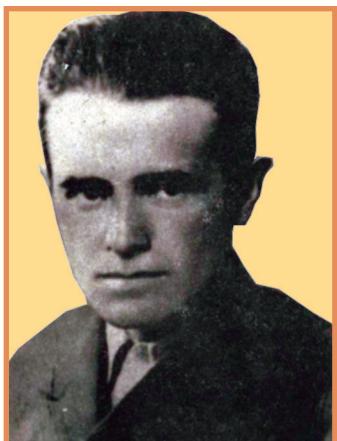
۱. بلخ در گذشته به کدام نامها یاد می‌شد؟
۲. بلخ در کدام سمت افغانستان واقع است؟
۳. از چند شاعر و دانشمند بلخ نام بگیرید.
۴. آثار تاریخی بلخ کدامهاند؟
۵. توجه به قواعد دستوری در نگارش چه اهمیت دارد؟



۱. در باره میله عننه‌بی گل سرخ متنی بنویسید.
۲. این بیت را حفظ کنید:
آشنایی‌های ظاهر پرده بیگانه‌گیست آب و روغن است در یک جویبار از هم جدا
بیدل
۳. متن کامل درس بعدی را خوانده و برای معرفی آن در روز آینده آماده‌گی بگیرید.

- درس امروز توسط یک تن از شاگردان طوری معرفی شود، که تشریحاتش جوابگوی سوالهای زیر باشد:
۱. شاه عبدالله بدخشی کی بود؟
 ۲. در مورد تحصیلات و فعالیت‌های بدخشی چه می‌دانید؟
 ۳. او در کجا و در کدام سال وفات یافت؟
 ۴. او چه کارهایی را انجام داد؟
 ۵. آثار او را چگونه ارزیابی می‌کنید؟
- در پایان، سوالها از چند شاگرد دیگر پرسیده شود.

شاه عبدالله یمگی بدخشی



شاه عبدالله یمگی بدخشی یکی از چهره‌های بارز ادبیات کشور، فرزند محمد سید خان در سال ۱۲۹۱ هش. در جرم بدخشنان چشم به جهان گشود؛ وی تعلیمات نخست را تا صنف چهارم در مکتب رشدیه زادگاهش فرا گرفت؛ سپس مقدمات زبان عربی و علوم دینی را آموخت و جهت آموزش بیشتر رهسپار کابل گردیده و در لیسهٔ غازی شامل شد. بار نخست در سال ۱۳۰۸ هش. به حیث خزانه دار جرم، کارمند گمرک در زیبک و تالقان به کار گماشته شد و پس از یک سال در ریاست تنظیمهٔ ولایت قطعن و بدخشنان به کتابت گماشته شد؛ در سال ۱۳۱۲ ه. ش. در آن جا مدیر تحریرات شد. در سال ۱۳۱۶ ه. ش. صدراعظم کشور او را به کابل فرا خواند و شاه عبدالله تا سال ۱۳۲۶ هش. در صدارت عظمی وظیفهٔ مدیریت داشت. وی از فاکولتۀ حقوق و علوم سیاسی فارغ التحصیل شد. چندی بعد عضو انجمن ادبی کابل گردید.

وی به زبان‌های دری، پشتو، اردو، عربی و انگلیسی آشنایی داشت و در میان روشنفکران از محبوبیت زیادی برخوردار بود. یمگی پس از برکناری امان الله خان، به جرم طرفداری از او، در خان آباد زندانی شد. بعد از آن سال‌ها در تبعید به سر برد و در سال‌های پایانی عمر، به بیماری سل مبتلا شد، برای درمان به هند سفر کرد و چند بار هم در شفاخانهٔ علی آباد بستری گردید و در سال ۱۳۳۷ ه. ش. در سن ۳۶ ساله‌گی وفات یافت. جسدش را در مرکز

جرائم بدخشنان انتقال داده در گورستان آبایی‌اش به خاک سپرده شد.
آثار شاه عبدالله یمگی بدخشی

۱. ارمغان بدخشنان: این اثر نخستین اثر شاه عبدالله است، که در سال ۱۳۱۱ هـ ش. در باره شاعران بدخشنان نگاشته شده است؛ این تذکره در سه جلد به نشر رسید. بار دیگر به کوشش فرید «بیرژن» با نگارش مقدمه کوتاه و افزایش معرفی چند تن از شعراًی متأخر در سال ۱۳۶۷ هـ ش. به تیراژ دو هزار نسخه در مطبوعه کابل به چاپ رسید.

۲. فرهنگ علما و فقهاء افغانستان: این اثر شناسنامه ۳۲۴ تن از رجال نامور، دانشمند، فقیه محدث، عارف و پیشوای مذهبی است، که از زمان امام ابو حنیفه(رح) تا سده هفتم هجری قمری را در بر می‌گیرد. وی می‌خواست این فرهنگ را به معاصران خود بکشاند؛ اما مرگ مجال تکمیل آن را برایش نداد و این اثر ناتمام ماند.

از سبک و شیوه نگارش آن چنین بر می‌آید که این اثر به صورت **دایرة المعارف** به ترتیب الفبا نوشته شده است. یمگی در تألیف این اثر بیشتر از کتب و مأخذ عربی استفاده کرده است.

۳. تاریخ یفتلی‌ها: این اثر یک تحقیق تاریخی می‌باشد که نویسنده دوران امپراتوری یفتلی‌ها را در آن بررسی کرده است.

۴. قاموس زبان‌های آریایی افغانستان: این کتاب، فرهنگ لغات زبان‌های پامیری می‌باشد که در دو جلد ترتیب شده است. جلد نخست آن شامل واژه‌گان لهجه‌های (گویشهای) موجود پامیری (اشکاشمی، منجی، زیباکی، روشنانی و شغنى) بوده. این مجلد از طرف ریاست «پشتون تولنه» به نام «د افغانستان د ځينو ژبو او لهجو قاموس» در سال ۱۳۳۹ هـ ش. با افزایش واژه‌های پشتون به جای معادل عربی آن‌ها در کابل به چاپ رسیده است.

شاه عبدالله بدخشی مقدمه شیوه‌ای در مورد اسلوب تحقیق زبان‌ها و علم زبان‌شناسی معاصر و رشته بندی آن به ویژه زبان‌شناسی مقایسی نوشت که می‌توان با استفاده از آن پیوندهای کهن سال مردمان گوناگون و وجوده مشترک زنده‌گی آن‌ها را که در گذشته‌های دور با هم اشتراکاتی داشته‌اند؛ رد یابی کرد. جلد دوم در شرح واژه‌گان شغنى، پراچي و پشه‌بی می‌باشد، که تا هنوز به چاپ نرسیده است. افزون بین مقاله‌ها و نویسندهایی نیز از او به صورت جداگانه در مجله‌های کابل و آریانا به چاپ رسیده است. یمگی مانند سایر ادبیات بدخشنان ذوق شعری هم داشت، که یکی از غزل‌هایش را به گونه نمونه می‌خوانیم:

عاشق موی میان و گل رخسار تو نیست
یکدلی نیست که زین واسطه افگار تو نیست
فتنه‌ها نیست که در دیده بیدار تو نیست

غیر من هیچ کسی تشنۀ دیدار تو نیست
لاله تنهان بود خون به دل از شوق رخت
نگله مسست تو تاراج دل زارم کرد

ماه من شهرت رویت به جهان شور افگند
والله حسن جهان سوز تو خوبان جهان
چه حوادث که در این صفحه رخسار تو نیست
کو عزیزی که در این مصر خریدار تونیست
رسته از تربت یمگی به تماشای تو گل
چه توان کرد در این منظره آثار تو نیست

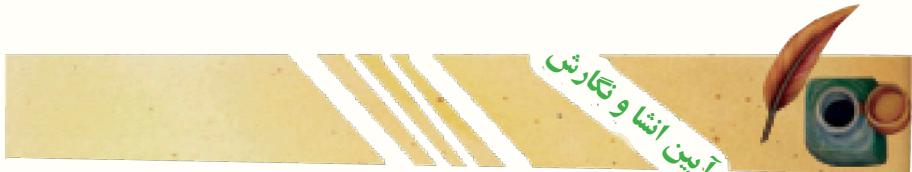


- * یمگان یکی از دره‌های سرسبز و خوش آب و هوای بدخشان است. این ساحه از کوههای انجمن، سرچشممه دریایی کوکجه آغاز می‌باید و تا شهرک جرم بدخشان ۱۵۴ میل فاصله را در بر می‌گیرد. در جنوب آن نورستان و در جنوب غربش پنجشیر واقع است. کان لا جورد در دره کران در انتهای جنوبی آن که از سالیان دراز بدین سو مورد استفاده قرار دارد، بیش از همه آن را معروف ساخته است. روزگاری یکی از شاخه‌های اساسی شاهراه ابریشم یمگان و حوالی آن بوده است که بخاراء، هندوستان، چین و کابل را باهم وصل می‌کرد و اهمیت استراتئژیک تجاری داشت. از دیر زمان گاه شاهان محلی و زمانی زمامداران خراسان ماواراءالنهر و هندوستان بر آن حکم می‌راندند.
- * شاه محمد سعید خان، از معززین بدخشان بود؛ در دوره امانی حاکم درواز و هواخواه نهضت مشروطه به شمار می‌رفت.

بیاموزیم

۱. شاه عبدالله یمگی بدخشی فرزند محمد سعید خان در سال ۱۲۹۱ هـ. در جرم بدخشان چشم به جهان گشود.
۲. یمگی تعلیمات ابتدایی را در زادگاهش فرا گرفت؛ سپس مقدمات زبان عربی و علوم دینی را آموخت و تحصیلاتش را در لیسهٔ غازی کابل به پایان رسانید؛ سپس از فاکولتۀ حقوق و علوم سیاسی فارغ‌التحصیل شد.
۳. یمگی با وجود سرگرمی‌های امور اداری لحظه‌یی از تحقیق و آموزش باز نمی‌ایستاد. وی به زبان‌های دری، پشتو، اردو، عربی و انگلیسی آشنایی داشت.
۴. شاه عبدالله پس از بر کناری امان الله خان، به جرم طرفداری از او، در خان آباد زندانی شد. بعد از آن سال‌ها در تبعید به سربرد و در سال ۱۳۲۷ هـ. ش. در سن ۳۶ ساله‌گی وفات یافت.

۵. آثار شاه عبدالله یمگی بدخشی عبارت اند از: ارمغان بدخشان، فرهنگ علماء و فقهاء افغانستان، تاریخ یفتلی‌ها، قاموس زبان‌های آریایی افغانستان، حقوق در اسلام و افرون برین مقالات و نوشه‌هایی نیز از او به صورت جداگانه در مجله‌های کابل و آریانا به چاپ رسیده است.



توجه به املا در نگارش: یکی از مهمترین و عمده ترین موضوعات در نگارش درست نوشتمن کلمه‌ها می‌باشد. هرگاه به املا توجه صورت نگیرد؛ معنای کلمه‌ها و جمله‌ها تغییر کرده باعث پراکنده‌گی در نوشته‌ما می‌گردد؛ خواننده به مشکل مواجه شده معنای درست متن را گرفته نمی‌تواند. در املای واژه‌ها و وصل و فصل ترکیب‌ها باید دقت داشته باشیم و هرگز لغاتی که املای درست آن را نمی‌دانیم، به کار نبریم یا به کتاب لغت مراجعه نماییم. گاهی تلفظ نادرست هم موجب اشتباه در املا می‌گردد.

چند راهنمایی برای املای کلمه‌ها

فعل‌هایی که با (ا) شروع می‌شود؛ مانند: «افکندن، انداختن، اندوختن، افراشتن، افتادن» هرگاه با جزء پیشین «ب» یا «ن» همراه شود، حرف (ا) به صورت «ی» در می‌آید:

ب + افکندم	بیفکندم
ب + انداختیم	بینداختیم
ب + اندوز	بیندوز
ب + افتادند	بیفتادند
ب + افزود	بیفزود

فعل‌هایی که با (آ) شروع می‌شوند؛ مانند: «آمدن، آوردن، آسودن، آراستن، آشامیدن و آلودن» هنگام پیوستن به جز پیشین «ب» علامت مد آن به «ی» تبدیل می‌شود:

ب + آمد	بیامد
ب + آوردیم	بیاوردیم
ب + آلودند	بیالودند

چنین بنویسیم

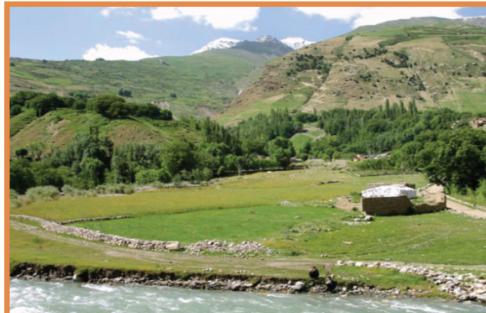
سؤال	سؤال
مسئله	مسئله
هیأت	هیئت
جرائم	جرائم
مسئول	مسئول
زکوة و صلوة	زکوة و صلوة
داود، کاووس	داود، کاووس
طاووس	طاووس

کار گروهی و سخنرانی

۱. شاگردان به دو گروه تقسیم شوند و در رابطه به شخصیت و فعالیت‌های شاه عبدالله یمگی بدخشی، یک گروه از گروه دیگر پرسش‌هایی طرح نمایند.
۲. یک یک نفر از شاگردان به نوبت در مورد اهمیت آثار شاه عبدالله بدخشی سخنرانی نمایند.
۳. شاگردان به دو گروه تقسیم شوند و در باره این که چگونه می‌توانند نشانه‌گذاری را در نگارش مراعات نمایند، با هم بحث و گفتگو نموده؛ سپس از هر گروه یک نفر نتیجه را به دیگران بیان کند.

املا و نگاشت

۱. متى را که توسط معلم محترم خوانده می‌شود، املا بنویسید.
۲. در باره تصویر زیر در کتابچه‌های تان یک متن ادبی بنویسید و در آن نشانه‌گذاری را رعایت نمایید.



منظره ولایت بدخشان



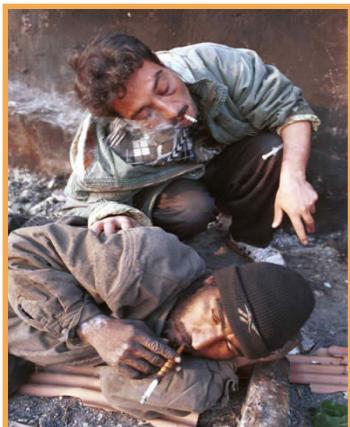
۱. شاه عبدالله بدخشی کی بود؟
۲. در مورد تحصیلات و فعالیت‌های شاه عبدالله بدخشی چه می‌دانید؟
۳. شاه عبدالله چرا زندانی شد؟
۴. قاموس زبان‌های آریایی افغانستان اثر کیست و در چند جلد نگاشته شده است؟
۵. ارمغان بدخشنان در برگیرنده کدام موضوع می‌باشد؟
۶. نشانه‌گذاری در نگارش چه اهمیت دارد؟
۷. هرگاه در نگارش توجه به املا صورت نگیرد با چه مشکل روبه رو خواهیم شد؟



۱. یک تن از شخصیت‌های ادبی و فرهنگی کشور را که در متن، نامی از آن‌ها برده شده است نظر به علاقمندی تان معرفی نمایید.
۲. این بیت را به حافظه بسپارید:
 رہ نیک مردان آزاده گیر
 چو ایستاده یی، دست افتاده گیر
 سعدي
۳. متن کامل درس بعدی را خوانده و برای معرفی آن در روزآینده آماده گی بگیرید.

- درس امروز توسط یک تن از شاگردان طوری معرفی شود، که تشریحاتش جوابگوی سوال‌های زیر باشد:
۱. عوامل اعتیاد چیست؟
 ۲. عوامل فردی و اجتماعی اعتیاد کدامها اند؟
 ۳. آیا داشتن دوستان ناشایسته در اعتیاد شخص نقش دارد؟
- در پایان معرفی، سوال‌ها از چند شاگرددیگر پرسیده شود.

عوامل اعتیاد به مواد مخدر



استعمال مواد مخدر و اعتیاد به آن می‌تواند، عوامل متعدد و مختلفی داشته باشد؛ از قبیل عوامل فردی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، جنگ‌ها، مهاجرت‌ها و غیره. از میان عوامل فوق به طور مشخص می‌توان از دو عاملی که نسبت به عوامل دیگر در اعتیاد و روی آوردن افراد به مواد مخدر بیشتر تأثیر گذار اند نام برد، که عبارت اند از: عوامل فردی و عوامل اجتماعی.

عوامل فردی: تمامی اسباب و علت‌هایی که از خود شخص منشأ گرفته و منتج به اعتیاد وی به مواد مخدر می‌گردد، به نام عوامل فردی یاد می‌شوند. در زیر نمونه‌ها و مثال‌های عوامل فردی را که باعث اعتیاد یک شخص به مواد مخدر می‌گردد نام می‌بریم:

دوره نوجوانی: پر مخاطره‌ترین دوران از نظر روآوردن به مواد مخدر دوره نوجوانی است. در این دوره نزد بعضی افراد دارای تربیت ضعیف و سیستاراده میل به استقلال و مخالفت با والدین به اوج می‌رسد. چنین اشخاص به خاطر خود نمایی، ارزش‌هایی خانواده‌گی را زیر پا می‌نمایند. علاوه‌تا حس کنگرکاوی که از خصوصیات بازی این دوره است باعث تشویق فرد به مصرف مواد مخدر می‌گردد.

عدم اعتماد به نفس: عدم اعتماد به نفس و یا عوامل دیگر شخصیتی با مصرف مواد ارتباط دارد. به هر اندازه‌یی که شخص اراده ضعیف، فقدان کنترول بر خواهشات نادرست و تربیت‌ناپذیری و بالاخره ضعف اعتماد به نفس داشته باشد به همان پیمانه زودتر به مخدرات آگشته می‌شود.

اختلال روانی / افسرده‌گی: بیشترین موارد اعتیاد به مواد مخدر با اختلال روانی رابطه دارد که بازترین آن‌ها همانا افسرده‌گی، اختلال‌های شخصیتی و اجتماعی می‌باشد.

بی‌سپریستی: بعضی از جوانان و نوجوانان در موقعیت‌ها و شرایطی قرار دارند، که آن‌ها را در معرض خطر مصرف مواد مخدر قرار می‌دهد. مهمترین این موقعیت‌ها بی‌سپریستی و یا فرار آن‌ها از خانه می‌باشد. جوانان در همچو موقعیت‌ها زود تر و آسانتر شکار آلوده‌گی به مواد مخدر می‌شوند.

نگرش مثبت به مواد مخدر: یکی از عوامل اعتیاد به مواد مخدر پیدا کردن نگرش مثبت و قضاوت خوش بینانه نسبت به مخدرات است. بعضی از معتادان فکر می‌کنند، که گویا مواد مخدر در رفع دردهای جسمی و خسته‌گی، کسب آرامش روانی، روحیه قوی و بخشیدن جرأت و غیره خیلی مؤثر است؛ در حالی که اعتیاد به مواد مخدر سر انجام این قدرت‌ها را از انسان‌ها می‌گیرد.

تأثیرات مؤقت و زود گذرا مواد مخدر بر فرد: مواد نشئه آور و مخدر مثل الکول، هیروئین، کوکائین و غیره بعضی اوقات به ویژه در مراحل آغازین استعمال، یکنوع سرخوشی و آرامش کاذب را به همراه دارد، که این حالت افراد معتاد را وادار به مصرف دائمی مواد مخدر می‌کند؛ بدون اینکه از پیامدهای ناگوار و عواقب وخیم آن آگاهی داشته باشند.

عوامل اجتماعی: نابسامانی‌های موجود در محیط خانواده و یا اجتماع که به نحوی منجر به اعتیاد اشخاص به مواد مخدر می‌گردد به نام عوامل اجتماعی یاد می‌شود. در زیر چند عامل اجتماعی را که سبب مبتلا شدن یک فرد به مواد نشئه آور می‌گردد، به گونه مثال ذکر می‌نماییم:

- * عدم مراقبت جدی و غفلت والدین از فرزندان شان؛
- * داشتن دوستان ناشایسته و معتاد به مواد مخدر؛
- * نبود قوانین و مقررات جدی بر ضد مواد مخدر و یا ضعف در تطبیق قوانین؛
- * موجودیت بازار خرید و فروش مواد مخدر؛
- * بیکاری یا نداشتن مصروفیت سالم؛
- * عدم موجودیت تبلیغات مؤثر علیه مواد مخدر؛
- * محرومیت‌های اجتماعی نوجوانان، جوانان و حتا بزرگ سالان؛
- * فقر اقتصادی و یا غنای اقتصادی؛
- * عدم آگاهی از دسایر و احکام اسلامی و اخلاقی.

* عدم آگاهی از اضرار مواد مخدر به خصوص اضماری که در دراز مدت ظاهر می‌گردد.
تحقیقاتی که بالای معتقدان تحت مداوا انجام شده است، نشان می‌دهد که اکثر یت
معتقدان افرادی اند، که قبل از اعتیاد دچار عقده‌های حقارت، افسرده‌گی، گوشه‌گیری و حس
بد بینی نسبت به همنوعان بوده اند و اغلبًا با خانواده‌های خویش روابط نادرست داشته و یا
در کشمکش با اعضای خانواده قرار داشته اند.

در حقیقت می‌توان گفت: که فشارهای روانی، عقده‌ها، احساس خود کم بینی و محرومیت‌ها
در حدود ۸۰٪ فیصد عامل اساسی روی آوردن افراد به مواد مخدر می‌باشد. در پهلوی عوامل
فوق یک‌عدد عوامل دیگری نیز در روی آوردن افراد به مواد مخدر تأثیرگذار است:
شکست در زنده‌گی افرادی، که در اهداف خویش ناکام مانده اند. برای رهایی از فشارهای
روحی و افسرده‌گی، به مواد مخدر پناه می‌برند؛ همچنان کسانی که دارای شخصیت ضعیف
بوده و در اجتماع مورد توجه قرار نمی‌گیرند دچار عقده حقارت می‌گردند و در صدد آن
می‌شوند، که خود را به شکلی از اشکال تبارز بدهنند، تا مورد توجه قرار گیرند و مردم به آن‌ها
احترام قایل گردند. برای حصول این مقصد این اشخاص عقده مند می‌خواهند به خود یک
شخصیت ولو کاذب هم باشد، بسازند که پناهبردن به مواد مخدر و از آن طریق توجه مردم
را به خود جلب نمودن یکی از این موارد است.



* هیروپین: یکی از مشتقات تریاک بوده و نام کیمیاوی آن «دی استیل - مورفین»
می‌باشد. در سال ۱۸۷۴م. توسط یک دانشمند انگلیسی کشف شد. این ماده توسط عملیه
تقطیر از مورفین استحصلال می‌شود.

هیروپین یک ماده مخدر بسیار قوی و کشنده بوده و قدرت مسموم کننده‌گی پنج
برابر مورفین را دارا و خاصیت اعتیاد آوری آن خیلی شدید است و گذشته از زیان‌های
اجتماعی و اقتصادی، عامل دهان نوع بیماری جسمی و روحی از قبیل: ایدز، زردی، تضعیف
سیستم دفاعی بدن، افسرده‌گی، تشنجه، ضعف حافظه، انقباضات شدید معده، احساس ضعف
و کسالت و انواع سرطان‌ها می‌باشد.

در شریعت اسلامی هر آن‌چه پاک و مفید است مشروع و هر آن‌چه مضر و زیان آور و ناپاک
است، ممنوع می‌باشد؛ بنابر این مواد مخدر و نشئه‌آور از قبیل شراب، چرس، تریاک، هروپین،
مورفین، کوکایین و غیره مواد نشئه‌آور که بدون شک زیان‌های جسمی و روحی، اجتماعی و
اقتصادی بی‌شماری دارند، به طور قطع ممنوع است؛ پس بدین اساس استفاده و عملی نمودن

دستایر اسلام در مورد ترک و از بین بردن مواد مخدر وسیلهٔ خوبی برای سعادت بشر، رفاه همه‌گانی و ایجاد یک جامعهٔ با ثبات و مبرا از مواد مخدر به حساب می‌روند.

بیاموزیم

۱. استعمال مواد مخدر و اعتیاد به آن، عوامل متعدد و مختلفی دارد. از قبیل عوامل فردی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، جنگ‌ها، مهاجرت‌ها و غیره.
۲. تمام علت‌هایی که از خود شخص منشأ گرفته و منتج به اعتیاد وی به مواد مخدر می‌گردد. به نام عوامل فردی یاد می‌شوند.
۳. نابسامانی‌های موجود در محیط خانواده و یا اجتماع که به نحوی منجر به اعتیاد اشخاص به مواد مخدر می‌گردد، به نام عوامل اجتماعی یاد می‌شوند.
۴. فشارهای روانی، عقده‌ها، احساس خود کم بینی و محرومیت‌ها در حدود ۸۰٪ فیصد عامل اساسی روی آوردن افراد به مواد مخدر می‌باشد.



رعایت نشانه‌گذاری در نگارش

برای اینکه هر نوشته، منظور نویسنده آن را کامل و دقیق برساند، علامت‌های خاصی را در آن به کار می‌برند؛ مثلاً: جمله «نادیه از سفر برگشت» را در نظر می‌گیریم. چون در آخر آن علامتی وجود ندارد فهمیده نمی‌شود، که جمله خبری است یا پرسشی یا تعجبی. حال سه نوع علامت را در آخر آن به کار می‌بریم.

۱. نادیه از سفر برگشت.
۲. نادیه از سفر برگشت؟
۳. نادیه از سفر برگشت!

در جمله‌های فوق می‌بینیم که مفهوم هر کدام با گذاشتن علامت واضح و آشکار شد؛ بنابراین نویسنده با گذاشتن علامت مورد نظر خود، می‌تواند منظورش را بهتر برای خواننده انکاس دهد.

فواید نشانه‌گذاری

۱. مطالب و هدف‌های نویسنده را به خوبی روشن می‌سازد.
۲. لحن سخن و بسیاری از عواطف تن و ملایم نویسنده را به خواننده منتقل می‌سازد.
۳. به خواننده کمک می‌کند تا نوشته را درست تر و آسانتر بخواند و در نتیجه منظور نویسنده را بهتر درک کند.

نقطه(.)

۱. در پایان جمله‌های امری و خبری به کار می‌رود؛ مثلاً:
همه مردم به نوشتن نیاز دارند.
هرگز از خداوند غافل نشوید.
۲. هرگاه که حرف اول کلمه یا اسمی به صورت اختصاری باید.
افغانستان در سال ۱۳۹۸هـ. ش. به استرداد استقلال موفق شد.

سؤالیه(؟)

۱. این علامت در آخر جمله‌های پرسشی می‌آید:
خانه شما کجاست؟

علامت تعجب!

۱. در آخر جمله تعجبی می‌آید؛ راستی، عجب روزگاری است!
۲. بعد از اصوات و گاهی بعد از منادا قرار می‌گیرد؛ به به! زنهار! عجب! خوش! آفرین!
خدایا!

ویرگول یا کامه(،)

۱. در پایان جمله‌های ناقص پیرو می‌آید:
هنگامی که وارد شد، شادمان به نظر میرسید.
چو بد کردی، مباش ایمن زافت.
۲. هر گاه چند کلمه در جمله، دارای نقش مشترک باشند دو تای آخر آن را با حرف «و» به
هم می‌پيوندیم؛ اما بقیه را باعلامت ویرگول:
هر دانش آموز با هوشی نسبت به درس، کوشش، علاقه و پشتکار دارد.

سیمیکولن(:)

۱. برای جداکردن جمله‌هایی که از جهت ساختمان و مفهوم، مستقل به نظر میرسند؛ ولی
در یک عبارت طولانی، از جهت بیان کلی یک مطلب، به یکدیگر پیوسته باشند و یا از یک
حکم کلی پیروی کنند:
نه هر که به قامت مهتر؛ به قیمت بهتر.
الهی! می‌پنداشتم که تو را شناختم؛ اکنون آن پنداشت و شناخت را در آب انداختم.

خط فاصله (-)

۱. هرگاه بخشی از یک نوشته به صورت سؤال و جواب یا بحث و مکالمه باشد، گوینده‌گان آن مشخص نباشد، برای بار نخست نام‌ها را می‌نویسند؛ ولی پس از آن، سخن هر کدام را بعد از خط فاصله در اول سطر می‌نویسند.

دیروز حسین را دیدم؛ از او پرسیدم:

حالت چطور است؟

خوب استم.

امتحانات چطور شد؟

کامیاب شدم.

«گیومه»

در موارد زیر به کار می‌رود:

۱. هنگامی که سخنی را عیناً از کسی یا جایی نقل قول کنند؛ مثلاً: پیامبر ﷺ فرموده اند: «طلب علم بر هر مسلمان فرض است.»

۲. هرگاه بخواهند عنوان آثار هنری، مقاله، شعر یا کتاب را در جمله‌یی بیاورند؛ مانند: سعدی «بوستان» را در ۶۵۵ هـ. ق. سرود و «گلستان» را در ۶۵۶ هـ. ق. نوشت.

شارحه یا دو نقطه بیانی (:)

هرگاه در جمله به سخن کسی یا مطلبی از جایی اشاره شود؛ سپس عین آن مطلب نقل شود؛ مانند:

معلم گفت: شاگرد خوب همیشه با همصنفان خود برخورد نیک می‌داشته باشد.

کار گروهی و سخنرانی

۱. شاگردان به دو گروه تقسیم شوند و در باره عوامل اعتیاد، یک گروه از گروه دیگر پرسش‌هایی طرح نمایند.

۲. یک نفر از شاگردان به نوبت در مورد اضرار مواد مخدر سخنرانی نمایند.

۳. شاگردان به دو گروه تقسیم شوند و در باره فواید نشانه‌گذاری با هم بحث و گفتگو نمایند؛ سپس از هر گروه یک نفر نتیجه را به دیگران بیان کند.

املا و نگارش

۱. متنی که توسط معلم محترم خوانده می‌شود، املا بنویسید.
۲. در باره تصویر داده شده در کتابچه‌های تان یک متن ادبی بنویسید و در آن نشانه‌گذاری را رعایت نمایید.



۱. کدام عوامل باعث اعتیاد شخص به مواد مخدر می‌شود؟
۲. عوامل فردی اعتیاد را نام بگیرید.
۳. فشارهای روانی چه تأثیری در معتاد شدن شخص به مواد مخدر دارد؟
۴. استفاده مواد مخدر را از دیدگاه اسلام چگونه ارزیابی می‌کنید؟
۵. چرا بعضی از جوانان به مواد مخدر معتاد می‌گردند؟
۶. عوامل اجتماعی اعتیاد در بر گیرنده کدام موضوعات می‌باشد؟

۷. چرا نشانه‌گذاری در نگارش اهمیت دارد؟
۸. علامت سیمیکولن در کدام جمله‌ها به کار می‌رود؟
۹. موارد استعمال گیومه را بیان نمایید.
- ۱۰ در مورد کاربرد کامه در جمله چه می‌دانید؟



۱. کدام راه‌ها را برای جلوگیری از اعتیاد به مواد مخدر پیشنهاد می‌کنید؟
۲. بیت‌های زیر را حفظ کنید:
- | | |
|---------------------------|--------------------------|
| شاخ بی بار دل بگریاند | جان بی علم تن بمیراند |
| خنک آن را که علم شد دمساز | علم باشد دلیل نعمت و ناز |
| سنایی | |
۳. متن کامل درس بعدی را خوانده و برای معرفی آن در روزآینده آماده‌گی بگیرید.

- درس امروز توسط یک تن از شاگردان طوری معرفی شود، که تشریحاتش جوابگوی پرسش‌های زیر باشد:
۱. زبان‌شناسان زبان‌های جهان را چگونه تقسیم بندی کرده‌اند؟
 ۲. چرا زبان‌شناسان به تقسیم بندی به اساس خانواده روى آورند؟
 ۳. خانواده‌های زبان‌ها را نام بگیرید.
 ۴. کدام خانواده زبان بیشتر از همه مورد تحقیق و پژوهش قرار گرفته است؟
 ۵. خانواده زبان‌های هندواروپایی شامل کدام زبان‌هاست؟
 ۶. خانواده زبان‌های حامی سامی کدام کشورها را در بر می‌گیرد؟
 ۷. خانواده زبان‌های آلتایی یا تورانی شامل چند شاخه مهم می‌باشد؟
 - در پایان معرفی، همین پرسش‌ها از چند شاگرد دیگر پرسیده شود.

خانواده زبان‌ها

زبان چون مهمترین و سیله ارتباط میان مردم جهان است، از دیر باز مورد توجه و بررسی محققان و زبان‌شناسان قرار گرفته است. هر چند تعیین دقیق تعداد زبان‌هایی که مردم جهان بدان سخن می‌گویند دشوار است؛ زیرا باز شناختن زبان‌های اصلی از زبان‌های فرعی و گویش‌ها (لهجه‌های) محلی کار آسانی نیست؛ باز هم زبان‌شناسان صرف نظر از زبان‌های فرعی گویش‌های محلی، شمار زبان‌های جهان را بیش از سه هزار تخمین کرده‌اند. زبان‌شناسان برای مطالعه بیشتر و تثبیت زبان‌های هم‌ریشه به بخش بندی زبان‌ها پرداختند. نخست به بخش بندی بر اساس ساختمان زبان پرداختند؛ سپس با پیشرفت زبان‌شناسی تطبیقی و تاریخی و با کشف این نکته که بسیاری از زبان‌ها از اصل واحد به وجود آمده اند به جای طبقه بندی بر پایه ساختمان به طبقه‌بندی بر اساس خانواده روى آورند. فرض کردند چند زبان مشابه و نزدیک به هم از یک زبان قدیمی‌تر به نام زبان مادر جدا شده است و بر این اساس برای زبان‌ها این خانواده‌ها را قایل شدند.

۱. خانواده زبان‌های هند و اروپایی

هیچ خانواده زبانی مثل هند و اروپایی به طور همه جانبه مطالعه نشده است. روش‌های واقعی زبان‌شناسی تاریخی در کاوش‌ها و بررسی‌های خانواده هند و اروپایی انکشاف یافته‌اند؛ همچنین هند و اروپایی یک خانواده خیلی دلچسپ است؛ زیرا بیشترین اسناد نوشتاری شاخه‌های آن از زمان‌های مختلفی حفظ شده است.

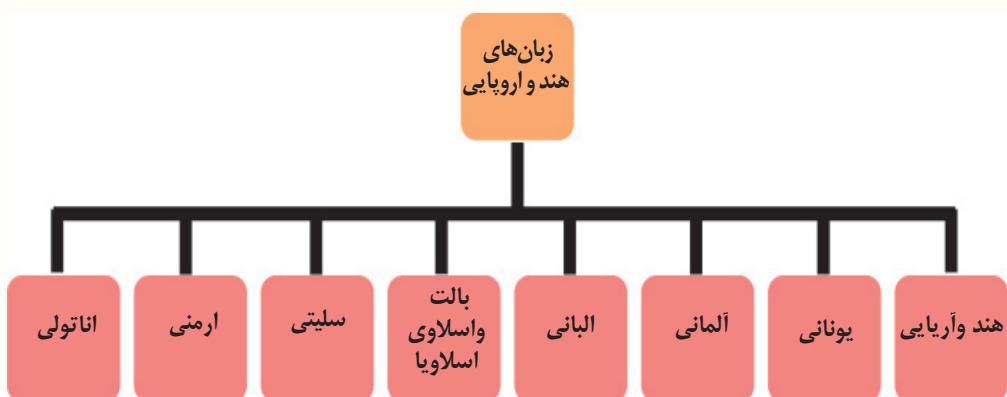
زبان‌های هند و اروپایی، به مجموعه زبان‌هایی گفته می‌شود که دارای ریشه مشترک بوده

و دامنه آن از نیم قاره هند تا قاره امریکا گسترده می باشد.
پیرامون نخستین پرورشگاه زبان های هند و اروپایی، عقاید و آرای مختلفی وجود دارد؛ ولی بیشتر دانشمندان، سرمیمین های بین سردریا و آمودریا را مهد نخستین آن می دانند که گوینده گان آن، نخست از مناطق متذکره برخاسته، از راه جنوب اورال و شمال بحیره خزر به سمت خاور رسپار شدند و برخی دیگر از شمال اکسوس (رود آمو) به طرف جنوب مهاجرت نمودند.

میان زبان های هندواروپایی؛ مانند: لاتین، سانسکریت و... مشابهت هایی وجود دارد، که این تشابهات نه تنها در عرصه همگونی واژه ها؛ بل از دیدگاه دستوری نیز همانندی هایی را دارا می باشند.

تشابه دستوری این زبان ها را نخستین بار در سال (۱۸۷۶م.) گرامر مقایسوی به اثبات رسانیده و وانمود ساخت. این امر مبین آن است که روزگاری گوینده گان این زبان ها باهم زنده گانی مشترک داشته اند و در آغاز از زبان مشترکی استفاده می نمودند. که آن زبان را به نام زبان مادر و ((هند و اروپایی)) نامیده اند؛ سپس به مرور زمان، زبان ها و گویش های متعدد دیگری از آن زبان اصلی زاده شده و گوینده گانی زیادی توسط آن زبان سخن گفته اند. چنانچه قبل از متذکر شدیم، نه تنها میان واژه های این زبان ها مشابهت هایی به مشاهده میرسد؛ بل در ترکیب دستوری آن ها نیز همگونی هایی هویداست، که سبب بنیادین این تشابهات را دانشمندان، منوط به روابط تجاری، آیینی، همسایه گی، مهاجرت ها و برخی عوامل دیگر می دانند.

زبان های باستانی سرمیمین ما نیز از مشتقات هند و اروپایی بوده است، که دارای فروعات و شاخه های بی شماری بوده و مشهور ترین آن ها باختری باستان، اوستایی و پهلوی خراسانی می باشد. اینک جهت وضاحت بیشتر و بهتر، شاخه بندی زبان مادر را در جدول زیر، چنین به مطالعه می گیریم:



شاخه هند و آریایی زبان‌های (باستانی و نوین) هند، ایران، افغانستان و برخی کشورهای دیگر همسایه را دربر می‌گیرد. مهمترین و کهن ترین این زبان‌ها، زبان سانسکریت است. کهن ترین متن‌هایی که از این زبان در دست است و یداها می‌باشند، که تاریخ نوشتن آن‌ها به پیشتر از ۱۲۰۰ ق.م. می‌رسد. بسیاری زبان‌های نوین هند از قبیل: بنگالی، هندی و مراتی از پساینده‌گان گونه‌های سانسکریت به شمار می‌روند. در جانب آریایی، دو زبان مهم فرس باستان و اوستا می‌باشد. از فرس باستان سنگ‌نوشته‌هایی از سده‌های ششم و پنجم میلادی در دست است. از اوستا کتاب‌های مقدس آیین زرتشتی در دست است، که در حدود سال‌های ۱۲۰۰ ق.م. نوشته شده و زبان‌های فارسی-دری، کردی، پشتو و اوسي را در بر می‌گیرد.

سه شاخه دیگر هند و اروپایی که هر کدام زبان جدایگانه‌یی را می‌سازند ارمنی، یونانی و البانی می‌باشند. کهن ترین متن‌های ارمنی از سده‌های پنجم ق.م تاریخ‌گذاری می‌شود؛ اگرچه برخی از بخش‌های حماسه هومر، الیاد و اودیسه شاید تا ۱۰۰۰ سال قبل از میلاد برسد. زبان یونانی در نسخه‌هایی از سده هفتم چهره نما می‌شود.

شاخه آلمانی هندو اروپایی به سه بخش خاوری، شمالی و باختری تقسیم می‌شود و زبان‌های نوین آلمانی شمالی دنمارکی، نارویژی، سویدنی و آیسلندی می‌باشد. دسته بالت و سلاوی به دو دستهٔ فرعی جدا می‌شود: بالتی و سلاوی، که زبان‌های لیتوانی و لتوا اساس دستهٔ بالتی را تشکیل می‌دهد و این زبان‌ها در جمهوری لتوانی و لتوا هنوز هم گپ زده می‌شود. گوینده‌گان زبان‌های سلاوی بسیار زیاد اند؛ که مهمترین زبان‌های سلاوی روسی می‌باشد؛ همچنان زبان‌های اوکراینی، چک، سلوک، کروتی و بلغاری نیز شامل این دسته می‌باشند.

۲. خانواده زبان‌های سامی، حامی

پس از هند و اروپایی، دسته‌یی که بسیار بالای آن تحقیق صورت گرفته خانواده سامی است، که شامل زبان‌های سراسر شبه جزیره عربستان و قسمتی از سرزمین‌های عراق، سوریه، لبنان، فلسطین، اردن و افریقای شمالی، حبشه و سومالی است. این خانواده به دو شاخه تقسیم می‌شود:

(الف) شاخه سامی: شامل زبان‌های اکدی کهن (بابلی، آشوری) کنعانی، فنیقی، آرامی، سریانی، عربی، عبری و حبشه می‌باشد.

(ب) شاخه حامی: شامل زبان‌های قبطی، مصری، نوشه‌های هیروگلیفی، زبان‌های لیبیایی و ببری قدیم می‌باشد.

۳. خانواده زبان‌های اورالی یا فینو اوگریک

شامل زبان‌های فنلاندی، لاتنی، مجاری، استونی و همچنین زبان‌هایی، که در اورال و

بعضی از نقاط شوروی سابق به آن‌ها سخن گفته می‌شوند.

۴. خانواده آلتایی یا تورانی: آلتایی سه شاخه مهم دارد.

(الف) شاخه‌ترکی: بر علاوه زبان ترکی این شاخه شماری از زبان‌های آسیای میانه؛ مانند: اوزبیکی، قزاقی، قرغزی وغیره را در بر می‌گیرد.

(ب) شاخه تونگوز: یکی از زبان‌های این شاخه مانچو است. زبان‌های ایقینکی و گولدی است؛ که این زبان‌ها را قبیله‌های پراکنده در سایبریای شمالی به کار می‌برند.

(ج) شاخه منگولیایی: زبان رسمی مردم منگولیا و زبان‌های اقلیت‌های شوروی سابق و چین را در بر می‌گیرد.

۵. خانواده زبان‌های چینی و تبتی: شامل زبان‌های چینی، تبتی، برمایی، سیامی می‌باشد.

۶. خانواده زبان‌های افریقاًی: شامل زبان‌های سومالیایی، گینه‌یی و بانتو می‌باشد.

۷. خانواده زبان‌های اقیانوسیه: شامل زبان‌های اندونیزی، پلنزی و ماله می‌باشد.



* در نام‌گذاری خانواده‌های زبان راهی است که توسط آن، خانواده را از روی نام، جاهايی که در منتهای فراخناص جغرافیایی خانواده افتیده باشد، نام می‌دهند. از این نگاه، به نام هند و اروپایی معروف است؛ زیرا وابسته‌های آن از هند در خاور گرفته تا اروپا در باخته پخش شده است.

بیاموزیم

۱. زبان‌شناسان شمار زبان‌های جهان را بیش از سه هزار تخمین کرده‌اند.

۲. زبان‌شناسان با در نظر داشت این موضوع، که بسیاری از زبان‌ها از اصل واحد به وجود آمده‌اند، تقسیم بنده زبان‌ها را به اساس خانواده نمودند.

۳. زبان‌ها به خانواده‌های هند و اروپایی، حامی، سامی، اورالی، تبتی و چینایی، افریقاًی و اقیانوسیه تقسیم گردیده‌اند.

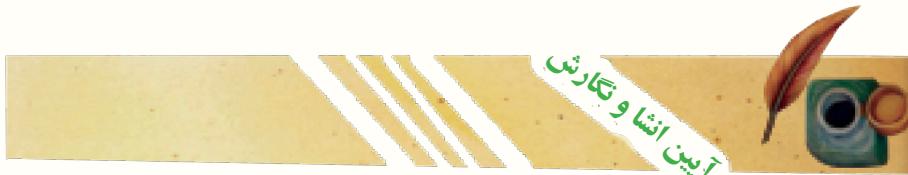
۴. زبان‌های هند و اروپایی، به مجموعه زبان‌هایی گفته می‌شود که دارای ریشه مشترک بوده و دامنه آن از نیم‌قاره هند تا قاره امریکا گسترده می‌باشد.

۵. میان زبان‌های هند و اروپایی؛ مانند: لاتین، سانسکریت و... مشابهت‌هایی وجود دارد، که این تشابهات نه تنها در عرصه همگونی واژه‌های بل از دیدگاه دستوری نیز همانندی‌های را

دارا می‌باشند.

۶. شاخه هند و آریایی زبان‌های (باستانی و نوین) هند، ایران، افغانستان و برخی کشورهای دیگر همسایه را در بر می‌گیرد.

۷. شاخه‌های دیگر هند و اروپایی که هر کدام زبان جداگانه‌یی را می‌سازند؛ عبارت اند از: زبان ارمنی، یونانی، آلمانی سلیتی، انگلیسی، تخاری، بالت و سلاوی و البانی می‌باشند.



نگارش تشریحی: نوشته‌هایی را گویند که در آن موضوعی با موشگافی و دقت هر چه بیشتر شرح داده شده باشد. این نوع نوشته‌ها را به دو دسته عینی و ذهنی تقسیم می‌کنند:

۱. نگارش تشریحی عینی: عبارت است از نوشته‌هایی که نویسنده صحنه یا موضوعی را به چشم خود دیده؛ سپس جزء آن را به روی کاغذ آورده باشد. طوری که شنونده یا خواننده بتواند به خوبی آن منظره یا آن شی را در نظر مجسم کند. در این نگارش‌ها هر چه دقت در مشاهده باشد و ریزه کاریها تشریح شده باشد رنگ و جلوه آن زیادتر است. نشرهای تاریخی؛ مانند: نثر تاریخ بیهقی نیز جزء این نوشته‌ها می‌باشد.

۲. نگارش تشریحی ذهنی: در این نگارش‌ها نویسنده صحنه یا موضوعی را در ذهن خویش مجسم کرده و شرح جزئیات آن را داده باشد، طوری که برای خواننده تصور گردد که نویسنده خود شاهد بوده و به چشم دیده باشد؛ مثلاً: داستان ابن سماک بیهقی را می‌توان از جمله این نگارش‌ها دانست.

اگر شاگردان به نوشته‌های تشریحی ذهنی و عینی، خود را عادت دهند، در آینده نویسنده‌گان خوب خواهند شد.

کار گروهی و سخنرانی

۱. شاگردان به دو گروه تقسیم شوند و در رابطه به خانواده زبان‌ها، یک گروه از گروه دیگر پرسش‌هایی طرح نمایند.

۲. شاگردان یک یک نفر به نوبت در مورد خانواده زبان‌های هند و اروپایی سخنرانی نمایند.

۳. شاگردان به دو گروه تقسیم شوند و در باره نگارش‌های تشریحی با هم بحث و گفتگو نموده؛ سپس از هر گروه یک نفر نتیجه را به دیگران بیان کند.

۴. چند شاگرد به نوبت در مورد زبان‌های رایج در کشور معلومات بدھند.

املا و نگارش

۱. متنی را که توسط معلم محترم خوانده می شود، املا بنویسید.
۲. در باره تصویر پایین در کتابچه های تان یک متن ادبی بنویسید و در آن نشانه گذاری را رعایت نمایید.



۱. زبان شناسان زبان های جهان را به کدام بخش ها تقسیم بندی کردند؟
۲. زبان شناسان با در نظر داشت کدام اصل، بخش بندی زبان ها را به اساس خانواده انجام داده اند؟
۳. خانواده هند و اروپایی شامل کدام زبان هاست؟
۴. در زبان های هند و اروپایی کدام مشابه ها وجود دارد؟
۵. خانواده حامی، سامی کدام زبان ها را در بر می گیرد؟
۶. شاخه هند و آریایی کدام کشورها را در بر می گیرد؟
۷. شاخه تونگوز شامل کدام خانواده زبانی بوده و شامل کدام زبان ها می شود؟
۸. نگارش تشریحی به چند دسته تقسیم گردیده، هر کدام را نام بگیرید?
۹. نگارش های تشریحی عینی را توضیح نمایید.
۱۰. نگارش های تشریحی ذهنی چگونه نگارشی است؟



۱. در رابطه به نقش زبان در زندگی مطلبی بنویسید و در آن نشانه گذاری را رعایت نمایید.
۲. ایات زیرین را حفظ کنید:
بر تراز دیدار روی دوستان
هیچ شادی نیست اندر این جهان
از فراق دوستان پر هنر
هیچ تلخی نیست بر دل تلخ تر
رودکی
۳. متن کامل درس بعدی را خوانده و برای معرفی آن در روز آینده آماده گی بگیرید.

- درس امروز توسط یک تن از شاگردان طوری معرفی شود، که تشریحاتش جوابگوی پرسش‌های زیر باشد:
۱. غلام محی الدین انیس کی بود؟
 ۲. او در کدام عصر میزیست؟
 ۳. او چه کارهایی را انجام داد؟
 ۴. او در کجا و در کدام سال وفات یافت؟
 ۵. آثار او را چگونه ارزیابی می‌کنید؟
- در پایان معرفی، همین پرسش‌ها از چند شاگردیگر پرسیده شود.

غلام محی الدین انیس



غلام محی الدین انیس فرزند غلام نقشبند، زادگاه اصلی اش ولسوالی مقر ولایت غزنی است. تاریخ تولیدش دقیق معلوم نیست کودکی وی مقارن دوره زمامداری عبدالرحمان خان (۱۲۷۹-۱۲۵۸هـ). بود به نسبت اختناق در کشور و مظالمی که عبدالرحمان خان علیه قوم اندر و مبارز مشهور ملا مشک عالم در غزنی نموده بود، سه هزار خانواده تحت ظلم و شکنجه قرار گرفتند. خانواده انیس تبعید گردیده و در مصر سکونت اختیار کرد.

انیس در آن جا توانست که از روح مکتب سید جمال الدین افغانی و اندیشه شاگردان مصری اش به خصوص شیخ عبده در قاهره، استفاده اعظمی برده و تحصیلات خود را در مصر تکمیل نماید. آن زمان در قاهره، که خیزش‌های فکری، سیاسی ضد استعماری به خصوص استعمار انگلیس مشغولیت مهم آن متفکران را احتوا می‌کرد، محی الدین از اوضاع بی اطلاع نبود و همیشه سعی داشت دو باره به افغانستان برگردد و مصدر خدمت به وطن آبایی اش شود. وی با اسماعیل افندی عضو هیأت افغانی در مصر، تصمیم گرفت به افغانستان برگردد. همین بود، که در سال ۱۳۰۲ خورشیدی به هرات برگشت و به تدریس علوم اجتماعی و زبان عربی به جوانان اهل علم آغاز کرد و هم کتابی را به نام ندای طلباء معارف (حقوق ملت) نوشت و در مطبوعه هرات به چاپ رسانید.

زمانی که اولین قانون مطبوعات آزاد در دوره امان‌الله خان در سال ۱۳۰۳ هـ. ش. نافذ گردید. اینس به کابل آمد. او با مطالعه جو سیاسی، شرایط اجتماعی و آماده‌گی دولت با پذیرش نشریه‌های آزاد غیر دولتی در فضای مساعد قانون مطبوعات، موقع یافت تا آرزوی دیرینه خود (نشر یک جريدة آزاد) را در کابل به منصه عمل بگذارد. اینس پس از جاگزین شدن در کابل جريدة اینس را تأسیس کرد. این جريده برای بار نخست به حیث یک جريدة آزاد ملی به تاریخ ۱۵ شهریور ۱۳۰۶ هـ. ش. به نگارنده‌گی و سرمحرری غلام محبی الدین اینس در شهر کابل در ۴۵ صفحه به نشرات آغاز کرد.

محی‌الدین در اولین روزنامه اهدافش را چنین بیان کرد: «هدف اساسی اینس تهیه و نشر مطالب قانونی، روحی و ادبی به غرض آگاهی عموم مردم و بیشتر مامورین بوده است.» محتوای جريده بیانگر احساسات ملی و وطندوستی، حفظ استقلال کشور و نشر اخبار اختراعات و اکتشافات در ساحة تمدن، رویدادهای داخلی و خارجی، تعلیم و تربیه و تدبیر منزل بود. اینس خودش اخبار را نوشته و حروف چینی و چاپ می‌کرد. این پشت‌کار وی باعث محبوبیت جريدة اینس گردید. چاپ این نشریه در زمان حبیب الله کلکانی طور مؤقت معطل گردید. در سال ۱۳۱۷ هـ. ش. دوباره به فعالیت آغاز نمود و نظر به دید انتقادی که داشت در زمان محمد نادرشاه، پادشاه آن وقت این نشریه متوقف گردیده، محی‌الدین به زندان کشانده شد و در زندان به بیماری سل مبتلا گردیده در آن جا وفات یافت؛ سپس سرورجویا، عبدالرشید لطیفی، محمد عثمان صدقی، محمد هاشم میوندوال و تعداد دیگر مسؤولیت این روزنامه را به عهده گرفتند. این نشریه تا امروز نشرمی‌گردد.

آثار

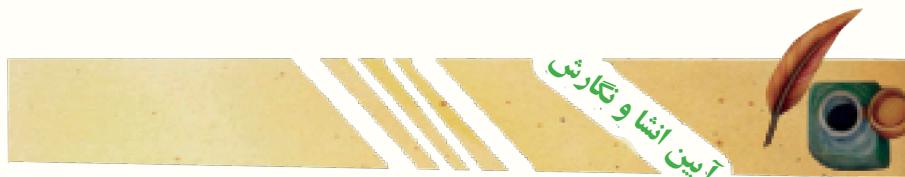
ندای طبله یا حقوق ملت: این اثر به تشویق شجاع‌الدوله وزیر امنیه دوره امان‌الله خان که در آن زمان نایب‌الحكومة هرات نیز بود، در هرات چاپ شد. این کتاب در حقیقت یک رمان اجتماعی است که در مورد آزادی و قانون نوشته شده است. بحران و نجات: این اثر در مورد وقایع اخیر دوره امانیه و حبیب الله کلکانی نوشته شده است. غلام محبی‌الدین اینس نقش برازنده‌ای در حیات مطبوعات و تحقیقات کشور ما دارد.

توضیحات

مطبوعات در دوره امانیه: در تاریخ مطبوعات افغانستان دوره میان سال‌های ۱۲۹۷-۱۳۰۷ش. دوره امانیه از دوره‌های رونق انتشار نشریه‌های آزاد بود. در این دوره این امکان فراهم آمد؛ تا به جای دولت که تا آن زمان تنها ناشر مطبوعات بود، اشخاص به انتشار نشریات خصوصی دست بزنند. اینیس با مدیریت بهتر و با گردآوری تمام فن آوری لازم توانست نیازهای خود را به شکل مستقل برآورده کند و بهترین نشریه آزاد نخستین دوره از دوره‌های بر شمرده رونق این نوع نشریات باشد. از ویژه‌گی‌های اینیس انتقال روحیه ملی گرایی به خواننده‌گان، عمومی بودن مطالب و جذب مخاطبان بسیار و از اهداف آن بیداری ذوق نویسنده‌گی در خواننده‌گان به ویژه دانش آموزان بود که اینیس را در راه رسیدن به این هدف موفق دانسته اند.

بیاموزیم

۱. اینیس با استفاده از اندیشه‌های سید جمال الدین تحصیلاتش را در مصر تکمیل کرد.
۲. غلام محی الدین اینیس در سال ۱۳۰۶ خورشیدی به هرات برگشت و به تدریس علوم اجتماعی و زبان عربی به جوانان اهل علم آغاز کرد.
۳. جریده اینیس، به حیث جریده آزاد ملی در سال ۱۳۰۶هـ.ش. به نشرات آغاز کرد.
۴. ندای طبله، بحران و نجات از جمله آثار غلام محی الدین است.



نگارش توصیفی یا وصفی: در این گونه نگارش نویسنده منظره‌یی را که به چشم دیده است نه تنها تشریح می‌کند؛ بلکه زیبایی‌ها و یا زشتی‌های آن را به صورت دلپسند جلوه می‌دهد و در چشم و دل خواننده می‌آراید. عمدت ترین هنری که نویسنده در نوشته وصفی به کار می‌برد تخیل است؛ بنابر این نوشته وصفی را باید مخلوطی از حقیقت و تخیل دانست، که قدرت نویسنده آن‌ها را با هم آمیخته و به صورت دلپذیر در آورده است. در ادبیات کلاسیک زبان فارسی دری، نثر توصیفی بسیار اندک است؛ زیرا اول اینکه نثر نسبت به شعر کمتر است؛ دوم اینکه نثرهایی هم هست که بیشتر جنبه تاریخی دارد. از واقعات زنده‌گی سخن می‌گوید و جنبه وصفی آن کمتر است؛ اما در شعر آنقدر پرده‌های بدیع رنگارنگ وصف به ملاحظه می‌رسد که خواننده از این همه زیبایی به اعجاب و شگفتی دچار می‌شود.

کار گروهی و سخنرانی

۱. شاگردان در دو گروه در رابطه به شخصیت غلام محب الدین انس باهم گفتگو نموده و از هر گروه یک نفر نتیجه بحث شان را بیان نماید.
۲. شاگردان دو دو نفر در این رابطه که چگونه خود را به مطالعه اخبار عادت دهنده باهم مباحثه نمایند.



املا و نگارش

۱. متنی را که توسط معلم محترم خوانده می شود، املا بنویسید.
۲. در باره تصویر در کتابچه های تان متنی بنویسید.



۱. غلام محب الدین انس کی بود، شخصیت وی را در مطبوعات کشور چگونه ارزیابی می نمایید؟
۲. در مورد به اندیشه، طرز تفکر و فعالیت های انس در مطبوعات معلومات دهید.
۳. نگارش توصیفی چگونه نگارشی است؟
۴. آیا وصف بیشتر در نثر کلاسیک وجود داشته یا در شعر؟



۱. در باره نقش مطبوعات در کشور به طور فشرده متنی بنویسید.
۲. قطعه زیرین را حفظ کنید:

زمانه را چو نکو بنگری همه پند است
بسا کسان که به روز تو آرزو مند است

به روز نیک کسان آرزو مبر زنهار

بهارستان جامی

۳. متن کامل درس بعدی را خوانده و برای معرفی درس روز آینده آماده گی بگیرید.

درس امروز توسط یک تن از شاگردان طوری معرفی شود، که تشریحاتش جوابگوی سوالهای زیر باشد:

۱. شعر زیر در مورد چه سرده شده است؟

۲. شعر درس از کیست؟ شاعر آن را مختصراً معرفی کنید.

۳. شعر خداشناسی در بر گیرنده کدام مفاهیم می‌باشد؟

۴. در این شعر کدام صنایع بدیعی به کار رفته است؟

در پایان معرفی، همین سوالها از چند شاگرد دیگر پرسیده شود.

خدا شناسی

کزو تابد همی مهر منور
هزاران جرم نورانی مدور
به تصویر دگر هر یک مصور
یکی را از سعادت تاج بر سر
همه ساله گریزان یک زدیگر
یکی را از سپیدی سیمگون پر
معلق از هوا با کوس و خنجر
گهی بارند بر گلزار گوهر
کزو خیزد نبات و زر و گوهر
به درد و داغ در آغوش و در بر
به وصف اندر یک از دیگر عجبتر
شود بی قادری هرگز مقدار؟
کرا باشد چنین گفتار باور؟
که بی نقاش باشد نقش دفتر
خداؤند توانا و توانگر
یکی از فضل او بر تخت و منبر
بیین آثار او در بحر و در بر
به گیتی ذرهی از نفع و از ضر
به عالم نقطه‌یی از خیر و از شر
به حق باشد میان خلق داور
که فردایت همی نیکی دهد بر

امیر معزی

چه گویی اندرين چرخ مدور
وز او هر شب در خشانند تا روز
چه گویی اندرين اجناس مردم
یکی را از شقاوت داغ بر دل
چه گویی اندرين دو مرغ پران
یکی را از سیاهی قیرگون بال
چه گویی اندرين سر گشته پیلان
گهی پاشند بر کهسار کافور
چه گویی اندرين تاریک مرکز
گرفته صد هزاران کالبدرا
تو پنداری که خود چندین عجایب
شود بی صانعی هرگز مهیا؟
کجا باشد چنین اندیشه ممکن؟
که بی خلاق باشد خلق عالم
چو بنده عاجز است از پروراندن
یکی از عدل او در چاه و زندان
بیین تأثیر او در شرق و در غرب
حقیقت دان که بی فرمان او نیست
گواهی ده که بی تقدیر او نیست
از آن روزی تفکر کن که ایزد
چنان باید که تخمی کاری امروز

توضیحات

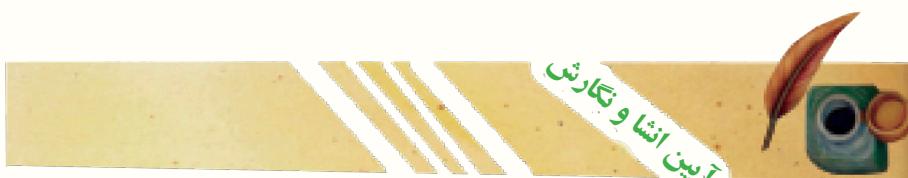
* معزی: امیرالشعا ابوعبدالله محمد بن عبدالملک از شاعران بزرگ قرن پنجم دوره سلجوقی بود که در دربار معز الدین ملکشاه بن آلب ارسلان میزیست. تخلص او به معزی به مناسبت انتسابش به دربار میباشد. لقب امیر را هم ملک شاه برای وی اعطا کرد. معزی تا فوت ملکشاه در دربار او بود. پس از آن مدتی را در هرات، نیشاپور و اصفهان گذراند و بعد به خدمت سنجر بن ملکشاه رسید و تا آخر عمر در دربار او ماند.

اشعار معزی شامل قصاید و غزلیاتی است که در نهایت ساده‌گی و خالی از تکلف میباشد. در قصایدش اشارات تاریخی و جود دارد و به بسیاری از وقایع عصر سلجوقی پرداخته است.

* کافور: دارویی است خوشبو و سفید رنگ که از درخت کافور به دست میآید، درخت کافور در جنگل‌های نواحی شرقی آسیا و مناطق کوهستانی شرق هند، چین و جاپان می‌روید و بلندی آن به ۵۰ متر می‌رسد.

بیاموزیم

۱. تمام کاینات و همه چیز را که در کاینات می‌بینیم؛ مانند: ستاره‌گان، اجرام سماوی و غیره صانع قادر یعنی خداوند جَلَّ جَلَّ خلق کرده است.
۲. در بر و بحر، شرق و غرب نشانه‌های قدرت خداوند جَلَّ جَلَّ را می‌بینیم و می‌دانیم که همه چیز به اراده او است.
۳. ای انسان به روز قیامت فکر کن و بدان که خداوند جَلَّ جَلَّ در آن روز داور است. پس تو امروز کار نیک انجام بده، تا در آن روز ثمرش را بگیری.
۴. امیرالشعا ابوعبدالله محمد معزی بن عبدالملک از شاعران بزرگ قرن پنجم دوره سلجوقی بود.
۵. اشعار معزی شامل قصیده‌ها و غزل‌ها است که در نهایت ساده‌گی و خالی از تکلف می‌باشد. در قصیده‌هایش اشارات تاریخی وجود دارد و به بسیاری از وقایع عصر سلجوقی پرداخته است.



نگارش تخیلی: گاهی نوشه‌ها نه تشریحی و نه وصفی است؛ اما حالت شادی یا غم را در روح خواننده ایجاد می‌کند و او را با افکار نویسنده شریک می‌سازد. این نوع نوشه‌ها را تخیلی می‌نامند.

از کلمه تخیلی نباید چنین استنباط کرد که آن‌چه زاده خیال و اندیشه است، نوشه‌های تخیلی نامیده می‌شود؛ بلکه همان‌گونه که در نوشه‌های تشریحی گفته شد، گاهی انسان منظره، حالتی یا داستانی را در ذهن خود ایجاد مجسم کرده و با کمک تخیل خود و آن را به صورت نوشه‌یی به خواننده بیان می‌کند. بنابر آن مقصود از نوشتۀ تخیلی، نوشه‌یی نیست که ذهن و اندیشه انسانی منظره یا حالتی را صرفاً دور از واقعیت تخیل کرده باشد؛ بلکه مقصود ایجاد ارتباطی است میان حوادث مختلف و صحنه‌های متفاوت از پدیده‌های عینی و ذهنی تا حالتی را که نویسنده انتظار دارد، در خواننده ایجاد کرده و قدرت خیال پروری اش را به نمایش نگذارد. این نوع نوشه‌ها بیشتر نماینده روح نویسنده می‌باشند. نویسنده با ذهن خلاقش حالات خود و ماحول خود را به خواننده انکاس می‌دهد. این گونه نوشه‌ها غالباً با قدرت تخیل همراه بوده، هنرمندانه و گیراست.

کار گروهی و سخنرانی

۱. شاگردان به دو گروه تقسیم شده؛ سپس هر گروه در باره پیام شعر خوانده شده باهم گفتگو نموده، نتیجه را به دیگران بیان نمایند.
۲. یک تن از شاگردان در رابطه به خدا شناسی و عظمت کائنات سخنرانی نماید.
۳. چند تن از شاگردان به نوبت در رابطه به نگارش تخیلی آن‌چه آموختند اظهار نظر نمایند.

املا و نگاشت

۱. متنی را که توسط معلم گرامی خوانده می‌شود در کتابچه‌های تان املا بنویسید.
۲. در مورد تصویر زیر با در نظر داشت قواعد نگارشی که خواندید متنی بنویسید که از هشت سطر کم نباشد.



۱. مفهوم اساسی شعری را که خواندید به زبان ساده بیان کنید.
۲. امیر معزی کی بود؟
۳. در باره نگارش تخیلی چه می‌دانید؟
۴. صنعت ادبی بیت زیر را مشخص نمایید.

یکی را از سپیدی سیمگون پر

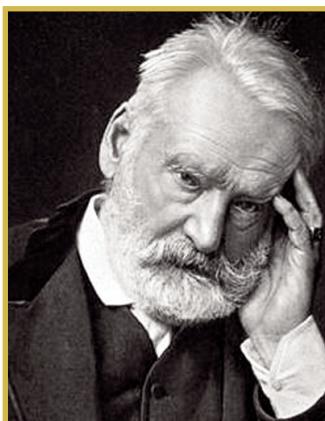
یکی را از سیاهی قیر گون بال



۱. شعری را که خواندید به نثر تبدیل کنید.
۲. بیت زیر را حفظ نمایید:
میراثِ پدر خواهی علمِ پدرآموز کاین مالِ پدرخراج نتوان کرد به یک روز
گلستان سعدی
۳. متن درس بعدی را خوانده و برای معرفی آن روز آینده آماده‌گی بگیرید.

- درس امروز توسط یک تن از شاگردان طوری معرفی شود، که تشریفاتش جوابگوی پرسش‌های زیر باشد:
 - ۱. ویکتور هوگو کی بود و چگونه طرز تفکر داشت؟
 - ۲. ویکتور هوگو چه کارهایی را انجام داد؟
 - ۳. هوگو در کجا و در کدام سال وفات یافت؟
 - ۴. آثار هوگو را چگونه ارزیابی می‌کنید؟
 - ۵. کتاب بینوایان نوشته کدام نویسنده مشهور بوده و موضوع آن چیست؟
- در پایان معرفی، پرسش‌ها از چند شاگرد دیگر پرسیده شود.

ویکتور هوگو



ویکتور هوگو در سال ۱۸۰۲ میلادی در فرانسه چشم به جهان گشود. وی فرزند سوم جوزف لیوپولد ریگبرت هوگو بود. پدرش در اردوی ناپلیون سمت جنرالی داشت و با اردوی ناپلیون به طور منظم سفر می‌کرد. سفرهای دراز مدت پدرش سبب اختلاف پدر و مادرش شد، هر چند این مناسبات از همان آغاز نیز به دلیل تعلقات سیاسی متضاد چندان خوب نبود. مادر هوگو طرفدار خانواده سلطنتی فرانسه بود و پدرش به حکومت‌های بعدی که آمدند، ابراز وفاداری می‌کرد. اختلاف پدر و مادر در زنده‌گی هوگوی جوان بحرانی عجیب ایجاد نمود و این روح حساس را به دنیای شعر و ادب راند. او در ساله

بود که به سرودن شعر آغاز کرد. او که مجبور شده بود از مادر خود جدا و با پدر رهسپار ناپل و مادرید گردد، به زودی از پدری که سخت پابند مناسبات نظامی بود، جدا شد و به سوی مادر بازگشت و زیر تأثیر عقاید محافظه‌کارانه مادر قرار گرفت و شاعر نظام شاهی و کلیسا شد. بعد از سقوط امپراتوری، هوگو شاگرد لیسه لویی لی گراند شد و بعد از فراغت شامل فاکولتة حقوق گردید. دوران تحصیل او غیر منظم و غالباً بی هدف بود. زنده‌گانی او در این دوران برایش الهام بخشید تا کرکتر ماریوس را وارد ناول بینوایان کند.

هوگو از ۱۸۱۶م. به بعد دنبال قانون را رها کرد. او در این دوران کتابچه‌ها را پی هم با سرودن شعرهای خود یا ترجمه شعرهای ویرژیل شاعر رومی سیاه می‌کرد. هوگو به تشویق مادر خود مجله‌ای ادبی تأسیس کرد و در آن به نقد شعرهای لامارتن پرداخت. در سال ۱۸۲۱م.

مادرش مرد و او با یکی از دوستان دوران کودکی خود ازدواج کرد. در سال ۱۸۲۳ م. اولین ناول خود هانس آیلند را نوشت، که در ۱۸۲۵ م. چاپ شد. هوگو در شعرهای خود از بحور عروضی متنوع استفاده می‌کرد و تخیل درخشان داشت. او در سال ۱۸۳۰ م. چهار مجموعهٔ مهم انتشار داد، که در آن شعر طبیعت گرای را با زنده‌گی خانواده‌گی به هم آمیخته بود؛ اما نیمهٔ دوم قرن نزدی دوران واکنش در برابر رومانتیسم بود. قسمت عمدهٔ و قابل یادآوری شعرهای هوگو بعد از ۱۸۵۰ م. به نشر رسید. از جمله سه مجموعهٔ شعری هوگو مخفیانه به چاپ رسید. هوگو خود در آن وقت در تبعید به سر می‌برد. این سرودها فریاد هوگو بر ضد ابتدال مستولی بر عصری بود، که دامنگیر لویی ناپلیون و جامعهٔ امپراتوری بود. هوگو در این سرودها بر تاریکی‌های عصر خود و روشنایی‌های آینده خوشبینانه تأکید می‌نماید و پیروزی نهایی صلح، آزادی و عدالت اجتماعی را اعلام می‌کند. این مجموعه‌ها شاعر را مرشد اجتماعی معرفی می‌نماید.

هوگو در این روزگار سرشار از احساسات اصلاح طلبی بود که می‌خواست مناسبات ظالمانه روزگارش به نفع مردم بینوای جامعه تغییر نماید. این شاعر و نویسندهٔ بزرگ فرانسوی در ۲۲ می ۱۸۸۵ م چشم از جهان فرو بست.

آثار معروف هوگو عبارت اند از: کلیسای نوتردام پاریس، کارگران دریا، تاریخ یک جنایت، مردی که می‌خندد؛ اما شاهکار ویکتور هوگو که تقریباً به تمام زبان‌های زندهٔ دنیا، ترجمه گردیده و یکی از کتاب‌های خواندنی ادبیات جهان می‌باشد؛ کتاب معروف بینوایان است. قهرمان اصلی این اثر مردی به نام ژان والزان است، که برای سیر کردن یک کودک گرسنه نانی از یک نانوایی میدزد. دو سال به همین جرم در زندان می‌ماند و گرفتار یک رشته ماجراهای تلغی و شیرین می‌شود.

هوگو در فضیلت پیامبر اسلام حضرت محمد ﷺ چنین نوشه است:
«می‌دانست که پایان عمرش فرا رسیده، همیشه مشغول نیایش به درگاه پروردگار بود. بسیار کم غذا می‌خورد. با دست خود شیر گوسفندان را می‌دوشد و هنگامی که لباسش فرسوده می‌شد خودش به روی زمین می‌نشست و آن را وصله می‌زد.

شست و سه سال داشت که ناگهان تب بر وجودش راه یافت. قرآن را سراسر باز خواند. آنگاه پرچم اسلام را به دست پرچمدار خود داد و بدو گفت: این آخرین بامداد زنده‌گانی من است. بدان که خدای جز خدایی یگانه نیست در راه او جهاد کن. آرام بود؛ اما نگاهش چون نگاه عقابی بلند پروازی بود که ناگزیر به ترک آسمان شده باشد.

آن روز مثل همیشه در ساعت نماز به مسجد آمد. به علی تکیه کرده بود و مؤمنان به دنبالش می‌آمدند. پیش‌اپیش ایشان همه جا پرچم مقدس در اهتزاز بود، هنگامی که به مسجد رسیدند؛

وی روی به مردم کرد و گفت: هان ای مردم!

اگر خداوند اراده نمی‌کرد من آدمی بیسواند بیش نبودم. کسی بدو گفت: ای رسول خدا! جهانیان همه هنگامی که دعوت ترا در راه حق شنیدند ایمان آورند. روزی که تو پای به هستی نهادی، ستاره‌یی در آسمان ظاهر شد و هر سه برج طاق کسرا فرو ریخت؛ اما او دنباله سخن را گرفت و گفت: با این همه، ساعت آخرین من فرا رسیده. اکنون فرشته‌گان آسمان در باره من مشغول شورند.

گوش کنید! اگر من به کسی سخن بد گفته باشم پیش از آن که از جهان بروم به من به بدی سخن گوید. اگر کسی را زده ام مرا بزنند. آنگاه چوبی که در دست داشت به سوی حاضرین دراز کرد. بار دیگر وی گفت: ای مردم! به خدا ایمان داشته باشید و در مقابل او سر تعظیم فرود آورید، مهمان نواز، پارسا و داد گستر باشید. باز گفت: هنگام رحلت من از این عالم فراه رسیده است. پس شتاب کنید هر گناهی کرده باشم به من تذکر دهید. مردم خاموش و افسرده از کنار او می‌رفتند. وی صورت خود را در چاه ابوالفدا بشست. مردی از وی سه درهم مطالبه کرد و بی درنگ پرداخت. گفت: تصفیه حساب در اینجا بهتر است تا در میان گور.

مردم با نگاهی پر از مهر مثل نگاه کبوتر بدین مرد پر جلال که دیری تکیه گاه آنان بود؛ می‌نگریستند. هنگامی که محمد ﷺ به خانه خود باز گشت، بسیاری بیرون خانه تمام شب را بی آنکه دیده برهم گذارند روی تخته سنگی گذرا ندند.

بامداد روز بعد وی گفت: ای ابو بکر! مرا یاری برخاستن نیست. برای من قرآن بخوان. ابوبکر قرآن می‌خواند و سایرین می‌گریستند.

یکبار همه دیدند که در نگاه او مانند روز تولدش برقی درخشید، دعوت حق را لبیک گفت و آنگاه لرزشی بر وی حکم فرما شد. نفسی آرام لب‌های او را از هم گشود و محمد ﷺ جان به جان آفرین تسلیم کرد.

ترجمه ش، شفا

توضیحات

* رومانتیسم: اولین بار در اوخر قرن هژدهم وارد ادبیات فرانسه شد؛ سپس مسیر خود را به ادبیات ایتالیا و اسپانیا در پیش گرفت و در نیمة قرن نزدهم بر ادبیات تمام اروپا حاکم شد. رومانتیسم همان مکتب ادبی است که با مکتب ادبی کلاسیسم یا ادبیات قرون وسطی مخالفت می‌ورزید. در این سبک نویسنده در بیان تخیل، تجسم و شیوه افاده خود آزادی کامل داشت.

بیاموزیم

۱. ویکتور هوگو در سال ۱۸۰۲ میلادی در فرانسه چشم به جهان گشود.
۲. وی فرزند سوم جوزف لیو پولدریگربرت هوگو بود. پدرش در اردوی ناپلیون سمت جنرالی داشت.
۳. هوگو شاگرد لیسے لویی لی گراند شد و بعد از فراغت شامل فاکولته حقوق گردید.
۴. هوگو جوانی سرشار از احساسات و اصلاح طلبی بود که می‌خواست مناسبات ظالمانه روزگارش به نفع مردم بینوای جامعه تغییر نماید. این شاعر و نویسنده بزرگ فرانسوی در ۱۸۸۵ می ۲۲۶ چشم از جهان فروبست.
۵. آثار معروف هوگو عبارت انداز: کلیسای نوتردام پاریس، کارگران دریا، تاریخ یک جنایت، مردی که می‌خندد و شاهکار او بینوایان.

آینه انشا و تئاریخ



نگارش تحقیقی: در این نگارش نویسنده در باره موضوع علمی، اجتماعی، ادبی، تاریخی و مانند این‌ها یا از راه مشاهده یا مطالعه با دقت هر چه بیشتر و استفاده از منابع ممکن موضوعاتی را فراهم می‌کند و به نوشته آن می‌پردازد. آن‌چه در این نوشته اهمیت دارد، حفظ و امانتداری نام نویسنده است، که در ابتدا خواننده‌گان را با دادن منابع موهوم و ضعیف گمراه نسازد. دوم این که آن‌چه را از منابع گرفته است مشخص نماید و آن را از خود نشمارد. تا در رعایت امانت کوشنا بوده و اصول اخلاقی مأخذ برداری را زیر پا نکند. در نوشته‌های تحقیقی، دانش و آگاهی نویسنده نقش مهمی دارد. این نوشته‌ها باید ساختار درست و منظمی داشته از زبان معیار دور نگردد و در آن پیچیده‌گی فراوان راه نیابد. بخش اصلی این

نوشته‌ها را می‌توان در مقدمه آن بیان کرد؛ سپس به شرح و بسط آن‌ها پرداخت و در پایان، نتیجه و حاصل تحقیق را جا داد. خلاصه آن که نگارش تحقیقی باید پیام یا بیان تازه داشته باشد، مستند، منظم و بهره‌مند از ساخت منطقی بوده با زبان روشن و عاری از شاخ و برگ زاید نوشته شود.

کار گروهی و سخنرانی

۱. پس از تفکر لازم بحث و مناظره نمایید که کدام عوامل در ساختن شخصیت هوگو نقش اساسی داشته است؟
۲. شاگردان به چند گروه تقسیم شوند و شخصیت و کار نامه‌های وبکتور هوگو را با یکی از شاعران و نویسنده‌گان کشور مقایسه نمایند؛ سپس از هر گروه یک نفر مقابل صنف آمده و نتیجه را به دیگران بیان نمایند.
۳. یک تن از شاگردان در مورد نگارش تحقیقی سخنرانی نماید.

املا و نگارش

۱. متنی را که توسط معلم گرامی خوانده می‌شود در کتابچه‌های تان املا بنویسید.
۲. در مورد تصویر زیر متنی بنویسید که از ده سطر کم نباشد.





۱. ویکتور هوگو در کدام سال و در کدام کشور تولد شد؟
۲. ویکتور هوگو چند ساله بود که نخستین شعر خود را سرود؟
۳. کدام انگیزه باعث شد که هوگو ناول بینوایان را بنویسد؟
۴. بینوایان چگونه اثری بوده و در مورد چه می‌باشد؟ واضح سازید.
۵. هوگو در باره حضرت محمد ﷺ چه گفته است؟
۶. در نگارش تحقیقی کدام نکات مهم پنداشته می‌شود؟
۷. در نگارش تحقیقی نویسنده در باره کدام موضوعات و از کدام طریق به نگارش آن می‌پردازد؟



۱. در مورد یکی از چهره‌های معروف ادبیات جهان نظر به علاقهٔ تان معلومات جمع آوری نموده روز آینده در صنف قرائت نمایید.
۲. شعر زیر را حفظ کنید:

دل گرچه در این بادیه بسیار شتافت
یک موی ندانست ولی موی شگافت
اندر دل من هزار خورشید بتافت
آخر به کمال ذره‌بی راه نیافت

ابن سینای بلخی

۳. متن کامل درس بعدی را خوانده و برای معرفی آن در روز آینده آماده‌گی بگیرید.

درس امروز توسط یک تن از شاگردان طوری معرفی شود، که تشریحاتش جوابگوی

سؤالهای زیر باشد:

۱. هنرهای هفتگانه به کدام هنرها گفته می‌شود؟

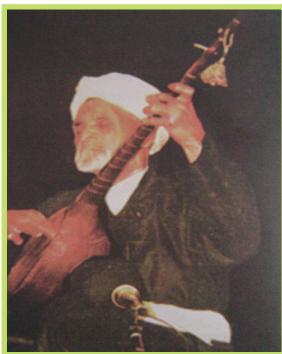
۲. موسیقی از کدام کلمه گرفته شده و به معنای چیست؟

۳. درباره تاریخچه هنر مجسمه سازی چه می‌دانید؟

۴. هنر تیاتر دارای چه ارزشی می‌باشد؟

۵. درباره هنر سینما معلومات دهید.

در پایان معرفی، همین سوالها از چند شاگرد دیگر پرسیده شود.



هنرهای هفتگانه

هنرهای هفتگانه شامل موسیقی، نقاشی، ادبیات، مجسمه‌سازی (پیکر تراشی)، معماری، تیاتر و سینما می‌باشد. هر چند هر کدام این هنرها در بر گیرنده بحث طولانی می‌باشد؛ ناگزیر در این درس به گونه مختصر به معرفی هر کدام به‌طور جداگانه می‌پردازیم.

موسیقی

موسیقی، به هر نوا و صدایی گفته می‌شود که شنیدنی و خوش‌آیند باشد. موسیقی بیان احساسات انسان است به وسیله اصوات که مهمترین عوامل آن صدا و ریتم می‌باشد.

پیشینیان موسیقی را چنین تعریف کرده‌اند: معرفت الحان و آن‌چه التیام الحان بدان بود و بدان کامل شود.

ارسطو موسیقی را یکی از شاخه‌های ریاضی می‌دانست و فیلسوفان اسلامی نیز این نظر را پذیرفته‌اند؛ ولی از آن‌جا که همه ویژه‌گی‌های موسیقی؛ مانند: ریاضی مسلم و غیر قابل تغییر نیست؛ بلکه ذوق و قریحه سازنده و نوازنده هم در آن دخالت تام دارد، آن را هنر می‌دانند. در هر صورت موسیقی امروز دانش و هنری گسترشده است، که دارای بخش‌های گوناگون و تخصصی می‌باشد. موسیقی، هنری است که با استفاده از گزینش اصوات ویژه و ترکیب آن‌ها با یکدیگر، با استفاده از اصول و قوانین خود، بیان مقصود می‌کند. به همان صورت که در شعر و ادبیات، واژه‌ها نقش اصلی را دارند و در نقاشی، خط و رنگ، در موسیقی نیز اصوات استند که

نقش بیان کننده را به عهده دارند.

منابع تولید اصوات موسیقی، آلات موسیقی و حنجره انسان است. هنر موسیقی بر حسب شرایط فرهنگی زادگاه خود، انواع و اقسام بسیار زیاد دارد. و هر قوم و ملتی، موسیقی ویژه خود را دارا است. موسیقی در حقیقت بیان اندیشه در قالب اصوات است. موسیقی در مشرق زمین انواع گوناگون و متفاوتی دارد؛ ولی تقریباً همه آن‌ها در نحوه برداشت از روح و کلیت موسیقی، مشترک اند و علت آن وجود نظام معنوی و تفکر فلسفی مشترکی است، که تمدن‌های مشرق زمین را به یکدیگر پیوند می‌دهد.

نقاشی یا نگارگری



نقاشی به اثری می‌گویند که رنگ بر روی سطحی مانند کاغذ یا دیوار بهجا می‌گذارد. نقاشی نسبت به زبان نوشتاری دارای پیشینهٔ بسیار قدیمی است. نقاشی‌های یافته شده در غارها نشان می‌دهد که انسان‌های اولیه با کشیدن نقش حیوانات و شکار شان به نوعی خود را آماده نبرد با آن‌ها می‌کردند. قدامت نقاشی در بین انسان‌ها، شش برابر قدمت استفاده از زبان نوشتاری است. نقاشی هنری است خیال‌انگیز و نقاشی‌هایی که پیش از تاریخ در جاهای گوناگون به تعداد زیاد کشف شده، در تاریخ مکاتب نقاشی، کهن‌ترین نقاشی‌های شناخته شده مربوط به ۲۰۰۰۰ ق.م. است.

نقاشی از روزگاران گذشته و در مناطق مختلف دنیا، گوناگون و متفاوت بوده و در طی تاریخ و ماقبل تاریخ نقاشی شیوه و سبک‌های گوناگونی داشته است. نقاشی در حقیقت یک هنر پیچیده است. ما در هر تابلوی بزرگی با دستگاه کاملی از ارزش‌ها روبرو می‌شویم، که پاره‌بی‌علمی و برخی صوری و بخشی معنوی است.

مجسمه‌سازی، یا پی‌کر تراشی

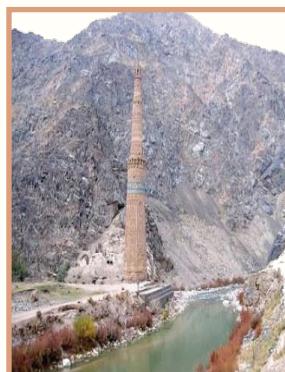
این هنر یکی از جالب‌ترین و پیچیده‌ترین هنرهای آدمی است. مجسمه شامل کنده‌کاری هنرمندانه و ظریف است. کهن‌ترین مجسمه را متعلق ۳۰۰۰۰ سال پیش دانسته‌اند. در عصر قدیم مردمان ماقبل تاریخ مجسمه‌هایی از استخوان و عاج می‌ساختند.

مجسمه سازی هنر همگذاری یا ریخت دادن به اشیاء است. که به آن تندیس، پیکره یا مجسمه گفته می‌شود. هر پیکر سه بعدی که به منظور دارا بودن یک بیان هنری آفریده شده را می‌توان تندیس نامید؛ البته باید توجه داشت که هر شکل ترتیب شده را مجسمه نمی‌گویند؛ بلکه باید در ورای آن یک فکر، خلاقیت یا نوآوری وجود داشته باشد.

یونانیان مجسمه‌ها می‌ساختند و در معابد خود قرار داده و آن‌ها را پرستش می‌نمودند. مجسمه‌های سنگی و برنزی بی‌شماری نیز از قهرمانان خود در میدانها و معابر عمومی می‌گذاشتند. مصریان نیز مجسمه‌های خود را به صورت موجوداتی در سنگ یا برنز مجسم می‌کردند و در معابد شان قرار می‌دادند.

بزرگترین مجسمه‌های جهان پیکره‌های بودا بود که در افغانستان موقعیت دارد.

معماری



معماری هنر ساختمان است. عمومی ترین کار معماري طراحی و ساخت خانه‌ها، پل‌ها، مساجد، ساختمان‌های ادارات، کار خانه‌ها و بناها می‌باشد. معماري با هنر نقاشی، مجسمه سازی و موسيقی تفاوت دارد. چرا که معماري نيازهای انسان‌های نخستین و سر پناه را در بر می‌گيرد. معماري در کشور ما تاریخ ۶۰۰۰ سال دارد.

ادبیات

ادبیات هنری است لسانی، که به صورت منثور و منظوم، شفاهی و نگارشی پدید می‌آید. شاعر و نویسنده از زنده‌گی می‌آموزد و آثار ادبی خود به بیان زنده‌گی می‌پردازد. آن‌ها از حادثه و رویدادهای اجتماعی متاثر شده و با بیان مؤثر خویش از زنده‌گی تصاویر زیبا و هنری پدید می‌آورند. آن‌ها رونق دهنده‌گان حیات عادی جامعه خویش اند، که انسان‌ها را در مبارزه بر ضد پلیدی‌ها و سیاه‌کاری‌ها یاری می‌رسانند و به آینده زیبا و سعادتمند امیدوار می‌سازند. آثاری که به طور هنری نوشته می‌شود، بالای انسان‌ها تأثیر زیادی می‌گذارد. از یک طرف احساس زیبایی‌شناسی آن‌ها را پرورش می‌دهد، از سوی دیگر برای انسان درس زنده‌گی می‌دهد. ادبیات هر کشور بازتاب حقایق، زنده‌گی اجتماعی آن کشور است. خوشبختانه ادبیات سرزمین ما با قدامت تاریخی که دارد با ایجاد هزاران اثر هنری در غنای فرهنگ ارزشمند ما نقشی به سزاپی را ایفا نموده است.

تیاتر

تیاتر، سینما و تلویزیون پدیده‌های ارتباطی ارزشمندی استند که به کمک آن‌ها می‌توان پیچیده‌ترین مفاهیم و غنی‌ترین اندیشه‌ها را به جامعه جهانی عرضه کرد. اگر چه سوابق و تاریخ هر کدام تحولات هر یک از این پدیده‌ها باهم تفاوت دارد؛ اما از نظر شیوه‌های بیانی آن‌ها بر یکدیگر تأثیرگذار بوده و تا حد زیادی از زبان مشترکی برخوردار اند. آن‌چه که این رسانه‌های ارتباطی را از یکدیگر متمایز می‌کند، وجود تکنیکی و روش‌های اجرایی در عرضه مفاهیم است که، در طول زمان تحولات چشمگیری یافته است.



تیاتر یا نمایش، سابقه طولانی دارد و آغاز آن به یونان باستان

باز می‌گردد. این هنر یکی از ابزار بیانی قدرتمند انسان در عرصه طرح مفاهیم و مسایل انسانی است. تیاتر از نظر ظاهر و شیوه‌های اجرایی تغییرات فراوانی در طول تاریخ دو هزارساله خود داشته است؛ اما اصول و مبانی آن، یعنی مکان اجرا، بازیگر و طرح نمایش همواره حفظ شده است. در تعریف کلی می‌توان گفت که: تیاتر بیان بی واسطه یک روایت توسط انسان برای انسان دیگر است. نور، صدا، صحنه‌پردازی و ... امکانات و ابزاری استند که برقراری ارتباط بهتر و مطلوب با تماشاگر را تسهیل کرده اند. تیاتر به واسطه شکل ویژه اجرایی خود از محدودیت‌هایی برخوردار است؛ اما به عنوان یک هنر نمایشی، تأثیر چشمگیری بر هنرهای تصویری بعد از خود به ویژه سینما داشته است.

هر نمایشنامه یا نمایش، بارتاب یک شیوه نگرش خاص به زنده‌گی است. هر نویسنده تیاتر آن‌چه را می‌نویسد، از زنده‌گی می‌گیرد و این بدان معناست که تیاتر هیچ وقت از زنده‌گی جدا نبوده و نیست. به وجود آوردنده گان تیاتر در حقیقت تلاش کرده اند؛ تا واضح سازند که تیاتر آینه زنده‌گی است و می‌خواهد با به نمایش گذاشتن خوبی‌ها و بدی‌ها در تهذیب اخلاق جامعه نقش داشته باشند و افراد جامعه را به سوی خیر و صلاح رهنمون سازند. با به نمایش گذاشتن بعد اشخاصیت و روابط درست و نادرست، انسان‌ها را متوجه اعمال و رفتار شان سازند.

سینما

در سال ۱۸۹۵م. سینما از ابتدای پیدایش، یک هنر نبود؛ بلکه آن را تصویر متحرک می‌خوانندند. تقریباً بیست سال طول کشید که سینما تکامل یافت و به عنوان یک هنر شناخته

شد. در آغاز سینما را بیشتر یک پدیده علمی صنعتی می‌دانستند. در سال‌های جنگ جهانی اول سینما به عنوان یک وسیله نمایشی و سرگرمی رونق تجاری یافت؛ سپس قابلیت‌های هنری آن نیز رفته رفته توسط فلم‌سازان اروپایی و امریکایی کشف و شگوفا گردید و در همان سال‌ها آن را هنر هفتم نامیدند.

سينما از جنبه خلاقیت و بیان هنری، یک رسانه ارتباطی پیچیده است؛ زیرا تولید یا خلق یک اثر سینمایی، مستلزم استفاده و تلفیق اکثر هنرهای ماقبل سینما، از جمله ادبیات، نقاشی، تیاتر، معماری و موسیقی است، همراه با موارد فنی، علمی و اقتصادی که در جریان تولید فلم، فلمساز با آن مواجه است؛ چنانچه تاریخ سینما را با تاریخ سایر هنرها مقایسه کنیم، متوجه می‌شویم که این هنر در مدت کوتاه رشد فوق العاده زیادی داشته است. طوری که هیچ هنری در قرن بیستم به استثنای رسانه تلویزیون، توانسته با آن از لحاظ محبوبیت، فراگیری و نیروی تأثیر بر عواطف و افکار مخاطب، رقابت کند.

یکی از ویژه‌گی‌های سینما، جمعی بودن آن است که تعداد زیادی تماشاگر می‌توانند در کنار هم و هم زمان در نمایش فلم شرکت کنند. سینما از همان آغاز اختراع خود، توانست فضایی خاص را به منظور سرگرمی جمعی مردم فراهم آورد.

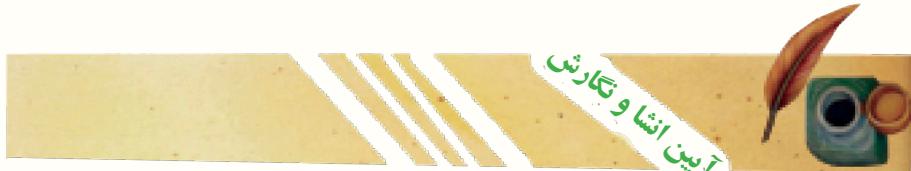
سينما از آغاز تا امروز مراحل گوناگونی را طی کرده است، که نخست سینما صامت یا بدون صدا و فلم‌ها سیاه و سفید بود؛ سپس از اواخر دهه ۱۹۲۰ م. عصر فلم صدادار آغاز شد و عامل صدا عملاً سینما را به صورت یک هنر سمعی و بصری درآورد. از اواخر سال ۱۹۳۰ م. با اختراع فلم رنگه سینمای رنگه به میان آمد.

بیاموزیم

۱. هنرهای هفتگانه شامل موسیقی، نقاشی، ادبیات، مجسمه سازی، معماری، تیاتر و سینما می‌باشد.
۲. موسیقی، هنری است که با استفاده از گزینش اصوات ویژه و ترکیب کردن آن‌ها با یکدیگر، با استفاده از اصول و قوانین خود، بیان مقصود می‌کند.
۳. نقاشی هنری است خیال انگیز، که قدمات آن پیشتر از زبان نوشتاری است.
۴. پیکر تراشی یکی از جالب‌ترین و پیچیده‌ترین هنرهای آدمی است، که شامل کنده کاری هنرمندانه و ظریف می‌باشد.
۵. کهن‌ترین مجسمه را متعلق به ۳۰۰۰۰ سال پیش دانسته‌اند. در عصر قدیم مردمان ماقبل تاریخ، مجسمه‌های از استخوان و عاج می‌ساختند.

ع تیاتر یا نمایش، سابقه طولانی دارد و آغاز آن به یونان باستان باز می‌گردد. این هنر یکی از ابزار بیانی مؤثر انسان در عرصه طرح مفاهیم و مسایل انسانی است.

۷. سینما هنر هفتم به حساب می‌آید و یکی از ویژه‌گی‌های سینما، جمعی بودن آن است که تعدادی زیادی تماساگر می‌توانند در کنار هم و هم زمان در نمایش فلم شرکت کنند.



نگارش مطبوعاتی: مراد از نوشه‌های مطبوعاتی، نوشه‌هایی اند که در روزنامه‌ها، مجله‌ها و دیگر نشریه‌ها درج و عامه مردم از قشرها و سطوح فرهنگی گوناگون، مخاطبان آن‌ها به شمار می‌روند. این نوشه‌ها عنوان‌های متعددی دارند، از جمله سر مقاله، خبر، گزارش خبری، تفسیر، مصاحبه عنوان‌های دیگر نیز ممکن است به ورزش، جوانان، زنان، صحت، خانواده و امور فرهنگی اختصاص یابد.

انواع این نوشه‌ها، به مقتضای کار ویژه آن‌ها، در برخی از خصوصیات، مشترک اند، در عین آنکه هر کدام از آن‌ها برای خود ویژه‌گی‌هایی دارند. مهمترین خصوصیت مشترک آن‌ها تازه بودن و زنده بودن موضوع آن‌هاست؛ مثلاً تازه ترین حادثه، کتاب، فلم، نمایش در آن‌ها مطرح می‌شود. بحث‌های نظری محض و مطالب خشک و بی روح مناسب مطبوعات نیست؛ خصوصیت مشترک دیگر، زبان آن‌هاست که زبان روزنامه‌یی نام گرفته است و آن زبانی است معاصر، مردم‌پسند، بی‌پیرایه.

سرمقاله: موضوع اصلی سر مقاله مهمترین حادثه و مسئله روز است. در سر مقاله باید یک موضوع عمده شگافته شرح و بسط داده شود. نباید حد اکثر بیش از یک ستون روزنامه را اشغال کند. سرمقاله سخنگوی روزنامه است؛ لذا در نگارش آن باید دقیق و کافی صورت گیرد.

خبر: خبر باید کوتاه، مؤثر و حاوی همه اطلاعاتی باشد که خواننده‌گان کنجدکاو جویای آن اند. زبان خبر برعلوه ساده‌گی و بی‌پیرایه‌گی، باید موجز و دارای بار معنایی زیاد باشد. گزارش خبری (رپورتاژ): می‌تواند چند ستون روزنامه را اشغال کند زبان آن باید شیرین و دلچسپ باشد. در آن برای توصیف زنده، فنون بلاغی در حد اعتدال به کار رود.

مصاحبه: به پرسش‌های مصاحبه کننده بسته‌گی دارد که پرسش‌هاییش باید مغز دار و پر مایه باشد زیان مصاحبه بر حسب مورد، گاه خود مانی و صمیمی و گاه رسمی با مراعات نزاکت‌های سیاسی و تشریفاتی است.

کار گروهی و سخنرانی

۱. شاگردان به دو گروه تقسیم شوند و در باره هنرهای هفتگانه، یک گروه از گروه دیگر پرسش‌هایی طرح نمایند.
۲. سه شاگرد به نوبت نتیجه درس را بیان نماید.
۳. شاگردان به دو گروه تقسیم شده و در باره تهییه خبر با هم بحث و گفتگو نمایند؛ سپس از هر گروه یک نفر نتیجه را به دیگران شرح کند.

املا و نگارش

۱. متنی را که توسط معلم محترم خوانده می‌شود، املا بنویسید.
۲. در باره تصویر پایین در کتابچه‌های تان متنی بنگارید و نتیجه کلی آن را مشخص نمایید.





۱. هنرهای هفتگانه را نام بگیرید.
۲. موسیقی از کدام واژه گرفته شده و چگونه از موسیقی تعریف شده است؟
۳. در باره هنر پیکرتراشی چه می‌دانید؟
۴. در مورد به هنر تیاتر معلومات دهید.
۵. سینما تا کنون کدام مراحل را طی کرده است؟
۶. مراد از نوشه‌های مطبوعاتی کدام نوشه‌ها است؟
۷. زبان روز نامه‌ی چه نوع زبان است؟
۸. موضوع اصلی سرمقاله را چه تشکیل می‌دهد؟



۱. در مورد هنر نقاشی در افغانستان معلومات تان را بنگارید.
۲. بیت‌ها زیر را حفظ کنید:

که شاخصار وجودش زدنش آرد بر چنان‌که در نظر مرد جوهری جوهر ادیب‌الممالک فراهانی	خوش‌کمال و هنر خُرما خردمندی هنر به نزد خردمند بس خطیر آید
--	---
۳. متن کامل درس بعدی را خوانده و برای معرفی آن در روزآینده آماده‌گی بگیرید.

درس امروز توسطیک تن از شاگردان طوری معرفی شود، که تشریحاتش جوابگوی

پرسش‌های زیر باشد:

۱. رباعی به کدام قالب شعری گفته می‌شود؟

۲. رباعی چه وقت و در کجا به وجود آمد؟

۳. کدام شاعران رباعی سروده اند؟

۴. عمر خیام کی بود و رباعیات وی دارای کدام مفاهیم می‌باشد؟

در پایان معرفی، همین پرسش‌ها از چند شاگردیگر پرسیده شود.

رباعی

رباعی عبارت از قالب شعری بی است که دارای چهار مصraع بوده، مصراع اول دوم و چهارم آن دارای قافیه واحد باشد. معنای رباعی اغلب در مصراع آخر تکمیل می‌گردد. رباعی در ادبیات عرب وجود ندارد. این قالب شعری در آغاز دور اسلامی در سرزمین ما پدید آمد. از دوره سامانیان از شهید بلخی، ابوشکور بلخی و رودکی رباعیات لطیفی در دست است؛ سپس ابن سینا، ابوسعید ابوالخیر، بابا طاهر عربیان و خواجه عبدالله انصاری رباعی‌های ماندگاری سروده و سر انجام این قالب شعر با عمر خیام به ذره کمال رسید. پس از آن شاعران دیگری چون مولانا جلال الدین محمد بلخی، سعدی، حافظ، بیدل و... رباعی‌های سروده اند.

عمر خیام رباعی‌سرای بی‌نظیر: حکیم ابوالفتح عمر بن ابراهیم خیام نیشابوری از دانشمندان و ریاضی‌دانان و شاعران بزرگ اوآخر قرن پنجم و اوایل قرن ششم می‌باشد. او معاصر سلطان ملک شاه سلجوقی بود. وی بر علاوه از نجوم در فلسفه، طب و حکمت استاد بود. رباعیات خیام شهرت جهانی دارد و به اغلب زبان‌های زنده دنیا ترجمه شده است. این رباعیات بسیار ساده بوده، شامل معانی عالی و عمیق فلسفی و حکمی در الفاظ موجز و کوتاه می‌باشد. خیام را یکه تاز میدان رباعی‌سرایی می‌دانند؛ اکنون به طور نمونه چند رباعی می‌خوانیم:

این یک دو سه روزه نوبت عمر گذشت
چون آب به جویبار و چون باد به دشت
هرگز غم دو روز، مرا یاد نگشت
روزی که نیامدست و روزی که گذشت

* * *

پیش از من و تو لیل و نهاری بودست
گردندۀ فلک نیز به کاری بودست
هر جا که قدم نمی‌تو بر روی زمین
آن مرد مک چشم نگاری بوده است

* * *

روزی که گذشته است از او یاد مکن
فردا که نیامده است فریاد مکن
بر نامده و گذشته بنياد مکن
حالی خوش باش و عمر بر باد مکن

رباعی از ابوسعید ابوالخیر

بهتر ازین در جهان چه بود کار
دوست بر دوست رفت و یار بر یار
آن همه اندوه بود و این همه شادی
آن همه گفتار بود و این همه کردار

رباعی از خواجه عبدالله انصاری

در راه خدا دو کعبه آمد حاصل
یک کعبه صورتست یکی کعبه دل
تا بتوانی زیارت دلها کن
کافرون ز هزار کعبه آمد یک دل

توضیحات

* ابوسعید ابوالخیر از نخستین سخنگویان متصوف قرن چهارم هجری خراسان بود که رباعیاتش را وسیلهٔ بیان مطالب فلسفی و عرفانی کرد.

بیاموزیم

۱. رباعی عبارت از قالب شعری است که دارای چهار مصراع بوده، مصراع اول دوم و چهارم آن دارای قافيةٌ واحد باشد.
۲. رباعی در ادبیات عرب وجود ندارد این قالب شعری در آغاز دورهٔ اسلامی در سرزمین‌های خراسان پدید آمد.
۳. از دورهٔ سامانیان از شهید بلخی، ابوشکور بلخی و رودکی رباعیات لطیفی در دست است. بعداً این سینا، ابوسعید ابوالخیر، بابا طاهر عربیان و خواجه عبدالله انصاری بدان روی اوردند و با عمر خیام به پایهٔ کمال رسید.
۴. رباعیات خیام شهرت جهانی دارد و به اغلب زبان‌های زندهٔ دنیا ترجمه شده است. این رباعیات بسیار ساده بوده شامل معانی عالی فلسفی در الفاظ موجز و کوتاه می‌باشد.



تقلید چیست؟

تقلید از روی کار کسی را انجام دادن است. تقلید از خواص اجتماعی شخصیت است که در اجتماع شکل می‌گیرد. تقلید در مود، نگارش، آواز خوانی و همه موارد وجود دارد. شخصی که دارای جهان‌بینی نیست و ذوق و سلیقه خودش مطرح نمی‌باشد؛ کوشش می‌نمایند که همواره تقلید کند. این شخص مقلد در نگارش صاحب سبک به خصوص خود نمی‌گردد. ناآوری و خلاقیت در کارش دیده نمی‌شود. تقلید دو نوع است یکی تقلید آگاهانه (مبثت) و دیگر تقلید کورکورانه (منفی).

تقلید آگاهانه می‌تواند باعث رشد استعداد شخص مقلد گردد؛ به شرطی که از شخصی که

تقلید می‌کند، آن شخص در جامعه مقام و جایگاه خوبی داشته باشد؛ اما تقلیدهای کورکورانه علاوه بر آنکه استعداد مقلد را ضربه می‌زنند، مانع کارهای بعدی پیشرفت و خلاقیت وی می‌گردد و هیچ‌گاهی نمی‌تواند دارای جهان‌بینی وسیع و دید منطقی گردد. تقلید کور کورانه نتیجه منفی در پی دارد و قابل قبول نیست.

کار گروهی و سخنرانی

۱. شاگردان به دو گروه تقسیم شوند؛ سپس هر گروه در باره رباعی و رباعی‌سرایی با هم گفتگو نموده و از هر گروه یک نفر نتیجه را به دیگران ارائه نماید.
۲. چند شاگرد به نوبت رباعی را که به یاد داشته باشند برای همصنفان خود بگویند.

املا و نگارش

۱. متنی را که توسط معلم محترم خوانده می‌شود، املا بنویسید.
۲. رباعی‌ی را که از خواجه عبدالله انصاری خواندید اساس قرار داده یک متن ادبی بنویسید.



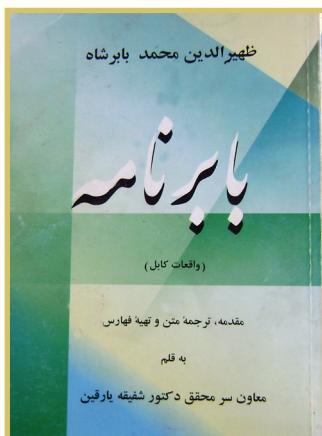
۱. رباعی را تعریف کنید.
۲. معروف ترین شاعران رباعی را نام ببرید.
۳. در باره خیام چه می‌دانید؟
۴. مفهوم نخستین رباعی خیام را بنویسید.
۵. تقلید چه را می‌گویند؟
۶. مراد از تقلید آگاهانه چیست؟



۱. چند رباعی از شاعران مختلف را انتخاب نموده روز آینده در صنف بخوانید.
۲. این جمله را به یاد داشته باشید:
معلم موضوعاتی را که قبل نمی‌دانستیم به ما آموزش داد. مسلماً او سزاوار احترام است.
(سامیول جانسن انگلیسی)
۳. متن درس بعدی را خوانده و برای معرفی آن در روز آینده آماده‌گی بگیرید.

- درس امروز توسط یک تن از شاگردان طوری معرفی شود، که تشریحاتش جوابگوی سوالهای زیر باشد:
- ۱. بابر نامه اثر کیست؟
- ۲. بابر نامه از کدام موضوعات بحث می‌کند و چگونه یک اثر است؟
- ۳. بابر نامه در اول به کدام نام یاد می‌گردد؟
- ۴. بابر نامه به کدام زبان‌ها چاپ گردیده است؟
- در پایان معرفی، همین سوال‌ها از چند شاگرد دیگر پرسیده شود.

بابر نامه



بابر نامه یا وقایع بابری که به نام «توزوک بابر» معروف است؛ تألیف ظہیرالدین محمد بابر شاه فرزند عمر شیخ و نواده امیر تیمور گورگان، بنیان گذار سلسله گورگانیان هند می‌باشد. او در سال ۸۹۹ هجری در سن ۱۲ ساله‌گی در فرغانه بهجای پدر به تخت نشست. وی در سال ۱۵۰۴-۱۵۲۵ م. در بدخشان حکومت نموده؛ سپس قصد تسخیر هند کرد. پس از فتح پانی پت سلطان ابراهیم لودی پادشاه دهلی را شکست داد. در سال ۱۵۲۶ م. آگره، دهلی و شمال هندوستان را از رود سند تا بنگال تصرف کرد. بابر در سال ۹۱۰ هجری کابل و نواحی آن را تصرف کرد و این شهر باستانی را پایتخت خود قرار داد، او در باره این شهر در بابر نامه چنین نوشتند:

کابل از اقلیم چهارم است... از مختصر ولایت است، طولانی افتاده، طول آن از مشرق به طرف غرب است، اطراف و جوانب آن تمام کوه است... در زمان عم من والوغ بیگ میرزا در دامنه این کوه، یک جوی کشیده، باغاتی که در این دامنه است تمام به این جوی معمور است... از شهر کابل سه چشمۀ خورد برآمده، دو تای آن در نواحی گلکنه است؛ بر سر یک چشمۀ خواجه شمو نام مزاری است و در چشمۀ دیگر، قدمگاه خواجه خضر است، این دو گشتگاه مردم کابل است. یک چشمۀ دیگر رو بروی مزار خواجه عبدالصمد (عاشقان و

عارفان) خواجه روشنایی می‌گویند.....

بابر در سال ۱۵۳۰ م. در آگرۀ هند وفات یافت. جسدش بنابر وصیت وی در کابل به خاک

سپرده شد. به جای او فرزندش همایون شاه به تخت سلطنت نشست.

با برنامه یکی از کتب جامع تاریخی در سده شانزدهم میلادی است که در مورد تاریخ و جغرافیای افغانستان، آسیای میانه و هندوستان به ویژه دوره تیموریان، معلومات دقیقی در آن درج است. این اثر حاوی مطالب فولکلور، ادبیات، هنر، مسائل اجتماعی، اقتصادی و سیاسی بوده حتاً ویژه‌گی‌های قومی مردمان مختلف رسم و عادات، پوشاش، خوارک، داد و ستد های مردم، شرح احوال امرا، شعرها و دانشمندان آن ادوار را در بر می‌گیرد؛ همچنان معلومات درباره نواحی، شهرها، مساجد، مدارس، خانقاھ‌ها، مزارها، کوه و کوتوله‌ها، دریاها، بندھای آب، معادن، جنگل‌ها، باغ‌ها، داده شده است. از همین جهت با برنامه از آغاز نگارش تا کنون، ارزش و شهرت و تازه‌گی مطالب خود را حفظ کرده و دانشمندان و مؤرخان بزرگ شرق و غرب بر آن استناد و بار بار به تجدید ترجمه و تجدید نشر آن دست می‌یابند.

بابر نامه به زبان ترکی چفتایی و با نشر ساده نگاشته شده است و حوادث سال های ۸۹۹-۹۳۶ هجری قمری را در بر می گیرد. بابر در این اثر موضوعات را بدون تعصب بیان کرده است. بابر نامه از جنبه های مختلف تاریخی، جغرافیایی، مردم شناسی و ادبی دارای ارزش و اهمیت فراوان است. این اثر توسط ادیب معروف آن روزگار عبدالرحیم خان خانان فرزند بیرام خان شاعر و مؤرخ نام آور از زبان ترکی چفتایی به زبان دری ترجمه گردیده است. بابر در بابر نامه ابتداء وقایع و سرگذشت هایی را که از آغاز حکمرانی به سرانش آمده بیان نموده است. بعداً خاطره های خویش را اساس بابر نامه قرار داده است. از گفته های بابر و معلومات دخترش گلبدن بیگم در همایون نامه معلوم می شود که اول این کتاب به نام «واقعه نامه» یاد شده در یکی از رباعیات آن که ترجمه آن چنین است آمده:

وز عالم، عجب درد و الم ها دیدم
هر کس که اینک واقعه را خواند داند
وز مردم دهر طرفه ستم ها دیدم
چه رنج و چه محنت و چه غم هادیدم

بابرنامه به زبان‌های مختلف در ترکیه، انگلستان، آلمان، فرانسه، هندوستان و ژاپن چندین بار چاپ گردیده است. قابل یادآوری است که ظهیرالدین محمد بابر با ژرف نگریش نه تنها یک مرد سیاسی، نظامی، کشورگشا و مؤسس یک امپراتوری بود؛ بلکه او به عنوان یک شخصیت فرهنگی، محقق و نویسنده با نوشتن این کتابش (بابرنامه) در معرفی، تلفیق و پیوند فرهنگ‌ها و ثقافت‌ها در قسمت بزرگی از جغرافیای آسیا نقش ارزشمندی را ایفا کرده است.

توضیحات

توزوک، واژهٔ ترکی به معنای نظم و ترتیب و سلسلهٔ مراتبی که فرمانروا یا فرمانده نظامی برای لشکریان و سازمان‌های وابسته اعمال می‌کرد. توزوک از توز ترکی گرفته شده به معنای آراستن و منظم کردن است.

بیاموزیم

۱. بابر نامه تألیف ظهیر الدین محمد بابر شاه فرزند عمر شیخ و نوادهٔ امیر تیمور گورگان، بنیان‌گذار سلسلهٔ گورگانیان هند می‌باشد.
۲. بابر نامه یک کتاب تاریخی در سدهٔ شانزدهم میلادی است، که در مورد تاریخ و جغرافیای افغانستان، آسیای میانه و هندوستان حاوی معلومات دقیقی است.
۳. بابر نامه توسط عبدالرحیم خان‌خانان فرزند بیرام خان شاعر و مؤرخ نام آور از زبان ترکی چفتایی به زبان دری ترجمهٔ گردیده است.
۴. بابر نامه به زبان‌های مختلف در ترکیه، انگلستان، آلمان، فرانسه، هندوستان و چین پارچهٔ گردیده است.
۵. بابر نامه در معرفی، تلفیق و پیوند فرهنگ‌ها و ثقافت‌ها در قسمت بزرگی از جغرافیایی آسیا نقش ارزشمندی را ایفا نموده است.



سبک در نگارش

کسی که در نگارش دارای جهان‌بینی است کوشش می‌نماید که با ذوق و سلیقهٔ شخصی خود، موضوع را انتخاب و با کلمات و الفاظ زیبا و پسندیده با رعایت تسلسل منطقی بنویسد. کسانی که چنین خواص دارند ممکن است خود بوده نوآوری در کار شان دیده می‌شود و اینگونه است که موفق به ایجاد سبک به خصوص خود می‌شوند. سبک طریقهٔ و روش خاص بیان یک فرد را گویند. سبک در نگارش انعکاس شخصیت است. از بزرگترین شاعر و نویسندهٔ جهان گرفته تا شاگردی که در نگارش مشکل دارد دارای سبک می‌باشد. این شاگرد مبتدی پس از تمرین زیاد می‌تواند سبکش را پرورش دهد. احساس خود را در برابر زیبایی که در طبیعت وجود دارد، بپرورد. البته مراد از این نوع سبک

همان شیوه و روش خاص فرد است، نه سبک بر جسته ادبی و هنری.
کارگروهی و سخنرانی

۱. شاگردان در مورد ارزش و اهمیت با برنامه تفکر نموده نظریات شان را در این رابطه ابراز نمایند.
۲. دو دو شاگرد با هم در باره سبک در نگارش گفتگو نمایند.
۳. شاگردان در مورد شخصیت با بر سخنرانی کنند.

املا و نگارش

۱. متنی را که توسط معلم محترم خوانده می شود، املا بنویسید.
۲. در باره تصویر زیر معلومات مختصر بنگارید.



ظہیر الدین محمد بابر



۱. با بر نامه اثر کیست؟
۲. با بر کی بود؟
۳. با برنامه در برگیرنده کدام موضوعات است؟
۴. با برنامه توسط کی به دری برگردانده شد؟
۵. خلاقیت و نوآوری در نگارش چه اهمیت دارد؟
۶. سبک چیست؟ چگونه می توانیم در نگارش دارای سبک شویم؟



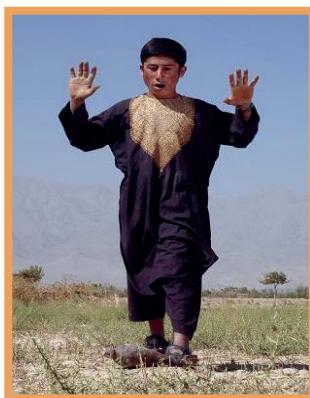
۱. در مورد با برنامه معلومات خارج از درس دریافت نموده روز آینده در صنف قرائت نمایید.

۲. قطعه زیرین را حفظ کنید:
گرچه در دانش فزون از بوعلی سینا
حال نادان را زنادان به نمی داند کسی
بود

۳. متن درس بعدی را خوانده و برای معرفی آن روز آینده آماده گی بگیرید.

- درس امروز توسط یک تن از شاگردان طوری معرفی شود، که تشریحاتش جوابگوی پرسش‌های زیر باشد:
- ۱. در صورتی که ماین یا مهمات منفجر ناشده را می‌بینید، چه عکس العملی نشان می‌دهید؟
- ۲. ماین‌ها و مهمات منفجر ناشده توسط چه کسانی از بین برده می‌شود؟
- ۳. در صورت مواجه شدن با قربانی ماین چه عکس العملی نشان می‌دهید؟
- در پایان معرفی، پرسش‌ها از چند شاگرد دیگر پرسیده شود.

در صورت مواجه شدن با ماین چه باید کرد؟



در اثر جنگ‌های طولانی در افغانستان انواع سلاح‌ها و مهمات منفجر ناشده پراکنده شده‌اند. از جمله این مواد، ماین‌ها و مهمات منفجر ناشده می‌باشند. دیدن و تشخیص دادن ماین‌ها کار آسانی نیست؛ زیرا آن‌ها اکثراً در زیر زمین گور شده‌اند؛ اما مهمات منفجر ناشده بروی زمین قرار دارند و شناخت آن‌ها کار دشواری نیست؛ بنابرآن شاگردان عزیز به اشیای ناشناخته دست نزنید، سیم‌های ناشناخته را کش یا قطع ننمایید و از انداختن سنگ یا اشیای دیگر به طرف ماین‌ها و مهمات منفجر ناشده خود داری نمایید. انداختن سنگ یا اشیای دیگر به طرف ماین‌ها و مهمات منفجر ناشده بسیار خطرناک بوده و باعث زخمی یا کشته شدن انسان‌ها و حیوانات می‌گردد. مهمات منفجر ناشده را می‌توان در هرجا، حتاً در باغچه‌ها، زمین‌های زراعتی، سرک‌ها، مکاتب و غیره جاها در یافت نمود؛ اما ماین‌ها اکثراً در مناطق ذیل پیدا می‌شوند:

- * در راه‌ها و گذرگاه‌ها و سرک‌هایی که مورد استفاده قرار نگرفته‌اند.
- * در کنار سرک‌ها و راه‌ها.
- * در ساحتی که جای دور دادن عراده جات باشد.
- * در داخل یا کنار پلچک‌ها و لبه‌های پل‌ها.
- * در داخل یا کنار منزوه‌ها.
- * در دروازه و کنج اتاق‌های منازلی که خالی باشند.
- * در داخل و اطراف چاه‌ها و دیگر منابع آب.

- * در اطراف پوسته‌های امنیتی و وسایط تخریب شده.
 - * در فرو رفته‌گاهی زمین که به شکل مخفی گاه از آن‌ها استفاده شده بتواند و... ممکن است بنابر دلایل مختلف شما در ساحة خطرناک یا ماین‌زار قرار بگیرید؛ و یکبار متوجه شوید که از راه مصون منحرف شده اید. در چنین حالت نباید وارخطا شده و به عقب یا اطراف تان بدوید؛ بلکه به مشوره‌های ذیل عمل نمایید:
 - * به طور آنی و عاجل توقف نمایید.
 - * در صورتی که افراد دیگری با شما باشند، به آن‌ها بگویید حرکت ننمایند؛ زیرا ساحة خطرناک است.
 - * از کسی که در ساحة مصون قرار دارد، تقاضای کمک نمایید تا در جستجوی کمک شده و به ماین پاکان یا مقامات محلی (پولیس، ریشن سفیدان...) اطلاع بدهد.
 - * الی رسیدن کمک منتظر باشید و از جای خود حرکت نکنید.
- در صورتی که در ساحة ماین‌زار ناآگاهانه قرار می‌گیرید، هرگز به عقب یا اطراف خود حرکت نکنید، در جای تان متوقف شده و از دیگران بخواهید تا به مسؤولان خبر بدهند.
- در صورت مواجه شدن با قربانی ماین چه باید کرد؟**
- در صورتیکه شما به قربانی ماین مواجه می‌شوید، کوشش نکنید تا به قربانی حادثه نزدیک شوید.

- در چنین حالت به دستورهای ذیل عمل نمایید:
- * هرگز به ساحة خطرناک داخل نشوید؛ زیرا خود تان صدمه می‌بینید، شما باعث انفجار دیگر خواهید شد و به زخمی صدمه بیشتر می‌زنید. به یاد داشته باشید در ساحه‌یی که یک ماین وجود داشته باشد، امکان موجودیت ماین‌های بیشتر هم است.
 - * زخمی را آرام سازید، یعنی با او توسط حرفهای تان آرامش و سکون دهید.
 - * خواهان کمک مسلکی شوید (به ماین پاکان، پولیس، افراد نظامی، کلینیک‌ها یا شفاخانه‌ها اطلاع دهید). اگر تلفون همراه نزد تان باشد، به اقارب و یا کسی که شما را کمک کرده بتواند زنگ بزنید.

- * تا وقتی که کمک مسلکی، می‌رسد هرگز داخل ساحة نشوید. با قربانی حادثه صحبت نمایید و برایش بگویید که از جایش حرکت نکند.



- هرگز چیزی را به طرفش پرتاپ نکنید.
- * در صورت مواجه شدن با قربانی ماین، هرگز داخل ساحة ماین‌زار نشوید. هرچه زودتر به ماین پاکان یا مسؤولین محل خبر بدهید. از کمک‌های غیرمسلکی خودداری نمایید.

دین مقدس اسلام ما را همیشه به رعایت احتیاط در همه امور زنده‌گی توصیه می‌نماید.
هر فرد مسلمان باید در حفظ جان خود و دیگران کوشای بوده و هرگز در قسمت این نعمت
بزرگ خداوندی بی اعتنایی نکند.

همان‌گونه که همه می‌دانیم در طی جنگ‌های طولانی ساحات زیاد وطن عزیز ما با
ماین‌ها و مهمات منفجر ناشده ملوث شده است. یکی از تأثیرات منفی جنگ خراب شدن
وضع اقتصادی اکثریت مردم است. به همین دلیل تعدادی از فامیل‌ها اطفال شان را جهت
جمع آوری چوب، توته‌های آهن و غیره به ساحات خطرناک می‌فرستند، که این عمل باعث
زخمی یا کشته شدن آن‌ها می‌گردد.

فعالیت‌هایی که خطر در قبال دارد و باید از آن‌ها جلوگیری شود، قرار زیر است:

- * جمع آوری چوب از ساحات خطرناک.
 - * جمع آوری آهن‌های کهنه از ساحات جنگ‌زده.
 - * داخل شدن به خانه‌های مخربه و خالی.
 - * عبور نمودن از عالیم خطر (سنگ‌های رنگ شده سرخ و آبی)
 - * گشتن و گذار در ساحات مشکوک (جنگ‌زده)
 - * بازی نمودن در ساحات خطرناک.
 - * استفاده از راه‌ها و سرک‌هایی که رفت و آمد در آن جا صورت نمی‌گیرد.
- به این ترتیب به خاطر حفظ جان و صحبت خود باید به نکاتی که در بالا ذکر گردیده اند، همان طور عمل کنید، تا منحیث یک مسلمان سالم و نیرومند به جامعه خود خدمت نمایید.

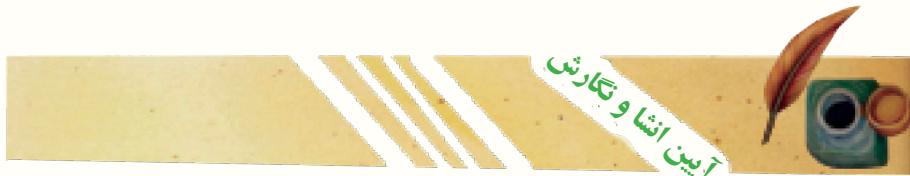


- * مهمات منفجر ناشده عبارت از سلاح‌ها و مهماتی اند که در جریان جنگ‌ها مورد استفاده قرار گرفته؛ اما منفجر نشده اند؛ مثلاً: راکت‌ها، بمبهای دستی، مرmine‌های تانک، مرmine‌های مختلف تفنگ‌ها، راکت، بمبهایی که از طیاره پرتاب شده اند و غیره
- * جلوگیری از خطرات مهمات منفجر ناشده آسان‌تر است؛ زیرا آن‌ها اکثراً بر روی زمین قرار دارند و به آسانی می‌توان آن‌ها را دید؛ اما ماین‌ها در زیر زمین مدفون شده اند و انسان‌ها را غافلگیر می‌کنند.

بیاموزیم

۱. در اثر جنگ‌های طولانی در افغانستان انواع سلاح‌ها و مهمات منفجر ناشده پراکنده شده اند.
۲. شاگردان عزیز باید جدا توجه داشته باشند، که به اشیای ناشناخته دست نزنند.

۳. مهمات منفجر ناشده می‌تواند در هر جا، حتا در باغچه‌ها، زمین‌های زراعتی، سرک‌ها، مکاتب و غیره جاها موجود باشد.
۴. در صورتی که در ساحة ماین‌زار مواجه می‌شوید، هرگز به عقب یا اطراف خود حرکت نکنید، در جای تان متوقف شده و از دیگران بخواهید تا به مسؤولان خبر بدهند.
۵. در صورتیکه شما به قربانی ماین مواجه می‌شوید، کوشش نکنید تا به قربانی حادثه نزدیک شوید، در آن صورت به جای یک زخمی، دو زخمی به وجود خواهد آمد.
۶. خواهان کمک مسلکی شوید (به ماین پاکان، پولیس، افراد نظامی، کلینیک‌ها یا شفاخانه‌ها اطلاع دهید).



چگونه دارای سبک شویم؟

برای اینکه دارای سبک شویم، نخست تقلید نکنیم و نوشته‌ ما باید چنان باشد که جواب‌گوی نیازهای زنده‌گی متغیر و متحول افراد باشد، افکار عمومی را ارتقا دهد، دید اجتماعی مردم را بالا ببرد و افراد جامعه را با حوادث تازه زمان آشنا سازد. خود نویسنده باید وسعت اندیشه، قدرت تخیل، ابتکار و نوآوری و آشنایی با زبان مادری داشته باشد. واقع بین و حقیقت گرا باشد. تنوع و تناسب در بیان موضوعات و انتخاب کلمه‌ها و عبارات را در نوشته خود مد نظر داشته باشد.

کار گروهی و سخنرانی

۱. شاگردان به دو گروه تقسیم شده؛ سپس هر گروه در باره درس خوانده شده باهم گفتگو نموده نتیجه را به دیگران انتقال دهند.
۲. دو تن از شاگردان در مورد خطرات ماین‌ها و مهمات منفجر ناشده سخنرانی نمایند.
۳. چند تن از شاگردان به نوبت در مورد به سبک در نگارش اظهار نظر نمایند.

املا و نگارش

۱. متنی را که توسط معلم گرامی خوانده می‌شود، در کتابچه‌های تان املا بنویسید.
۲. در مورد تصویر پایین متنی بنویسید که از هشت سطر کم نباشد.





۱. در صورتیکه با ماین مواجه شوید چه خواهید کرد؟
۲. مهمات منفجر ناشده در کجا می‌تواند وجود داشته باشد؟
۳. جاهایی را که ممکن است ماین در آن وجود داشته باشد نام بگیرید.
۴. در صورتیکه با قربانی ماین مواجه شوید، از کی‌ها کمک می‌خواهید؟
۵. آیا قربانی ماین یا مهمات منفجر ناشده را در ساحه رها کرده و خودتان فرار می‌کنید؟
۶. آیا شما به خاطر کمک به ساحة ماین داخل خواهید شد؟
۷. آیا در نگارش تقلید مفید است؟
۸. سبک در نگارش چه اهمیت دارد؟
۹. در نظر گرفتن کدام نکات مهم ما را کمک می‌کند که در نگارش دارای سبک شویم؟



۱. در مورد کمک‌های مسلکی به زخمی معلومات خود را بنگارید.
۲. بیت زیر را حفظ کنید:

چنین است کیهان ناپایدار
تو در وی به جز تخم نیکی مکار
فردوسي

واژه نامه

آ	آشفته	پریشان
	آشوب	بی نظمی، اغتشاش
	الف	
اختلال		خلل پذیرفتن، آشفته‌گی، نا به سامانی
اختناق		خفه شدن، گلو گرفته شدن
ادوار		جمع دور، زمان‌ها
ادیم		چرم
اراده		میل، به خودی خود، خواست، قصد، آهنگ، تصمیم
ارکان		جمع رکن، مبنای، پایه، ستون
استحکام		محکم شدن، قوی شدن
استمداد		مدد خواستن
استناد		سند قرار دادن
اسراف		افراط و زیاده روی در خرج کردن، بی اندازه و بی جا خرج کردن
اسلاف		جمع سلف به معنای گذشته‌گان و پیشینیان
اطلس زرکش		پارچه ابریشمی که تارهای زر در آن کشیده شده باشد.
اعجاب		به شگفتی آوردن کسی را، عجیب دانستن، خود پسندی
اغتشاش		بی نظمی، آشوب
افقار		تهییدستی، درویشی
افراط		زیاده روی کردن در هر کاری
افکنند		انداختن، گسترش و هموار کردن فرش
اقندا		پیروی کردن، متابعت
اقتدار		قدرت یافتن، توانا شدن
اكتساب		کسب کردن، حاصل کردن، فراهم آوردن
التیام		به هم پیوند دادن، بهبود یافتن زخم
الحان		جمع لحن، آهنگ و آواز
الم		درد و رنج
الوان		جمع لون به معنای رنگها
امتیاز		مزیت و برتری، حقوقی که برای افراد اجتماع داده شده است.
اما		جمع امیر، سرداران، فرماندهان
اميال		جمع میل، آرزوها، خواهش‌ها
انتزاع		برکنندن، از جای بیرون کشیدن
اندوده		ماده‌یی که به چیزی بمالند مثل کاهگل، قیر
انس		همدمی، خرمی

نایبود شدن	انقراض
تحقیر کردن، خوار شمردن، پست شمردن	اهانت
جنبیدن، جنبش	اهتزاز
قصر، کاخ	ایوان
ب	
ماده‌بی است از آمیزش مس و قلعی به وجود می‌آید.	برنز
گستردن، فراخی، وسعت	بسط
بی فایده	بلاطائل
سخن رسا و شیوا	بلیغ
پ	
عوض، مزدی که در برابر کاری پرداخته می‌شود.	پاداش
روشنی	پرتو
بیرق، درفش، علم	پرچم
ت	
بیقاراری، بی طاقتی، اندوه، ملالت	تاس
بین دو کس دارای حقوق مساوی، یکی را امتیاز دادن	تبیعیض
مخفف تباہ	تبه
جستجو کردن	تبیع
خوار کردن، خوار شمردن، کوچک شمردن، توهین، اهانت	تحقیر
حل کردن، گشودن	تحلیل
قبول رنج و سختی، با صبر بودن، طاقت داشتن، بردباری	تحمل
از یک معنا به معنای دیگر بی بردن، به یاد آوردن	تداعی معانی
انباسته شدن	تراکم
یاری دادن، کمک کردن، تعاون	تساند
پی در پی بودن	تسلسل
سلط شدن، چیره شدن، دست یافتن بر کسی یا چیزی	سلط
در هم کشیده شده	تشنج
باهم مطابق کردن، برابر کردن، عمل کردن	تطبیق
یکدیگر را کمک کردن، مدد کاری	تعاون
مطلوبی را بیان کردن	تعبیر
سخت گرفتن در چیزی	تحصب
اندیشیدن	تعقل
جمع تعلق، وابسته‌گی ها	تعلقات
توجه کردن	التفات
از حد گذشتن در جهت نقصان و کمی، بر عکس افراطا	تغیریط
سرگرمی	تفنن
علم تحقیک	تکنالوژی
نرمی، اظهار لطف و مهربانی	تلطف

ت	ترتیب دادن، مرتب کردن نفوذ کردن، تأیید کردن تاب، طاقت، توانایی و نیرو	تلغیق تنفیذ تونش
ث	دارایی، نعمت تمدن و فرهنگ	ثروت ثقافت
ج	فصاحت و روانی سخن، محکم بودن الفاظ بوم فضا، مابین زمین و آسمان، هوایی که گردآگرد زمین را فرا گرفته باشد.	جزالت جند جو
ح	دربار دارنده پرده، روپوش نگهبانی شمردن، شمار، کفایت، قدر، اندازه، شرف، بزرگی، گوهر شرم، حیا، غصب، بزرگی حاصل کردن نzed، روبروی، حاضر شدن، نزد کسی بودن ریزه و شکسته چیزی و به معنای مال دنیا خواری، پستی، زبونی به خم (ح) به معنای صندوقچه و قطعی کوچک جمع حُلّه به معنای پارچه ابریشمی بردبازی، شکیبايي جوالی، حمل کننده بار پیشامد ها آن چه به کسی واگذار شود.	حاوی حجاب حراست حسب حشمت حصول حضور حطام حقارت حقه حُلل حلم حمل حوادث حواله
خ	یاد، واقعه‌یی که بر کسی گذشته باشد، یادبود، یادگار شرمگین، شرممنده‌گی سخنی که رویارویی گفته شود، سخنی به کس گویند و جواب بشنوند. بزرگ، مهم، عظیم، مشکل خلق کردن، آفریدن، خلعت، جامه دوخته که از طرف شخص بزرگ به عنوان تحفه داده شود.	خاطره خجل خطاب خطیر خلاقیت دادگستر
د	عادل قاضی پارچه ابریشمی	داور دیبا

ذ	ذروه ذلیلان
ر	رجوع رحلت رفاه
د	دوختن پاره‌گی و سوراخ جامه سوراخ، منفذ
ز	پیشرفت، تابش، درخشش
ذ	پاک کردن، پاکیزه ساختن پارسا، پرهیز کار
ز	افزون، اضافه برطرف شونده، ناپدید
ز	پارچه‌یی که از تارهای زر بافته شده باشد بدروبی و شرارت
ژ	گروه، جماعت، دسته
ژ	عمیق
س	سالک سانحه سجیه
س	سربه سرهنج
س	ساختن سلط
س	سقوط
س	ساموی
س	سههم سیمگون
ش	شخنه شقاقوت
ش	شمسه شواهد
ش	شیفته
ش	پاسبان، نگهبان بدیخت شدن
ش	آفتاب
ش	جمع شاهد به معنای گواهی دهنده عاشق، دلباخته، حیران گشته

ص	آفریننده	صانع
	عرصه، فضا	صحن
	مقدم، پیشوا	صدر
	بت، دلبر، معشوق زیبا	صنم
	شکار	صيد
ض	باطن انسان، آن‌چه در خاطر بگذرد، اندیشه، وجدان	ضمیر
ط	خانه‌یی را گویند که از چوب سازند مانند خیمه طعم کننده، طمع دارنده	طارم طامع
	دهل	طبل
	نشاط و شادمانی	طراب
	روش، مسلک، مذهب	طریقت
	گردنبند	طوق
ظ	سایه	ظل
ع	فاقد، مبرا	عارضی
	ناتوانی، سستی، درمانده‌گی	عجز
	دشمنی	عداوت
	نیستی، نبود، ضد وجود	عدم
	اقامت در جایی، بهشت عدن به خاطری گویند که مؤمنان همیشه در آن	عدن
	خواهند بود.	خواهند بود.
	برهنه	عریان
	عیش، خوشگذرانی، کامرانی	عشرت
	جمع علامت، نشانه‌ها	علایم
	نقسان، نقیصه، بدی	عیب
غ	مادة خوشبو	غالیه
	نهایت، انتهای، انجام	غاایت
	توانگری، بی نیازی، دولتمندی	غنا
ف	فقیر	فاقه
	خو گرفتن، انس گرفتن، دوستی، همدمی	الفت
	سخی، کریم	فتی
	خوش سخن، تیز زبان	فصیح

آنکه کار بی جا و بی فایده کند.	فضول
تهییدستی، نیازمندی، فاقه	فقر
دانان، عالم به احکام شرع جمع آن فقهها	فقیه
ق	ق
کتاب لغت	قاموس
قناعت کننده، آن‌چه قسمت و بهره‌اش شده به آن خشنود باشد.	قانع
گرفته‌گی، تنگ کردن، مخالف بسط نزدیکی	قبض
حکم کردن، تقدیر الهی و حکم الهی که در حق مخلوق واقع شود.	قربت
راهن به عقب برگشتن	قضا و قدر قطاع الطريق قهقرا
ك	ك
بس کننده، بی نیاز کننده، کفایت کردن	کافی
تبلي	کاهلی
نوشته‌بی که بالای در و دیوار عمارت روی سنگ یا کاشی نقش شده باشد.	کتیبه
بزرگی، بزرگواری، بخشنده‌گی	کرامت
سریر، تخت	کرسی
سنگ پشت	کشف
طلبل	کوس
دین و مذهب	کیش
دباغی شده	کیمخت
گ	گ
آسمان	گردون
وسيع شدن، باز شدن	گسترش
ناچار، ناگزير	لاجرم
ل	ل
اجابت، قبول کردن امری	لبیک
کارهای بیهوده‌بی که انسان را مشغول بسازد.	لهو
شب	لیل
م	م
جمع مؤرخ، تاریخ نگاران	مؤرخان
تأسیس کننده، بنیان گذار	مؤسس
تا وقتی، تازمانی	مادام
پایه یافته، بنا یافته	مبتنی
جمع متعب، آن‌چه انسان را به رنج بیندازد.	متاعب
حرکت کننده، جنبنده	متحرک
دگرگون شونده	متحول
صوفی	متصوف

دگرگون، غمگین، آشفته	متغیر
باهم یکی شده، همراه، متعدد، همراه	متفرق
نگهدازند، کسی که به چیزی چنگ بزند	متمسک
گوناگون	متنوع
مانند، شبیه	مثال
جمع حسن به معنای خوبی و نیکویی	محاسن
عالیم به علم حدیث	محدث
خالص	محض
در خطر اندادختن، خطر	مخاطره
جای تخریب شده، ویران	مخربه
قوه‌یی که موجب تخیل شود.	مخیله
چیزی گرد، دایره مانند	مدور
ردیف شده، کلمه‌یی که در معنا شبیه کلمه دیگر باشد.	مرادف
نگهبانی و حراست	مراقبت
ثبتیت شده، قانونی شده	مسجل
جمع مسکوک به معنای سکه زده شده، پول فلزی	مسکوکات
تکیه گاه، مقام و مرتبه	مسند
شرعی شده، قانونی شده، مورد قبول اکثریت قرار گرفته	مشروعيت
حفظ شده	محصون
جمع مظلمه، ظلم و ستمی که بر کس شده باشد.	مظالم
جمع معتبر، راه‌ها، گذر گاه‌ها	معابر
بیمار، علیل، معیوب	معلول
آباد شده، آبادان	معمور
دارای عیب، دارای عیب جسمی و یا روحی	معیوب
جمع مفسدہ به معنای بدی، تباہی، فساد	مفاسد
کلیدی	مقاتحی
نزدیک، همراه، همدم، باهم پیوسته	مقارن
گفت و شنید	مقاؤله
تقاضا کرده شده، خواست شده	مقتضا
آن چه تقدیر شده، نصیب و قسمت	مقدار
کوتاهی کرده، نا تمام، سستی کرده در کار	مقصر
آلوده، نا پاک	ملوث
جمع ملک، پادشاهان	ملوک
جمع منبع، چشممه، اصل و منشا	منابع
پایان کار، نتیجه	منتج
کچ شده، کچ رونده	منحرف
از بین برده شده، ردکرده شده	منسوخ
کرسی که عروس را برآن بنشانند، جای ظاهر شدن چیزی.	منصه

نابود شده، از بین رفته	منقرض
دارای نقش	منقش
نورانی، درخشنان	منور
مربوط، وابسته	منوط
جمع موهبت، بخشش‌های غیر نقدی مانند: زمین، ملک...	موهاب
مختصر، کوتاه	موجز
رابطه، جای ورود	مورد
وهم و خیال	موهوم
گهواره	مهد
خورشید	مهر
ن	
سخن بی همتا و شیرین	نادره گویی
نفوذ کننده، درگذرنده، رسا و روان	نافذ
نی میان تهی و باریک	نال
نا آشنا، نا شناخته	نامانوس
والی	نایب الحکومه
راه، طرز، شیوه، اسلوب، مثل، مانند، جهت	نحو
نسخه یعنی از روی نوشته کسی که نوشته شود.	نسخت
جمع نصیحت، پند، اندرز	نصایح
سهم، قسمت، طالع، حصه، بخت و طالع	نصیب
ثروت و دارایی	نعمت
خوب و نیکو	نفر
نقد کننده، سره کننده خوب از بد	نقاد
سره کردن، ظاهر کردن عیوب و محاسن سخن	نقد
نگریستن، دیدن	نگرش
روز	نهار
دعا، آفرین، ستایش، پرستش	نیایش
و	
گرداب، منجلاب، جای خطرناک	ورطه
جمع واسطه	واسیط
پیوند، دوخت و دوز، ترمیم لباس	وصله
ه	
خرج	هزینه
آشکار، واضح، روشن	هویدا